

# مسائل دین لمللی

• مسائل بین‌المللی " که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد به تشریح مسائل تفویک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد •  
مدرجات این نشریه از میان مقالات مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " که نشریه تفویک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری است انتخاب و ترجمه می‌شود •  
در این شماره منتخبی از مقاله های شماره دهم مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " به چاپ رسیده است •

# مارکسیسم خلاق بنیاد پراتیک انقلابی است

لارنس شاکری

Lawrence SHAKY

۱

مارکسیسم بنا بر طبیعت ذاتی خود آموزشی است که حیات جاودان دارد و طی الدوام راه تکاملی میبهد. تکامل تئوری مارکسیسم در عین حال منعکس کننده شرایط جدیدیست که جنبش کارگری و تجربه ایراکه این جنبش اندوخته در آن تکامل می یابد. باینجهت هر يك از مراحل بزرگ جنبش کارگری انقلابی با مرحله جدیدی از تکامل اندیشه مارکسیستی توأم با نتیجه گیریهای جدید و برقراری ارتباط هر چه عمیقتر احکام عام با تحلیل مشخص اوضاع و احوال مشخص و تجدید نظر جسرانه و شرافتمندانه در احکام کهنه شده و با احکامی که صحت آن در عمل به ثبوت نرسیده است - مطابقت دارد.

تکامل خلاق مارکسیسم را نباید بصورت يك پروسه سراسر است و "فارغ از تصادم" در نظر مجسم کرد. مارکسیسم در هر مرحله تاریخی جدید جنبش انقلابی و در سر هر پیچ تند تاریخ مجبور میشود انواع گرایشهای اپورتونیستی را از سر راه بردارد. گرایشهای رژیونیستی، دگماتیک، رفرمیستی، انقلابی ناو غیره.

در جنبش جهانی کمونیستی اشتباه و انحراف خطر بسیار بزرگی را تشکیل میدهد و ضمناً این خطر امروز شاید شدیدتر از هر زمان باشد و علت آن مسئولیت روز افزون احزاب کمونیست در قبال سرنوشت جامعه بشری است، زیرا اولاً بسیاری از احزاب کمونیست بحکومت رسیده اند و اینجهت اشتباهات آنها در زندگی کشورهای تحت رهبری آنان و نیز در شرایط بین المللی مبارزه پرولتاریا ممکنست عواقب بسیار وخیم ببار آورد. ثانیاً اکنون که خطر جنگ هسته ای خانمانسوز جامعه بشری را تهدید میکند گام غلط و خطرناک اولی مشی غلط این یا آن حزب که در اساس حکومت قرار دارد، ممکنست عواقب واقعا هلاکت یاری در پی داشته باشد و در عین حال ممکنست برای حیران اشتباهات نیز وقت باقی نماند. کامیابیهای بزرگ جنبش ما و امکانات عظیمی که امروز برای آن پدید گشته و مسئولیت تاریخی که این جنبش بعهده دارد ایجاب میکند که کمونیست هایك سیاست کاملاً سنجیده و عمیقاً علمی تعقیب کنند، سیاستی که پیروزی پرامپریالیسم در شرایط همزیستی مسالمت آمیز کشورهای پیروزیهای اجتماعی مختلف باید بر پایه آن تحقق یابد. هیچکس قادر نیست ما را ناپود کند، مگر اشتباهات خود ما (لنین، کلیات آثار، جلد ۳۲، ص ۳۷، چاپ روسی). این سخنان لنین اکنون نیز تمام قوت و اعتبار خود را حفظ کرده است. هنگام خواندن اسناد اخیر حزب کمونیست چین این سخنان همیشه بیاد میآید.

خطر عده برای جنبش کمونیستی در حال حاضر \* موضع گیری خاص \* رهبری حزب کمونیست چین است \* البته داشتن برخورد متفاوت باین یا آن دسته از مسائل در محیط احزاب برادر امری است کاملاً ممکن و حتی طبیعی \* تمام احزاب بزرگ و کوچک ( در اس حکومت باشند یا نباشند ) باید سهم خود را در امر تکامل خلاق تئوری مارکسیستی - لنینیستی ادا کنند و در این زمینه مقدم بر هر چیز تجربه جنبش کارگری و دموکراتیک کشورهای خود و نیزه تجربه جمعی جنبش انقلابی جهانی متکی باشند \* در این میان پیدایش برخورد های متفاوت باین یا آن مسئله مشخص در آن کنونی ، پیدایش این یا آن اختلاف در نظریاتی که ویژگی هات تجربه ملی یا منطقه ای را منعکس می سازند ، این یا آن نحوه درک تجربه بین المللی ، هنگامیکه این تجربه از خلال مشور مسائل ملی مورد بررسی قرار میگردد ، جنبه ناگزیرد ارد \* سیر تکامل جنبش انقلابی جهانی و شرایط روز بروز متنوع تر و سریع التغییرتری که فعالیت کمونیست ها و متحدین آنها در آن انجام میگیرد و سرانجام افزایش عدت کشورهای سوسیالیستی این گرایش را پدید میآورد \*

مباحثات و اختلافات ایدئولوژیک دردوران پس از جنگ بارها در جنبش جهانی کمونیستی و از جمله میان این یا آن حزب کمونیست پدیدگشته و در آخرین تحلیل به تحکیم وحدت و تقویت پایه های اصولی آن منجر شده است \* باینجهت خود واقعیت اختلاف نظر بر سر این یا آن مسئله مشخص و حتی تئوریک غیر مترقب نیست و این مطلب بخودی خود ممکن بود مایه نگرانی خاص نباشد \* ولی رهبری حزب کمونیست چین بعقیده حزب مادر تمام مهمترین مسائل از مشی عمومی که تمام احزاب برادر را لاتفاق تعیین کرده اند انحراف جسته است و علاوه بر آن میکوشد نظریات خاص خود را به سایر احزاب نیز تحمیل کند و بدینسان در ماهیت امر حو و قابلیت آنها را برای شرکت مستقل در تعیین مشی عمومی جنبش کمونیستی و نیز برای تعیین مشی سیاسی خود برفیق تصمیمات جمعی و مطابق با شرایط خاص ، بشی برگزیده \*

ازجمله تر باعث تشویش است اینستکه رهبری کنونی حزب کمونیست چین در مخالفت با مشی توافق یافته جنبش جهانی کمونیستی از حد و مباحثه ایدئولوژیک بسی دورتر رفته و راه مبارزه سیاسی علیه کشورهای سوسیالیستی دیگر و اکثریت احزاب کمونیست را در پیش گرفته است \* واقعیات عدیده ما را باین نتیجه گیری وادار می سازد که رهبران چینی عالماعدا راه منشعب ساختن جنبش جهانی کمونیستی و ضد امپریالیستی را در پیش گرفته اند و برخلاف اصل انترناسیونالیسم پرولتری میکوشند جنبش کمونیستی \* خودی \* تشکید دهند ، سازمانهای توده ای دموکراتیک را منشعب کنند ( آنها هم اکثر اطبق اصل نژادی و منطقه ای ) و عملیات گروههای فراقسیمی را در داخل و خارج احزاب تشویش نمایند \* مثلاً در استرالیا وضع بر این مئوال است \* لیدرهای حزب کمونیست چین بوسائل گوناگون از گروه ضد حزبی هیل پشتیبانی میکنند \* این گروه برنامه سکتاریستی چپ روشی درواز زندگی واقعی به پیش کشیده که در آن به امتناع از وحدت عمل با حزب لیبرالیست و ماحراجوئی در مبارزه اقتصادی و سیاسی و غیره دعوت میشود \*

این مشی رهبرد حزب کمونیست چین برای برادری کمونیست های جهان و برای تمام جنبش انقلابی جهانی خطر واقعی بسیار جدی بوجود میآورد \*

واما ماهیت \* موضع گیری خاص \* رهبران چینی چیست ؟ آیا دعاوی آنها در مورد تملک انحصاری " حقیقت جهانشمول مارکسیسم - لنینسیم " هیچ پایه و اساسی هم دارد ؟ حزب ما برآنستکه نظریات رهبری حزب کمونیست چین نوع خاصی از تجدید نظر در رتشیوری مارکسیستی و در درجه اول در شعوری مبارزه طبقاتی و انقلاب سوسیالیستی است و این تجدید نظر با گفتار دربار موفاداری به مارکسیسم استوار میشود . این نظریات رهبری حزب کمونیست چین ، که مولود ناسیونالیسم و بیاطاقتی های خرد و بزرگ و نیز تمایل باحراز موقعیت حاکم در میان خانواده متساوی الحقوق احزاب برادر است ، در کلیه مسائل گرهی با تروتسکیسم متلاقی میشود . رفقای چینی برای " توجیه تئوریک " جهانشمول بودن نظریات خود یک سلسله از احکام مارکسیسم را بحد اعلی دگماتیک و ساده شده تفسیر میکنند ، به برخی جوانب و مراحل جنبش انقلابی جهانی جنبه مطلق میدهند و از تحلیل مشخص اوضاع و احوال مشخص بکلی امتناع میورزند .

بنظر ما در همین حاست که یکی از تضادهای اساسی موضع گیری لیدرهای حزب کمونیست چین با اوضاع خاصی آشکار میشود . آنها مارکسیسم " چینی شده " خود را ( اصلاً ) که خودشان بکار میروند ( که در بهترین حالات شرایط و حواشی و ویژگی های ملی واقعیت زندگی چین را یکجانبه و ، به امریکه حوادث سالهای اخیر نشان داد ، ناقص منعکس میسازد بعنوان عالیترین درجه تکامل مارکسیسم و تعالیم جهانشمول جلوه میدهند . . . .

رهبران چینی ، بطوریکه اسناد اخیر منتشره از طرف آنها نشان میدهد ، مدعیند که نسخه حاضر و آماده ایر برای انقلاب دارند که بدر همه ملل و تمام مراحل پروسه انقلابی دوران کنونی میخورد . این نسخه که با سماحت تمام به کمونیستهای کشورهای دیگر تحمیل میشود ( در نامه ۱۴ ژوئن سال جاری کمیته مرکزی حزب کمونیست چین یکی از رایج ترین کلمات عبارتست از " باید " ) بریک مشت نقل قول کتابی دگماتیک از کلاسیکهای مارکسیسم - لنینسیم مبتنی است که در آنها نص مارکسیسم عملاً در نقطه مقابل روح آن قرار داده شده و نتیجه گیریهایی برای اوضاع و احوال مشخصی که شمارا پدید آورده و به نتیجه برای اوضاع و احوال امروز غرب هستند . همین نص در مورد تحریریه یک یاد و انقلاب ، که جنبه متالو با آنها داده میشود و ماهیت آنها مسخ میگردد و این شکل مسخ شده پاسخ جهانشمول برای تمام مسائل عصر اعلام میگردد ، اثنا میگیرد . تعالیم اصیل انقلابی و دامنارنده و فرزند یابنده بیك مشت فرمولهای خشک و متحریرین میشوند .

رهبران چینی نمود ارماتسی دیگر انقلابیگری را با آنها عبارت میدانند از آواز پر دین شعارها و استحکام القاب ، در قوت صد ابدی قوت استدلال و در تکرار هر چه بیشتر اتهامات و دشنامهای - یکنواخت به امپریالیسم ، به تمام متحدین واقعی و خیالی آن ، به عموم صاحبان عقاید مخالف و در درجه اول به کمونیستهای که با آنها موافق نیستند .

تکرار لا ینقطاع حقایق بدیهی مارکسیسم که هیچکس در صحت آنها تردید ندارد و دفاع از این حقایق در مقابل مخالفان مجهول ، فرمولهای تحریدی و دراز واقعیت و خلط اکلکتیک ( شیوه تالقاتی ) با دیاکتیک ، توصیف ، با الاراتکمد میکنند .

جنبش جهانی کمونیستی اکنون از خیلی از دقایق نظریات رهبران چینی و از تحویزات آنها باخبر است . بسیاری از احزاب در پایان سالهای بیستم و آغاز سالهای سی ام قرن حاضر و در سالهای بعد از آن این مرحله را گذرانده اند . اصولاً دفاع تاخیر شده رهبری حزب کمونیست چین از تکرار استالین پرستی ، که کمونیستهای آنها مردود اعلام کرده اند ، اصلاً فقط ناشی از بی اعتقادی

عمومی کنونی آن به دموکراسی بعنوان راه رسیدن به سوسیالیسم و جز " ناگسستی آن و نیز فقط ناشی از عوامل زندگی درونی کشور و حزب آن نیست بلکه در عین حال از تمایل این رهبری به تمرکز بوروکراتیک جنس و داشتن انحصار تفسیر تئوری مارکسیستی - لنینیستی، که از مختصات دوران کیش شخص پرستی است، نیز ناشی میگردد. در اینجاست که از یاد آوری این مطلب خودداری کرد که حزب کمونیست چین زمانی خود شتائیرات سو\* این اسلیمهارا در وجود خویش احساس کرده و با جدیت علیه آن مبارزه کرده است. این موضع گیری رهبری حزب کمونیست چین مباحثه را که باید راه را برای وحدت جنبش جهانی کمونیستی بر اساس تکامل پیش از پیش و تعمیم تئوری مارکسیستی - لنینیستی هموار سازد، دشوار میکند.

دعوی رهبری حزب کمونیست چین در مورد حق تفسیر انحصاری مارکسیسم - لنینیسم اکنون با شدت خاصی ایجاب میکند که تمام احزاب به تبعیت بالاتفاق و مستقر در رشته تئوری مارکسیستی بپردازند. ما میخواهیم بی آنکه روی اتهامات پوچ " همدستی با امپریالیسم"، " فسریت زحمتکشان" و غیره که فقط مایه رسوائی کسانست که چنین اتهاماتی را به حزب و کشور لنین وارد میسازند، مکت کرده باشیم نظر کمونیست های استرالیا را در باره اهمیت برخی از مسائل تئوریک و سیاسی، که برای حزب ما جنبه مبرم دارد و در اسناد حزب کمونیست چین بنظر ما بغلط تفسیر شده است، بیان داریم.

### ٣

نخستین نتیجه ای که هنگام خواندن اسناد چینی بدست میآید اینست که تنظیم کنندگان آن در ارزیابی دوران کنونی و مهمترین قواین این دوران بعقب مینگرند نه بحل و پدید یعنی که میکوشند واقعیت کنونی را در چارچوب مقولات منطقی دوران گذشته بگنجانند. آنچه برای رفقای چینی جنبه شاخص دارد اینست که آنها امتناع دارند از اینکه تضاد اساسی وعده دوران کنونی یعنی تضاد میان سیستم سوسیالیستی و سیستم سرمایه داری را از مجموع تضادهای این دوران متمایز کنند. این تضاد برای آنها فقط یکی از تضادهای و هر مردیف با سایر تضادهاست و ضمناً اهمیت این تضاد عملاً بوسائل مختلف کوچک و ناچیز نمایانده میشود. برعکس در اهمیت تضاد دیگر یعنی تضاد میان ملل مستعده و امپریالیسم بسیار مبالغه میشود. از گفته رفقای چینی این نتیجه بدست میآید که خصوصیات دوران معاصر عبارتست از همبستگی تضاد و مبارزه آزاد بیختر ملی که زائیده آنست. بهمین جهت " تئورسین های " چینی دوران کنونی را دوران امپریالیسم و جنگها و انقلابها مینامند یعنی همان تعریفی را تکرار میکنند که مربوط بدوران تاریخی بکلی دیگر است و به تعریف جدید دوران ما که در اعلامیه ۸۱ حزب بیان شده اختنائی ندارند.

ضمناً بهیچوجه صحبت اختلاف اسکولاستیک بر سر فلان فرمول در میان نیست بلکه سخن بر سر یک مسئله گرهی تئوری مارکسیستی - لنینیستی است. تعریف خلاق دوران ما که در اعلامیه سال ۱۹۶۰ بیان شده شاخص مهمی بود برای تعیین اشتراکات و تفاوتها بین کمونیستی در مرحله کنونی. نغی این تعریف بعنایت نادیده گرفتن آن امکانات تازه ایست که اکنون در نتیجه تبدیل شدن سوسیالیسم به عامل قاطع تکامل جهانی برای جنبش انقلابی بوجود میآید. این مطالب در درجه اول مربوط است بمسائل جنگ و صلح، همزیستی مسالمت آمیز، شرایط و اشکال جدید

مبارزه در راه سوسیالیسم در کشورهای سرمایه داری رشد یافته ، بمسائل مربوط به مرحله نویسن جنبش آزاد بیخشم ملی ، بمسائل داخلی تکامل کشورهای سوسیالیستی و سیستم سوسیالیستی من - حيث المجموع بمسئله ارتباط و تاثیر متقابل نیروهای اساسی پروسه انقلابی جهانی • ولی حل غالب این مسائل در نزد رفقای چینی بطور صوری و از مواضع خاص ادوار گذشته جنبش انقلابی انجام میگردد •

برای حزب ماکه در یک کشور سرمایه داری رشد یافته فعالیت میکند مسئله طریق گذار سوسیالیسم اهمیت خاص دارد • ما بهیچوجه نمیتوانیم یا نظریه رفقای چینی در مورد این مسئله موافقت کنیم • بما میگویند کمونیست ها و طبقه کارگر باید انقلاب کنند • ولی توده ها را از چه راه مشخصی باید بسوی دگرگونی انقلابی جامعه هدایت کرد ؟ اسناد منتشره از طرف حزب کمونیست چین باین پرسش پاسخی نمیدهند • ( آخر نمیشود چنین فرضی را محتتمل دانست : رفقای چینی واقعا اعتقاد داشته باشند که امروز میتوان زحمتکشان کشورهای نظیر کشور ما را به " یورش انقلابی " و تقسیم مسلح و غیره دعوت کرد ) • آنها فقط تصریح میکنند که " هر جاتسلط شوم امپریالیسم و ارتجاع برقرار است مردم ••• حتما به انقلاب برمیخیزند " • در واقع سعی دارند بما تلقین کنند که احزاب کمونیست باید امید خود را به یک نوع تحول ناگهانی حوادث به بندند و تا فرارسیدن آن مبارزه در راه رفع نیازمندیهای مستقیم زحمتکشان اکتفا ورزند ، " نیرو جمع کنند " ، " پرچم انقلاب را برافراشته نگاهدارند " و قس علیهذا • انقلاب راهم رفقای چینی عملا فقط بصورت قیام مسلح در نظر خود محسوس میکنند و مدعیند که گویا در تاریخ " هنوز گذار مسالمت آمیز از سرمایه داری به سوسیالیسم سابقه نداشته است " •

آیا همین است آنچه که در نزد رفقای چینی قبول و دفاع از " اهمیت جهانشمول راه انقلاب اکتبر " نامیده میشود ؟ چنین برخوردی بمسئله طریق گذار به سوسیالیسم هیچگونه وجه مشترکی با روح اکتبر و یا مارکسیسم خلاق ندارد • کمونیست ها اینکه در موضع مارکسیسم خلاق قرار دارند بر آنند که اشکال گذار به سوسیالیسم ، اشکال انقلابیات سوسیالیستی متنوع است و متنوع این اشکال بموازات تکامل جنبش انقلابی در عرض و در عمق - بیخ از پیشتر میشود • همین حکم در اعلامیه سال ۱۹۶۰ ، که حزب ما نیز آنرا امضا کرده است ، بسط داده شده است • نماینده حزب کمونیست چین نیز اعلامیه را امضا کرده است • ولی رفقای چینی که بیخ از پیشتر از مارکسیسم خلاق دور میشوند ، این حقیقت را بدست فراموشی سپرده اند •

ولی زمانی بود که رهبران کنونی حزب کمونیست چین مسائل انقلاب را بنحود یگر یعنی از مواضع خلاق بررسی میکردند نه از مواضع دگماتیک • مبارزان قدیمی جنبش جهانی کمونیستی این موضوع را خوب بیاد دارند • خود انقلاب چین ، که خصلت سوسیالیستی آنرا هیچیک از مارکسیست ها مورد تردید قرار نمیدهد ، از بسیاری جهات با انقلاب اکتبر تفاوت دارد • در چین ارتش اساسی انقلاب را دهقانان تحت رهبری پرولتاریات تشکیل میدادند و مسیر اساسی تکامل انقلاب و محرک عده آن مبارزه آزاد بیخشم ملی مردم علیه امپریالیسم خارجی و اعمال آن بود • انقلاب چین عمل دفعتا و واحد نبود بلکه پروسه داوانی چندین ساله ای بود که در جریان آن کمونیست های چینی یکسلسله عملیات و اقداماتی انجام دادند که در انقلاب اکتبر و دوره تکامل انقلابی ماقبل آن در روسیه سابقه نداشت • دگماتیک های زیادی بودند که بدین معنا نسبت رهبران حزب کمونیست چین را بداشتن برخورد ذهنی ( سوبرکتیویسم ) به " عدول از اصول مارکسیسم " متهم میکردند • ولی در آن زمان حقیقت در طرف رهبران حزب کمونیست چین بود ، زیرا در این هنگام این حزب تجلی -



مشخص واقعیت عینی کشور خویش و خصوصیات تکامل انقلاب سوسیالیستی در کشورهای کم‌رشد و وابسته به امپریالیسم رمالک قرار میداد و از این شرایط برای پیروزی انقلاب بطور خلاق استفاده میکرد .

همین مطالب در مورد انقلاب کوبا نیز صادق است . این انقلاب هم‌که در دوران جدید و در شرایط اجتماعی و سیاسی جدیدی بسط پیدا کرد ، از بسیاری جهات با تمام انقلابهای ماقبل خود تفاوت داشت . قبول این انقلاب بعنوان انقلاب سوسیالیستی نیز با مقاومت دگماتیکی‌ها مواجه شد ، ولی اینها مانع پیروزی آن و مانع تبدیل آن بیکی از بزرگترین حوادث تاریخ مبارزه جهانی در راه سوسیالیسم نگردید .

مگر روشن نیست که شرایطی که امروز مبارزه بخاطر سوسیالیسم در کشورهای سرمایه داری رشد یافته انجام میگردد و در آینده انجام خواهد گرفت هم با شرایط روسیه سال ۱۹۱۷ و هم با شرایط چین سالهای بیستم تا چهارم بسیار و بسیار تفاوت دارد ؟ مگر روشن نیست که پیشاهنگ انقلابی پرولتاریاد را این کشورها یاد شواربها و مسائل کاملاً ویژه ای رهبر و میشود که اشکال و اسالیب دیگری را برای هدایت توده‌ها بسوی درک ضرورت تحول سوسیالیستی جامعه ایجاد میکنند . مگر روشن نیست که دوران کنونی ، که سوسیالیسم به نیروی قاطع تکامل جامعه بشری تبدیل میگردد در زمانی که برای نخستین بار در تاریخ برای حذف جنگ جهانی از صفحه زندگی جامعه امکان واقعی پیدا گشته و فقر اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر و سازمانهای آن بیش از پیش افزایش می‌پذیرد - دوران جدیدیست که در چگونگی حل مسئله گذار به انقلاب سوسیالیستی و در اشکال خود این انقلاب نکاتی - از نظر ماهوی جدید - وارد میکنند ؟ در دوران ما برای گذار به سوسیالیسم از طریق مسالمت‌آمیز و جلب اکثریت قاطع مردم با انقلاب و استفاده از اشکال و موسسات سنتی خاص حیات سیاسی و مبارزه سیاسی کشورهای غرب - امکانات روز افزونی پیدا میگردد . در همین حال این راه بیش از پیش به خواست عینی دوران بدل میشود . اعلامیه سال ۱۹۶۰ در این زمینه نتیجه‌گیریهای کاملاً روشنی دارد و این مسائل را با روح مارکسیسم خلاق حل میکند ، ولی رهبران کنونی حزب کمونیست چین با پست‌گشیدن مشی عومی " نوین " خود در قیاس با اعلامیه بجلو نرفته بلکه بقه‌قرامیروند و مواضع دگماتیکی عقب می‌نشینند .

انقلابهای سوسیالیستی که کمونیستهای کشورهای امپریالیستی برای پیروزی آنها بمبارزه دشوار و جانبازان معشوقند بیشک در رهبریک از این کشورها خصوصیات ویژه ای خواهند داشت . ولی در همین حال این انقلابها یک سلسله خصوصیات مشترک نیز خواهند داشت که انقلابهای سوسیالیستی را در کشورهای سرمایه داری رشد یافته هم از انقلابهای کشورهای کم‌رشد و هم از انقلابهای کشورهای دارای سطح متوسط تکامل سرمایه داری متمایز خواهد نمود . حزب ما برآنستکه صفات مشخصه انقلابهای سوسیالیستی در این کشورها عبارت خواهند بود از : طولانی بودن پروسه انقلابی ، توسعه تدریجی و پابرجایی بنیاد اجتماعی انقلاب ، اشکال مختلف ، اتحادهای سیاسی ، مبارزه در راه خواستههای دموکراتیک عومی بعنوان بخش ناگسسته مبارزه در راه سوسیالیسم و تصرف تدریجی مواضع اساسی سیاسی و اقتصادی از طریق جنبه‌های واحد ضد مونوپولیستی ، که با انجام آن حکومت تمام و کمال بدست این جنبه‌ها خواهد افتاد . این خصوصیات امکان استفاده از پارلمان مبرخی از موسسات سیاسی و اقتصادی دیگر جامعه بورژوازی و نیز امکان انجام یک سلسله رفرمهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را بعنوان وسیله ای برای پیشروی بسوی سوسیالیسم و همکاری دامنه



د احزاب مختلف د موکراتیک چه قبل وجه پس ازگذاره سوسیالیسم - د پردارد \* همین احکام است که امروز پایه برنامه فعالیت علی حزب ما را تشکیل میدهد \* ضمناً بدیهیست که مادرفعالیت خمش امکان راه دیگر یعنی راه غیرمسالمت آمیز را نیز که خود خواستار آن نیستیم ، ولی بورژوازی با اقدام علیه اراده اکثریت مردم و علیه تکامل د موکراتیک کشور ممکنست بما تحمیل کند ، در نظر میگیریم \*

دفاع کردن از \* راه جهانشمول انقلاب اکتر \* معنایش آن نیست که از انقلابهای آینده طلب کنیم که تمام گامها و خصوصیات انقلاب اکتر را تکرار کنند ، بلکه معنایش عبارتست از بررسی عمیق شرایط مشخص گذاره سوسیالیسم در هر کشور ، پیشبینی تغییرات این شرایط ، کوشش برای کشف و کار بستن اسالیب و اشکال متناسب با این شرایط برای کار در میان توده ها برای رهبری توده ها و بدینسان تسریع جریان نضج مقدمات و شرایط ذهنی برای انقلاب سوسیالیستی \* نباید تاکتیک مارا تقلید کرد بلکه باید در عمل ویژگی آن ، در شرایط و نتایج آن تعمق کرد و در کشور خود بجای نص تحریه سالهای ۱۹۱۷ - ۱۹۲۱ روح و مفهوم و در سهای انرا بکار بست \* ( لنین ، کلیات اشار جلد ۳۲ ، صفحه ۲۹۶ - چاپ روسی ) - اینست آنچه که لنین بزرگ بما کمونیستها میآموزد \* حزب ماکه مارکسیسم خلاق وفادار است حکم مربوط به امکان گذار مسالمت آمیز سوسیالیسم را در برنامه خود وارد کرده و تصمیم راسخ دارد در این راه به پیش رود \*

## ۴

مهمترین شرط کامیابی را در این مبارزه خود برقراری مناسبات صحیح با جنبش لیبریست میدانیم که اکثریت طبقه کارگر استرالیان پیروی میکند \* حزب ما با حکم مصرحه در اعلامیه سال ۱۹۶۰ مبنی بر ضرورت و امکان جلوگیری از انشعاب در جنبش کارگری و اینکه باید میان کمونیست ها و سوسیال دموکراتها فقط در مبارزه برای تحقق خواستهای مستقیم توده ها و در راه صلح و دموکراسی بلکه در مبارزه برای سوسیالیسم نیز وحدت محکم و استوار برقرار باشد ، تمام و کمال موافقت دارد \* برای ماکاملا روشن است که بدون ایجاد اشکال معین همکاری با حزب لیبریست وحدت عمل با توده زحمتکشان پیرو این حزب ممکن نیست و بدون این وحدت عمل نیز نمیتوان در مبارزه برای سوسیالیسم به کامیابی رسید \*

جنبش جهانی کمونیستی با طرح مسئله برقراری مناسبات متقابل میان کمونیستها و سوسیال دموکراتها بیشک سهم مهمی در امر تکامل خلاق مارکسیسم - لنینیسم ادا کرده است \* جنبش انقلابی کارگری با طرح این مسئله از یک سلسله فرمولهای قالبی ، که سابقاً زبان فاحشیان وارد ساخته است ، آزاد میشود \* ولی موضع گیری رفقای چینی با وجود پاره ای تصدیق ها و تذکارات صوری در ماهیت امر سرایا آمیخته با روح سکتاریستی است \*

در همان حال که سایر احزاب برادریا توجه به ضرورت برهم وحدت تکیه خود را روی تکسائی میگذارتند که جریانهای مختلف جنبش کارگری را متحد میسازد ، بران حزب کمونیست چین در تزهائی خود نکاتی را در درجه اول قرار میدهند که اینجریانها را از یکدیگر جدا میسازد و تکیه اصلی را روی افشای سوسیال دموکراسی و روی ضرورت \* دوری جستن از سوسیال دموکراتها \* میگذارتند \* کمونیستها مقدم بر هر چیز ضرورت وحدت عمل در مبارزه علیه دشمن مشترک را خاطر نشان میسازند

ولی رفقای چینی در درجه اول " جلب توجه های تحت نفوذ احزاب سوسیال دموکرات بسوی خویش " را دلب میکنند . کمونیستها میکوشند برنامه ایرابری عمل به پسر گشند که برای تمام جنبش کارگری وحدت علی قابل قبول باشد ، ولی سرپای نظریه تکامل انقلابی جمعی رهبری حزب کمونیست چین طور است که فقط میتواند انشعاب جنبش کارگری را عمیق کند .

سرانجام آنچه برای رهبران چینی بسیار جنبه شاخص دارد اینست که آنها امکان تشریح مساعی یا بخش از سوسیال دموکرات هارا فقط شامل مبارزه برای تحقق نزدیکترین هدفهای جنبش کارگری وصلح و استقلال ملی میدانند ، ولی وحدت عمل در مبارزه برای سوسیالیسم را مسکوت میگذارند . این بد انمعنی است که رهبری حزب کمونیست چین ضرورت و امکان وحدت طولانی و پایداری سوسیال دموکرات هارا درک نمیکند و امکان شرکت آنها را در مبارزه بسوی سوسیالیسم از پیش محذوف و می شمارد .

حزب ما معتقد است که پیروی از چنین نظریاتی یعنی اتخاذ موضع سکتاریسم ستیزه جو . ما چنین موضعی را مردود میدانیم ، زیرا تنها نتیجه ای که ممکنست از آن عاید شود محکوم ساختن جنبش کارگری به رکود و شکست و محکوم ساختن کمونیست ها به انفراد و جدا ماندن از اکثریت طبقه کارگراست . حزب ما برای تامین وحدت جنبش کارگری مبارزه خستگی ناپذیر انجام داده و میدهد و تجربه ای که ما در این زمینه اندوخته ایم اطمینان ما را بصحت راهی که تعقیب میکنیم راسخ میسازد .

کمونیستها استرالیا در سالهای بیستم قرن حاضر سهم قاطعی در مبارزه برای تامین وحدت جنبش سندیکائی کشور را کردند و این مبارزه به واسطه مرکز سندیکائی ملی واحد منتج گردید . مبارزه عمر بخشد در راه وحدت و تامین منافع حیاتی زحمتکشان به ترقی سطح زندگی همه بسط دامنه حقوق اجتماعی و تحکیم مواضع حزب در سندیکاهای کمک کرد .

ما در این سازمانها مدتهاست که با اتفاق لیبرالها کار میکنیم . و زندگی نشان داده است که اختلافات ایدئولوژیک به هیچوجه مانع غیرتأثیر رفع برای این کار میرای اشکال دیگر وحدت عمل و مبارزه مشترک نیست . موادی از برنامه لیبرالها نظیر مطالبه قانون ضد کارگری دولت منزیس ، تامین آزادی انحصار ، تقلیل ساعات کار در هفته ، بهبود اساسی وضع اقتصادی یک سلسله از گروههای زحمتکشان ، خروج نیروهای استرالیا از مالزی و تیمید نیگروه جنوبی بمناقصه فارغ از سلاح اتعی - مورد پشتیبانی مدافع کمونیستهاست . کمونیستها در مبارزه برای بازگشت لیبرالها به حکومت شرکت دارند . ضمناً کمونیستها در انتخابات در اکثر حوزه ها از کاندیدا های لیبرالها پشتیبانی میکنند و هر جا که خود کاندیدا دارند " آرا " دوم " ( یا ترجیحی ) خود را با آنها میدهند .

بقه کارگر استرالیا پیروزی خود را در مورد علی ساختن ۴۰ ساعت کار در هفته بجزان زیاد با فعالیت مشترک مبارزه مشترک کمونیستها و لیبرالها مدیون است . حزب لیبرالها از جمله قسمت اعظم لیبرالهای آن یا حریبان افراطی آنتی کمونیسم ، که هدف آنها خصمه بسیار از لیبرالهای سوسیال دموکرات اروپاست ، مخالفت دارند . و این امر که برای جنبش کارگری بسیار مهم است تا حد و در زیادی سیاست حزب کمونیست استرالیا مربوط میشود . لیبرالها در مواضع سوسیالیستی برنامه خود تجد نظر کرده اند و این امر کار خودهای پروولتر را برای درک عمیق تحریر مبارزه بسیار تسهیل میکند برای پیشروی بعدی در راه مبارزه ضد مونوپولیستی و

و کوشش برای تحولات اجتماعی در برنامه‌های خوبی بوجود می‌آورد .

## ۵

محدودیت در لاک ملی ، عدم درك شرایط مشخصی که کمونیست‌های کشورهای مختلف در آن فعالیت می‌کنند ( و عدم تمایل بدرك این شرایط ) ، نفی روح خلاق مارکسیسم - اینهاست عواملی که رهبران چینی را بطور اجتناب ناپذیر بر راه نقش مستقیم اصول بنیادی تئوری مارکسیستی ( که خود را یگانگه مداخله آن می‌خوانند ) پراه قهرقرائی در عرصه تئوریک سوق می‌دهد . ماکسیمالیسم که به ما جراحوهی و ناسیونالیسم و محدودیت در لاک ملی مبدل میشود ، دل‌بستگی به یکیش شخص پرستی ، قیدنداشتن در انتخاب وسائل مبارزه و تبلیغات ، اطمینان الهامی به ختانا پذیري خود ، استنکاف کامل از انتقاد از خود و اعتراف به اشتباهات خود در برابر مردم - این پدیده ها ذاتی ایدئولوژی و سیاست خرد به پرزروائی است نه ایدئولوژی و سیاست پرولتری .

یکی از اصول عده ای که در سراپای نظریه " چینی " در باره پروسه انقلابی جهانی رسوخ کرده ( با آنکه هیچ حاستقیما از آن نام برده نمیشود ) اینست که " هر چه بدتر بهتر " ، همه یا هیچ " . این اصل سراپا خرد به پرزروائی و انارشیمیستی است . مثلا در نامه ۱۴ ژوئن کمیته مرکزی حزب کمونیست چین گفته میشود : " سیاست تجاوز و جنگ که امپریالیسم آمریکا در سرا سر جبهان تعقیب میکند فقط ممکنست به متایجی منجر گردد که خلاف انتظار است . این سیاست فقط میتواند به بیداری ملل کشورهای مختلف ، به انقلاب آنها کمک کند " . ( تکه روی کلمات از موله است . هیئت تحریره )

این سخنان يك اشتباه لفظی نیست . همانطور که کمیته مرکزی حزب پشاهنك توده ای کوستاریکا چندی پیش متذکر شد به نمایندگان این حزب در پکن اظهار شد که " جنگ سرد چیز خوبی است " و " محیط متشنج " به بسط دامن مجارزه انقلابی " مساعدت میکند " . موضع دولت چین در مسئله منع آزمایشهای اتمی نیز همین نظریه را منعکس می‌سازد و روش واقعی رهبران چینی را نسبت بمسائل مبارزه برای دفاع از دموکراسی ، تحولات اجتماعی بهبود اساسی در وضع اقتصاد زحمتکشان کشورهای سرمایه داری معین میکند . نظریه رفقای چینی در ماهیت امر چنین است : هر قدر رژیم ارتجاعی تر باشد برای مبارزه موفقیت آمیز علیه آن شانسی بیشتری وجود دارد ، نکت نیروهای مولده یا از انهم بالاتر بحران اقتصادی بهترین متحد جنبش انقلابی است ، پیروزی در زمینه هدفهای فرعی ، توده ها را از مبارزه در راه هدفهای اساسی باز می‌دارد ، آنها را تخدیر میکند و فاسد مینماید و پندارهای موهوم بوجود می‌آورد . این نظریه از بسیاری جهات توضیح دهنده نحوه برخورد آنها بمسائل جنبش انقلابی در کشورهای امپریالیستی ، بی اعتدالی با کمالات این جنبش ، حمله به مشی استراتژیک احزاب کمونیست این کشورها و در واقع اتخاذ مشی صدور انقلاب بکشورهای سرمایه داری رشد یافته است .

ولی این تکیه روی گرسنگی ، روی استیصال و پندارهای خرافی توده ها بعنوان انگیزه عده آنان برای عملیات انقلابی ، چه وجه مشترکی با مارکسیسم دارد ؟ مارکسیسم چنین برخوردی را در مورد توده ها و پیشرفت تاریخ مردود میداند . مارکسیسم طبقه کارگر و توده های زحمتکش را خالق تاریخ میداند ، نه الت بی اراده ای در دست پیشوایان یا گروههای " برگزیده " ای که از هر وسیله

ایکه بنظرشان برای رسیدن به هدف مناسب باشد، استفاده میکنند. اهرم عده انقلاب سوسیالیستی استیصال نیست، بلکه آگاهی توده‌ها و درک مفهوم و هدفهای مبارزه از طرف توده‌هاست. کمونیست‌ها که حزب طبقه کارگر انقلابی را تشکیل میدهند نمیتوانند در رشته اجتماعی طرفدار سرپرده‌قهرائی باشند. آنها پیشرفت اجتماعی را، به‌رشدگی متحلی گردد، تهنیت میکنند. حزب ما از جمله معتقد است که در کادرسابقه‌مسالمت‌آمیز دو سیستم، پیشرفت اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری بخودی خود به‌هیچوجه ترمز جنبش انقلابی نیست. طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه‌داری میتواند از بازار بسیار گرم اقتصادی نیز بشرط اقدامات تعرضی مددانه سیاست صحیح پیشاهنگ انقلابی - با احراز موفقیت استفاده کند. ادعای کسانی که میگویند پیشرفت اقتصادی همواره امکانات بورژوازی انحصارگر را در مبارزه علیه طبقه کارگر افزایش میدهد و ترقی سطح زندگی زحمتکشان در شرایط سرمایه‌داری ناگزیر موجب تشدید گرایش سوسی همکاری طبقاتی میشود، - ادعای بکلی بی پایه است. زندگی برعکس نشان داده است که پیروزیهای کسب زحمتکشان در اثر سیاست فعال و مثبت پیشاهنگ خود بدست می‌آورند میتواند برای پیشروی بعدی برای اینکه توده‌ها خواسته‌های جدیدی را مطرح کنند که با ارکان تسلط انحصارات تاسیس داشته باشد تکیه‌گاه قرارگیرد.

تحریر تاریخی جنبش کارگری این ادعا را که گویا روحیه انقلابی توده‌ها همیشه با فقر و نیروی نیرو طبقات حاکم و پاتشنج بین المللی رابطه مستقیم دارد، رد میکند. تجربه و سنتهای مبارزه طبقاتی، بویژه در دوره اخیر نشان میدهد که معمولاً در صفوف اور جنبش کارگری آن کشورهای از پروتاریا قرار دارند که دارای تشکلات بیشتر و دستمزدها نسبتاً بیشتری هستند و دوره‌های اعتصابی اقتصاد خنیز معمولاً در عده‌ای اعتصابی طبقه کارگراست. از طرف دیگر همه میدانند که فاشیسم از روحیات نومیدی و استیصال و لاعلاجی که در نتیجه بدبختیهای ناشی از بحران اقتصادی سالهای ۱۹۲۹ - ۱۹۳۳ در انگلیز قسمت بزرگی از زحمتکشان یکسلسله از کشورهای شده بود، در چه مقیاس وسیعی استفاده کرد.

این امر بمیزان زیادی در مورد تأثیری که استقرار رژیم‌های ارتجاعی و استبدادی و فاشیستی و سرکوب خونین جنبش انقلابی و دموکراتیک ممکنست ببخشد، نیز صادق است. برخلاف تصورات برخی از دگماتیست‌ها این امر نیز برای مبارزه انقلابی از نظر عینی به‌هیچوجه شرایط مساعد بوجود نیامورد. کافیسیت برای نمونه آلمان فاشیست را بیاد بیاوریم. این نمونه در عین حال نشان میدهد که حکم مروجاً باینکه "حکومت سرد" و "تشنج اوضاع جهان" چیز خصیست "به توسعه دامنه جنبش انقلابی کمک میکند بکلی نادرست است. برعکس در شرایط هیستری جنگی برای بورژوازی به مراتب آسانتر است که پیشاهنگ این جنبش را از نظر جسمی نابود کند، آنرا منسحب نماید، توده‌های بزرگ مردم را با تبلیغات جنگی شوینیستی انتقال نماید و صدور ضد انقلاب را بکشورهای دیگر عطفی سازد. ولی صلح و کاهش تشنج و پذیرفتن اصول همزیستی مسالمت‌آمیز برای مبارزه انقلابی در هر کشور شرایط مساعدتری بوجود می‌آورد و مداخله نیروهای ضد انقلاب را از خارج دشوار می‌سازد.

کمونیست‌ها در مقابل اصل ضد دموکراتیک و ضد انسانی "هر چه بدتر، بهتر" و تکیه روی فاشیست‌ها تاریخی که پیروان آن مدعیند بقتلهای میتواند سیرت کامل تاریخ را به سوسیالیسم برساند، سیاست مثبت و سازنده مبارزه اشختر در راه صلح، تحول دموکراتیک، استقلال ملی،

بهبود اساسی وضع توده ها یعنی مبارزه ابرار امید دهند که به تنهایی میتواند توده های زحمتکش کشورهای ما را با روح سوسیالیستی تربیت نماید و در سرانجام خود پیروزی انقلاب سوسیالیستی را تامین کند .



رفقای چینی در نامه ۱۴ ژوئن از ضرورت حزب انقلابی مکی به تئوری مارکسیسم - لنینیسم صحبت میکنند و میگویند چنین چیزی با ایستادگی و حقیقت جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم را با پراتیک مشخص انقلاب در کشور خود توأم کند ، میان رهبری توده های بزرگ مردم ارتباط نزدیک برقرار سازد ، بتواند از حقیقت دفاع کند و اشتباهات خود را اصلاح نماید و مرسلاح انتقاد و انتقاد از خود تسلط کامل داشته باشد . ولی باید اذعان کرد که فعالیت احزابی که بخواهند سیاست خود را بر مشی پیشنهادی رهبری حزب کمونیست چین مبتنی سازند جوابگوی هیچیک از این - خواسته ها نخواهد بود . در واقع این فقط رهبران چینی هستند که " نسخه ایراکه در اوضاع واقعیت و در ازنوده ها اختراع کرده اند " حقیقت جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم " و نمود میسازند و دیگران را نیز قبول بی چون و چرا ی آن وادار میکنند " . " مارکسیسم چینی شده " بنا بر طبیعت خود نمیتواند پایه تئوریک جنبش جهانی کمونیستی قرار گیرد . حزب ما در تمام فعالیت خود جدا از اصول انترناسیونالیسم پرولتری ، از اصول مارکسیسم - لنینیسم اصیل و خلاق پیروی میکند و اتمام توأمیکوشد که این اصول در جنبش جهانی کمونیستی نیز تمام و کمال پیروزشود .



# وحدت و ثبته کامیابیهای جنبش کمونیستی است

ازه کیاس پاپایانو  
Esokeias PAPAIOANNOU

در حال حاضر جنبش انقلابی جهانی و در درجه اول پیشاهنگ کمونیستی آن در یکی از مراحل گرهی تکامل خویش قرار دارند که چگونگی انجام آن نقشها برای خود احزاب برادرانک به برای مقدرات تمام جامعه بشری نیز بیشک اهمیت قاطع خواهد داشت .

مبارزه ایدئولوژیکی که در جنبش جهانی کمونیستی آغاز شده تصادف میان دوشمی است :

یکی مشی مارکسیسم خلاق که به پیشرو میگردد ، طرق واقعی تحول انقلابی جامعه را نشان میدهد و صفوف ارتش عظیم کمونیست هارا متحد نگاه میدارد . مشی دیگر عبارتست از اپورتونیسیم ماجراجویانه و دکماتیک کمپروامینگرده ، با عبارت پردازی انقلابی کاذب امر انقلاب را تباه میسازد و وحدت را برهم میزند .

این مبارزه تمام مسائل اساسی تکامل اجتماعی کنونی و تمام جوانب اساسی سیاست ، استراتژی و تاکتیک احزاب مارکسیست - لنینیست را در بر میگیرد و در فعالیت تمام نیروهای ترقیخواه در هر کشور تاثیر میخشد .

حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس ( AKEL ) نظریات ، اسلوب ها و شیوه همسانی را که رهبران چینی در مبارزه ایدئولوژیک علیه مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی بکار میبرند بعنوان نظریات ، اسلوبها و شیوههایی که با روح مارکسیسم - لنینیسم مخالف است و وحدت صفوف احزاب برادر را تضعیف مینماید ، با قطعیت تمام تقبیح میکند .

حزب ترقیخواه در مبارزه خود برای حل مسائلی که در برابر جنبش ضد امپریالیستی و جنبش آزاد بیخشم ملی مردم قبرس قرار دارد همواره از پشتیبانی تودههای زحمتکش نیرو و الهام گرفته است . در عین حال این حزب تجربه جمعی گرانبهایی که جنبش جهانی کمونیستی اندوخته و شعائر پرافتخار و نحوه برخورد خلاق آن رایبه حل مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مبارزه طبقاتی در قیاب بررسی میکند بکار میبندد . این امر مواضع ما را تقویت میکند و قوای ما را افزایش میدهد و در تحلیل بهتر و جامعتر مسائلی که در برابر مردم قرار دارد و نیز در ارائه طریق برای پیشروی بعدی بهما کمک میکند .

احکام و قرارهای کنگره های ۲۰ و ۲۱ حزب کمونیست اتحاد شوروی و نیز اسناد جلسات مشاوره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در مسکو برای حزب ما اهمیت بسیار زیاد داشتند . احکام کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی بهما کمک کرد به مکتارسیسم و دکماتیسیم در حزب ما عزت قاطع وارد سازیم . احکام اعلامیه های جلسات مشاوره که برپسایه



تعالیم مارکسیسم - لنینیسم خلاق مبتنی است به تعیین و تحلیل عیقتروظایع مبرم مبارزه مردمی  
 به تکمیل تدوین برنامه حزب ، که تصویب قطعی آن در کنگره دهم حزب ما در مارس سال ۱۹۶۲  
 انجام گرفت - کمک نمود .

حزب ما روابط بین المللی با احزاب برادر را گرامی میدارد و شرکت فعال در مبارزه برای  
 وحدت بین المللی کمونیست هارا وظیفه بین المللی خود می شمارد . با آنکه وضع جنبش کمونیستی  
 بسیار پیچیده است و عملیات انشعاب طلبانه رهبران حزب کمونیست چین تخفیف نمی یابد بلکه تشدید  
 میگردد ، ما سرشار از روح خوشبینی هستیم و ایمان راسخ داریم که جنبش کمونیستی این بار نیز تغذیه ها  
 و اختلاف نظرهای راکه پدید آمده با احراز موفقیت بر طرف خواهد ساخت و وحدت خود راکه قانون  
 تاریخی تکامل آنست احیا خواهد نمود .

تقویت وحدت و تحکیم همکاری برادرانه در جنبش جهانی کمونیستی در محیط مبارزه حاد ایدئولوژیک  
 انجام میگیرد که در جریان آن اصول مناسبات فیما بین احزاب کمونیست و موازین اخلاقی و سیاسی رفتار  
 آنها حد اوازی میشود و مطابق با شرایط جدید تکمیل میگردد . مسط می یابد و اشکال جدیدی برای  
 روابط بین المللی آنان تدوین میشود .

بنیاد خلل ناپذیر موازین و اصول مناسبات بین المللی ، که مارکسیسم - لنینیسم برقرار ساخته  
 و تجربه انقلابها صحت آنها را به ثبوت رسانده است - انترناسیونالیسم پرولتریست . انترناسیونالیسم  
 پرولتری اشتراک پایگاه طبقاتی تمام واحدهای جنبش کمونیستی و وحدت وظایف اجتماعی آنها پیوند  
 ارگانیک اتحاد بین المللی احزاب برادر برابری حقوق اوستقلال آنها را منحل میسازد . کاملاً  
 روشن است که انترناسیونالیسم پرولتری در رهبری از مراحل جدید تاریخ پیوسته تکامل می یابد ، محتوی  
 آن غنی تر میشود و خطوط تازه ای کسب میکند .

در شرایط کنونی این امر بصورت پیروسی دیالکتیکی متضاد بین المللی شدن ( انترناسیونالیزاسیون )  
 مبارزه انقلابی از یک سو و تفکیک و تنوع اشکال مشخص فعالیت احزاب مارکسیستی از سوی دیگر بروز میکند .  
 جنبش کمونیستی به ارگانیک روز بروز متنوع تر و فرنیجتری تبدیل میشود که خصوصیت آن عبارتست از  
 افزایش سریع تعداد احزاب و اعضا آنها و مشخص شدن هر چه بیشتر تضادها و احوال سیاسی و اجتماعی  
 و غیره . در عین حال مجموع مبارزه کمونیست ها بیشتر از پیش جنبه بین المللی بخود میگیرد و سیر عینی  
 تکامل تاریخ کار راه رشد و تقویت عواملی منحصر میسازد که تحکیم همبستگی احزاب کمونیست را ایجاد  
 میکند و این امر بنه خود پایه دمدم استوارتری را برای وحدت این جنبش بزرگ و متنوع پدید  
 میآورد .

قانون تکامل جنبش کمونیستی و نمود ارعده و وقایع انترناسیونالیسم پرولتری  
 در مناسبات میان احزاب مارکسیست - لنینیست عبارتست از گرایش عینی بسوی  
 نزدیکی و اتحاد کمونیستهای تمام کشورها . در اعلامیه جلسه مشاوه نمایندگان  
 احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۰ گفته میشود : " مصالح مبارزه در راه  
 آرمان طبقه کارگر پیوستگی هر چه بیشتر صقوه ، هر حزب کمونیست و اتحاد هر چه بیشتر

ارتش عظیم کمونیست های تمام کشورها و وحدت اراده و عمل آنها را ایجاد میکند . کوشش برای تحکیم  
 دائم وحدت جنبش جهانی کمونیستی و پایه عالی انترناسیونالیستی هر یک از احزاب مارکسیست -  
 لنینیست است " .

تحریه تاریخ و پراتیا: انقلابی نشان میدهد که هر حزب اصیل مارکسیستی بسروشنی درک



میشوند. با واحد ملی مجزا و منفرد نیست بلکه حزب لاینفک جنبش نیرومند پرچمداران کمونیسم است. آنچه ده حزب ما را مجموعه جنبش جهانی کمونیستی پیوند میدهد روح واقعا انترناسیونالیستی و تلاش در اودالیانه و آگاهانه آن برای وحدت و یگانگی است. کامیابیهای اتی آن تا حد و درزیادی تنها منوط به اتخاذ مشی سیاسی صحیح در داخل کشور و در نظر گرفتن شرایط قبرس و پشتیبانی نبود معزیم زحمتکشان از حزب نیست بلکه در عین حال بدرجه استواری اتحاد تمام احزاب برادر نیز منوط است.

مرحله کنونی تکامل جنبش جهانی کمونیستی تحکیم قطعی وحدت احزاب برادر را، که ضامن شرط حتمی تکامل پروسه انقلابی جهانی و تحکیم مواضع جنبش کمونیستی و وحدت‌های جداگانه است، جدا ایجاد میکند. در اعلامیه ۸۱ حزب بدرستی خاطر نشان میشود که: « دفاع قاطع از وحدت جنبش جهانی کمونیستی بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و محازند انستین هراقد امی که باین وحدت خلل برساند شرط حتمی پیروزی در مبارزه بخاطر استقلال ملی، دموکراسی و صلح و انجام موفقیت آمیز وظایف انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم است. تخطی از این اصول کار را به تضعیف قوای کمونیسم منجر خواهد ساخت.» زحمتکشان قبرس و حزب AKEL نگران فعالیت انشعاب طالبانه دکماتیک‌های معاصرند. این فعالیت چه در جنبش آزاد ییختر ملی مردم قبرس و چه در مبارزه ملل سایر کشورهای که برای نیل با آزادی ملی خویش میکوشند تاثیر نامطلوب میکشد. این نحوه فعالیت رهبری حزب کمونیست چین در جنبش جهانی کمونیستی ممکنست عواقب بحرانی و در برخی موارد انشعاب در میان احزاب کمونیست و نیز در صفوف نیروهای دموکراتیک و نیروهای جنبش آزاد ییختر ببار آورد. بنابراین کسانی که ابتکار انشعاب را بعهد میگیرند نه فقط بمنافع احزاب برادر و تمام نیروهای ضد امپریالیستی واقعی نمیکذارند بلکه اثر مبارزان راه رهایی ملی و صفوف کمونیست‌ها را تضعیف مینمایند و متیرو و قابلیت پیکاران آن خلل میرسانند.

حزب ما بر آنست که برای تحکیم وحدت احزاب برادر باید همواره بطور پیگیر در راه تأمین وحدت ارتش بین المللی کمونیست‌ها کوشید، بنیاد ایدئولوژیک این وحدت را حفظ کرد و در راه پاکیزه نگاهداشتن مارکسیسم - لنینیسم و علیه ایدئولوژی ناسیونالیسم خرد و بورژوازی که در مواردی بشکل رویزونیسم و در موارد دیگر بشکل دکماتیکم بروز میکند بنحو آشتی ناپذیر مبارزه کرد.

در اعلامیه جلسه شماره ۸۱ حزب کمونیست خاطر نشان شده است که خطر عده در جنبش جهانی کمونیستی - رویزونیسم است. احزاب برادر در جریان مبارزات رویزونیسم تحارب فراوان اند و ختنند. آنها تمام تلاشهای عناصر رویزونیست را برای مختل ساختن وحدت و همپیوستگی مارکسیست - لنینیست‌ها افشا کردند و این تلاشها را با قطعیت تمام دفع کردند. اکنون بر اساس تحلیل اوضاع و احوال مشخص عده روزافزونی از احزاب کمونیست خاطر نشان میسازند که اپورتونیسم چپ، دکماتیکم و سکتاریسم بخاطر عده در جنبش جهانی کمونیستی تبدیل میشود. دکماتیک‌های معاصر میکوشند فها و وظایف کاذب خود را که در اثر تئک ملی مطرح شده در درجه اول اهمیت قرار دهند بدینسان آنها وظایف بین المللی را بدست قراموشی میسازند و منافع عمومی جنبش جهانی انقلابی را نادیده میانگارند. لنین همواره کمونیست‌ها را از خرد اتخاذ ان مشی سیاسی که بنای آن بجای پر خرد باقیاتی بر پر خرد ناسیونالیستی گذاشته شده یا شد بر خرد میداشت. ما بر آنیم که نیرو قاطع تحکیم وحدت صفوف احزاب کمونیست آنستکه در سیاست همواره منافع

جنبش انقلابی سراسر جهان در نظر گرفته شود و وحدت نظر و وحدت تصمیم در مسائل اساسی استراتژی و تاکتیک ، که در اسناد مشترک تنظیم شده جنبش جهانی کمونیستی تصریح گردیده ، مراعات شود .

در شرایط کنونی که جنبش کمونیستی سازمان مشترک و اساسنامه واحد ندارد درک صحیح آنچه که لنین " انضباط پرولتری بین المللی " آگاهانه مینامد حائز اهمیت فراوان است . منظور لنین از " انضباط پرولتری بین المللی " وظیفه جدی کمونیست های هر کشور در رعایت اکید قرارهای مشترک مصوبه جلسات مشاوره بین المللی و نیز رعایت تعهدات انترناسیونالیستی داوطلبانه تقبل شده و همچنین توانائی حزب مارکسیستی در مراعات همیشگی خواستهائی بود که از هدفها و وظائف جنبش انقلابی جهانی ناشی میگردد .

وفاداری به قرارهای مشترک وظیفه انترناسیونالیستی هر حزب مارکسیستی است . در اعلامیه جلسه مشاوره سال ۱۹۶۰ بروشنی تصریح شده است که " مصالح جنبش کمونیستی ایجاب میکند که هر یک از احزاب کمونیست ارزیابیها و احکامی را که احزاب برادر در جلسات مشاوره خود بالاتفاق در باره وظائف مشترک مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم تدوین کرده اند بر اساس همبستگی مراعات کنند " .

احزاب کمونیست بعنوان واحد های متساوی الحقوقی که در راه هدفها و وظائف مشترک مبارزه میکنند باید یکدیگر مناسبات برقرار میسازند . در عین حال هر حزب نیروی عیقلانی و پیشرو خلق خویش را حامل و مبین واقعی منافع آنست . از این رو برابری حقوق و استقلال سیاسی و سازمانی احزاب برادر بر شرط بسیار مهم و اساسی همکاری میان آنهاست .

۲

حزب مادر فعالیت خود اسناد مشترک انضامی تصویب شده جنبش جهانی کمونیستی را ملامت قرار میدهد که در آنها دلائل تأکید میشود که تمام احزاب کمونیست و کارگری در مناسبات فیما بین صرف نظر از تجربه و خدمات هر یک از آنها ، کاملاً با هم متساوی الحقوقند . حزب " مافوق " و " مادون " وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد . همه آنها در امور مربوط به سر نوشت تمام جنبش رای یکسان دارند .

پیشروی و کامیابی حزب ما در مبارزه برای تامین منافع طبقه کارگر و تمام زحمتکشانش تنها بد انجمن نبود است که سیاست آن جوابگوی منافع توده های مردم است ، بلکه در عین حال بدان جهت بود است که این حزب نسبت مساوی الحقوق خانوادگی بزرگ کمونیست ها است .

تمام احزاب مارکسیست - لنینیست حاکم بر حقوق خود هستند . هر حزب کمونیست اعم از اینکه سخن بر سر تدوین اسلحه های مبارزه در راه استقرار سوسیالیسم در کشور خود و اتخاذ شیئی علی برای فعالیت آن باشد یا بر سر تعیین اشکال سازمان و حیات داخلی آن به پیروی از تئوری مارکسیسم - لنینیسم در درجه اول شرایط مشخص اقتصادی و سیاسی کشور خویش و ان وظائف داخلی را مآخذ قرار میدهد که در برابر جنبش کارگری آن کشور مطرح میگردد . برابری حقوق واقعی و استقلال در عین حال درک عمیق و توجه دقیق بمنظریات و نتیجه گیریهای سایر احزاب کمونیست و احترام به فعالیت خلاقه آنها الزامی میکند .

در میان احزاب کمونیست هیچ نیروئی که بتواند از خارج در امور داخلی این یا آن حزب کمونیست مداخله کند و یا فعالیت آنها رهبری نماید وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد .

هیچ حزبی اعم از داشتن هر تعداد عضو و هر تجربه و اعتبار انقلابی ، نباید نظر خود را تحمیل نماید و تاکتیک و اشکال و اسالیب فعالیت احزاب برادر کشورهای دیگر را تعیین کند .

حزب ماکه در فعالیت خود از استقلال کامل برخوردار است مشی سیاسی مبارزه خود ، هدف ها ، اشکال و اسالیب فعالیت خود را خود تعیین مینماید . حزب ما در نخستین صفیوف مبارزان راه حد یکسلسله از مسائل مربوط به تامین کامل استقلال ملی کشور گام بر میدارد . مردم قبرس اکنون بچهارمین سال اعلام جمهوریت قبرس گام میگذارند . قرارداد های زوریخ - لندن ( ۱ ) به کشور تحمیل شد و مسئله قبرس را طبق تعالیل تود مردم حل و فصل نکرد . غصب بخشی از خاک کشور و ایجاد پایگاه های نظامی از طرف امپریالیست های انگلیسی ، وجود دستگاه های رادار امریکایی و استفاده امپریالیست های امریکایی از خاک قبرس بعنوان مرکز جاسوسی علیه کشورهای همسایه ، استقرار واحدهای نظامی ترکیه و یونان در جزیره و سرانجام واگذاری حقوقی به اقلیت ترک ، که با جمعیت آنها تناسب ندارد - همه اینها به استقلال ملی قبرس لطمه میزند و اثر انقض می کند . مردم قبرس اکنون برای برانداختن عواقب منفی قرارداد های زوریخ - لندن و نیل به استقلال ملی واقعی مبارز می کنند . بدینسان مردم قبرس در حال حاضر بطور کلی در مرحله مبارزه ضد امپریالیستی و ازاد بیخسر ملی هستند .

دشمن عمده قبرسی ها امپریالیسم است که برای مبارزه علیه آن تمام نیروهای مردم قبرس باید متحد شوند .

در این جنبه وسیع ضد امپریالیستی که حزب ما برای ایجاد آن میکوشد طبقه کارگر قبرس نقش مهم پیشاهنگ را ایفا خواهد نمود .

حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس پرچمدار وحدت ضد امپریالیستی توده هاست و در میان مردم از نفوذ و احترام فراوان برخوردار است . این امر نتیجه پیوند های محکم آن با توده ها و مبارزه ای است که برای رفع نیازمندی های روزمره و تامین منافع آنان ، در راه اتحاد تمام نیروهای خلق علیه امپریالیسم برای حفظ صلح و برانداختن میلیوناریسم در قبرس و احراز استقلال واقعی کشور انجام میدهد .

اصل برابری حقوق و استقلال احزاب برادر ، که با هرگونه دعاوی بی اساس یکی از واحدهای طبقه کارگری یکی از احزاب آن در مورد حق خاص یا نقش خاص در جنبش کارگری و کمونیستی مناقات دارد ، در عین حال هیچگاه مفهوم پیشاهنگ جنبش جهانی کمونیستی را نفی نمیکند .

مانیک میدانیم که هر حزب کمونیست سهم خود را در تکامل تئوری مارکسیستی و در تتبع مسائل عمومی استراتژی ادا میکنند . ولی احزابی هستند که تجربه فراوان در رشت مبارزه تئوری و پراتیک اند و خسته اند و این تجربه برای سایر واحدهای جنبش کارگری و کمونیستی میتواند سودمند واقع گردد . این تجربه گنجینه مشترک تجارب مارکسیستی جنبش مارا تکمیل میکند و دارای عمومی محسوب میشود . حزب کمونیست اتحاد شوروی بتصدیق عموم در مقامیسه با سایر احزاب غنی ترین و جامعترین تجارب را دارد . در اعلامیه سال ۱۹۶۰ جلسه شماره نمانندگان احزاب کمونیست و کارگری گفته میشود :

( ۱ ) - بموجب قرارداد یونان و ترکیه منعقد در زوریخ در فوریه سال ۱۹۵۹ که در لندن بتاریخ فوریه سال ۱۹۵۹ توسط انگلستان تصویب شد روز ۱۶ اوت سال ۱۹۶۰ جمهوری قبرس اعلام گردید .

تپصره هیئت تحریریه محله " مسائل صلح و سوسیالیسم " .

" تحریریه ای که حزب کمونیست اتحاد شوروی در مبارزه بخاطر پیروزی طبقه کارگر و در جریان ساختن آن سوسیالیسم واقفانم به ساختمان دامنه دار کمونیسم اند و خسته است برای تمام جنبش جهانی کمونیستی اهمیت اصولی دارد " .

این اوآخر مسئله اهمیت بین المللی تحریریه انقلابی احزاب برادر بارها مطرح شده است .  
 تردیدی نیست که تحریریه این یا آن حزب کمونیست و تصمیماتی که بر اساس این تحریریه اتخاذ میکنند فقط برای خود آن حزب حتی الاحراس است . هر حزب کمونیست آنچه را که برای خویش بیشتر از همه مسلط میدانند خودشان را از گنجینه عمومی دامن مارکسیستی برمیگزینند . ولی نفی اهمیت سهمیه احزاب دیگر و مطلق کردن تحریریه خویش یا انترناسیونالیسم شعار دارد .  
 ایدئولوگ های بورژوازمیخواهند واقعیت و نیروی حیاتی برابری حقوق و استقلال احزاب برادر را بیهوده بینند . این امر اخیراً در نوشته های دکماتیک های معاصر نیز بیشتر از پیش اشاعه یافته است .  
 متأسفانه رهبران چینی از ایدئولوگ های بورژوااد عاهاشی را تکرار میکنند مبنی بر اینکه گویا حزب کمونیست اتحاد شوروی میگوید تسلط خود را بر جنبش کمونیستی برقرار سازد ، گویا بگفت " تعلیمی و " حکم مقدس " عمل میکند ، نظریات خویش را بگفت و سؤالی تحمیل مینماید که " آقا در مورد نیگران خود " بکار میرود و گویا سایر احزاب کمونیست آقای و تکبر میفرود . آنها حتی در فعالیت برخی از احزاب برادر نیز که در حکومت نیستند بگفت تمایز تحمیل " چپ " و " راست " اوامر خود بیه کمونیستهای کشورهای مستعمره سابق مشاهده میکنند .

حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس مدتی است که با حزب لتین بزرگ روابط برادرانه محکم دارد . این حزب حزب طبقه کارگر مردم زحمتکش یک کشور کوچک است . ولی در روابط خود با حزب کمونیست اتحاد شوروی هرگز احساس نکرد که حزب کمونیست اتحاد شوروی کوچکترین قصدی داشته یا تلاشی بکار بردن باشد برای آنکه با حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس " آقای " بفروشد و یا در امور داخلی و سیاست آن مداخله نماید . برعکس حزب کمونیست اتحاد شوروی در تمام موارد حد اعتدالی حرمت را بجا میآورد داشته است . روابط ما با حزب کمونیست اتحاد شوروی بر پایه تساوی حقوق واقعی و استقلال مبتنی است .

در عین حال مگر این تخطی از اصل برابری حقوق و استقلال نیست که رهبران چینی برای تحمیل نظریات یکلی اشتباه آمیز خود در مورد تکامل جهانی به جنبش جهانی کمونیستی و مداخله غیرقانونی در امور داخلی سایر احزاب برادر را الحاح روز افزون تلاطمی خرج میدهند ؟

جلسه مشاوره سال ۱۹۶۰ نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در مسکو

اهمیت فراوان کمک و پشتیبانی متقابل را برای فعالیت کمونیستها اعلام  
 از کمونیستهای کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری خاطرنشان  
 ساخته است . تحریریه ما گواهی بر آنست که کمک و پشتیبانی متقابل بخصوص برای  
 کمونیستهای احزاب کوچکی که نسبتاً تازه تشکیل شده یا در شرایط غیرعادی  
 و در محیط تضییق و تعقیب شدید بسر میبرند ضروری است . حتی میتوان گفت که هم کامیابیهای کنونی  
 و هم کامیابیهای آتی پشاهانگان مارکسیستی این کشورها فقط وابسته به مشی سیاسی صحیح  
 و درجه فعالیت آنها در داخل کشور نیست بلکه معین به استواری و اثر بخشی پشتیبانی  
 و همبستگی انترناسیونالیستی سایر احزاب کمونیست و کارگری وابسته است .  
 کمک مددانه احزاب برادر از یکدیگر بسته به اوضاع و احوال زمانی مشخص میتواند اشکال

منوعی داشته باشد . لنین میگوید : " انترناسیونالیسم در کرداریکی فقط یکی است : تلاش بی مضایقه برای پیشرفت جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در کشور خویش و پشتیبانی ( از طریق تبلیغات ، هواخواهی و کمک مادی ) از همین مبارزه و از همین خط مشی فقط از آن در تمام کشورها بدون استثنا " .

طبقه کارگر و زحمتکشان اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که میکوشند اقتصاد خود را با احراز موفقیت بیشتری پیشرفت دهند ، بازده کار را بسطی بالاتر از سطح موجود در شرایط سرمایه داری برسانند ، علیه امپریالیسم و استعمار و در راه صلح عمومی با قاطعیت مبارزه کنند و دامنه همبستگی خود را با طبقه کارگر و زحمتکشان سایر کشورها توسعه دهند - بدینسان در احراز وظیفه انترناسیونالیستی خود در عین توجه بمنافع مشترک تمام نیروهای انقلابی سرمشرق عالی نشان میدهند .

مابا ابراز خرسندی یاد آور میشویم که احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری پیشرفته در رده م مقدم مبارزه علیه امپریالیسم قرار دارند . آنها فعالیت خود را برای متحد ساختن تمام مخالفان انحصارات پیرامون طبقه کارگر تشدید میکنند و طبقه کارگر را علیه خطر جنگ جدید ، که لبه تیز آن بر ضد اردوگاه سوسیالیسم توجه است ، بسیج مینمایند .

حزب ایتا ، الیت مجدانه کمونیستهای کشورهای راکه با استقلال ملی نائل آمده اند یاد ررامیل با آن میکوشند و خود مهرا را برای مبارزه قاطع در راه محو هر چه سرعتر تمام بقایا و آشکار استعمار ، پایان رساندن انقلابهای ملی ازاد بیختر ، انجام اصلاحات اساسی دموکراتیک و تعقیب راه واقعا مترقی برای تکامل کشورهای خویش بسیج مینمایند - تهنیت میگوید .

یکی از مهمترین نمودارهای کمک و پشتیبانی متقابل در جنبش کمونیستی عبارت از مبارزه فعال احزاب برادر علیه هر یک از اشکال " صدور ضد انقلاب از طرف امپریالیستها " باین یا آن کشور است . این سنت والای کمک متقابل در اکثر مبارزه طبقاتی شدید میان پرولتاریا و بورژوازی آزمایش گردیده و ما خون میلیونها مبارز جانپاز انترناسیونالیست آبدیده شده است .

مردم قبرس میناسبت پشتیبانی اتحاد شوروی از مبارزه ازاد بیختر ملی آنان میناسبست اقدامات شجاعانه دولت شوروی در امر قطع تجاوز سال ۱۹۵۶ امپریالیستهای مصر ، که ضمن آن امپریالیستهای از خاک قبرس برای عملی ساختن هدفهای تبهکارانه و ماجراجویانه خود استفاده میکردند - بارها مراتب سپاسگزاری خود را از آن کشور ابراز داشته اند . حزب ما و مردم قبرس در مبارزه برای نیل به استقلال ملی واقعی و در راه صلح و پیشرفت اجتماعی نیز هواره پشتیبانی

اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی ، پشتیبانی تمام ملل ازاد یخواه و صلحدوست جهان را احساس میکنند . بدون این کمک و این مساعدت مبارزه مردم ما نمیتواند به کامیابی انجامد . تجربه مبارزه طبقاتی نشان میدهد که کمک و پشتیبانی متقابل احزاب برادر را یکدیگر

و همبستگی کمونیستها در تمام چرخشهای بزرگ تاریخی و در لحظه تصادمات حادثه‌های انقلابی با ارتجاع امپریالیستی - واحد اهمیت خاص است . منافع مشترک در چنین مواردی حد اعلائی همبستگی احزاب برادر و همگرت تمام قوا و وسائل برای مبارزه با امپریالیسم و انجام اقدامات عملی برای دفاع از دستاوردهای انقلابی ملل را ایجاب میکند .

مارکسیست - لنینیستها در لحظه بحران سال ۱۹۶۲ دریای کارائیب ، که یکی از خطرناکترین تصادمات قوای سوسیالیسم با قوای سرمایه داری در سالهای اخیر بود ، بهمین نحو

عمل کردند . این درگیری حاد در حکم يك آزمايش واقعي از شجاعت وثبات قدم کمونیستها و توانائی آنان برای عقیم گذاشتن نقشه‌های امپریالیسم و دفاع از دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی در کوبا و در عین حال اثبات برتری سیاست همزیستی مسالمت آمیز کشورهای پیرو رژیمهای اجتماعی مختلف بود .

حزب کمونیست اتحاد شوروی در آن روزها بیشتر از پیش مورد تقدیر تمام کمونیستها قرار گرفت ، زیرا بر اساس سنن اصیل لنینی انترناسیونالیسم پرولتری عمل میکرد . احزاب کمونیست و کارگری با اقدامات فعال خود نشان دادند که مسئولیت تاریخی خود و ضرورت همبستگی پرولتری را درک میکنند .

وی رهبران حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی در آئینگام چپشی اتخاذ کردند ؟ آنها بحای آنکه تمام اثر خود را علیه امپریالیسم ، دشمن عمده متمرکز سازند آتش تهمت زنی و حمله را علیه حزب کمونیست اتحاد شوروی و کشور شوروی گشودند . رهبران چینی و آلبانی در حساسترین لحظه‌های آنکه بشیوه متحدان هم‌رزم عمل کنند بعنوان ناظران حاشیه‌نشین و منتقدین غیر دوست عمل کردند .

موضع‌گیری رهبری حزب کمونیست چین در مخالفت با قرارداد مسکو درباره منع محدود آزمایشی‌های سلاح هسته‌ای نیز با اصول انترناسیونالیسم پرولتری هیچگونه مطابقتی ندارد . اتحاد شوروی با امضا این قرارداد بار دیگر ثابت کرد که بطور قطعی می‌خداشه از قرارهای جلسات مشاوره سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ مسکو پیروی میکند .

مشئ کتونی رهبران چینی در مسائل سیاست جهانی نقض آشکار اصول انترناسیونالیسم پرولتری و قرارداد ن پان‌فرم خاص خود در نقطه مقابله جنبش جهانی کمونیستی است . اکنون بموازات افزایش نیرو و افزایش نفوذ طبقه کارگر بین‌المللی و پیشاهنگ‌های کمونیستی آن در جریان حوادث جهانی ، مسئولیت کمونیست‌ها در سرنوشت جامعه بشری و در کامیابی جنبش انقلابی جهانی نیز بسی افزایش یافته است . در عین حال جامعه بشری هیچگاه با خطر موحشی چون حنك موشکی و هسته‌ای روبرو نبوده است . مبارزه در راه حفظ دستاوردهای جنبش آزاد بیخوش جهانی و جلوگیری از حنك هسته‌ای و نیز پروسه انترناسیونالیزاسیون اموراتصادی و سیاسی در جهان کتونی مسئولیت کمونیستها را در مورد سرنوشت جامعه بشری و در مورد قابلیت پیکار نیروهای انقلابی بعراتب بیشتر کرده است .

حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس در حل مسائل مهم فعالیت خود همواره مسئولیت فراوان از خود نشان میدهد و تنها میداننده مسئولیت انترناسیونالیستی ایجاب میکند که کمونیست‌ها این نکته را بانهایت دقت درک کنند که سیاست و اعمال هر حزب برادر ، اعم از بزرگ و کوچک ، که در شرایط سرمایه‌داری فعالیت میکنند و یا کشور سوسیالیستی را رهبری مینمایند تنها با منافع مستقیم و غیرمستقیم و با سرنوشت کشور خود آنها برخوردارند بلکه با منافع ملل کشورهای دیگر نیز برخوردارند و چه بسا عواقب بین‌المللی مهم و امنه‌داری را بدنیال می‌آورد .

طی سالهای اخیر احزاب کمونیست و کارگری در جلسات مشاوره جهانی سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و نیز در یک سلسله از کنفرانسهای منطقه‌ای و ملاقاتهای دو جانبه امکان کامل داشتند نظریات خود را در مورد مسائل اساسی شعری ، استراتژی و تاکتیک بیان دارند . این جلسات مشاوره و ملاقاتها نشان دادند



که میان اکثریت مطلق احزاب برادر در مورد مسائل اساسی ماهوی تئوری و پراتیک وحدت نظر و مواضع وجود دارد . این اشتراك نظر در اسناد برنامه ای جنبش جهانی کمونیستی که با اتفاق تنظیم و تصویب شده تثبیت گردید .

در عین حال آشکار شد که این وحدت نظر و مواضع همیشه جنبه مطلق ندارد . معلوم شد که در جنبش جهانی کمونیستی در چارچوب اصول عام مارکسیسم - لنینیسم نظریات متفاوت و اختلاف عقیده وجود دارد .

وجود فرقه‌های معین در برخورد احزاب کمونیست باین یا آن مسئله و تصادم نظریات و مبارزه عقاید در جنبش کمونیستی پدیده ایست ممکن و محاز . این يك جریان طبیعی تکامل عادی است که ضمن آن مواضع عمومی بر اساس مارکسیسم - لنینیسم تدقیق میگردد و تئوری انقلابی غنی میشود . کمونیستها وحدت جنبش جهانی کمونیستی را یک نوع همترازی عمومی طبق يك نمونه واحد نمیدانند . نظریات مختلف در ارزیابی پدیده ها و مسائل واحد در نتیجه ویژگی شرایط عینی و نظام اجتماعی معینی که مواحد های طبقه کارگر و احزاب سیاسی آنها در آن فعالیت میکنند بروز میکنند . در شن ملی و در سطح آگاهی و شکل نمودها و در آمادگی آنها برای مبارزه انقلابی و شرکت در ساختمان سوسیالیستی نیز تفاوت وجود دارد . علل دیگر دارای جنبه ذهنی نیز نقش معین خود را بازی میکنند .

ما معتقدیم که امکان و حتی محاز نبودن اختلاف نظر در داخل جنبش کمونیستی بهیچوجه به معنای آن نیست که این اختلاف نظرها باید بدرجه ای برسند که نتوان آنها را از طریق مقابله صحیح مواضع و ابزار شکنیائی در جستجوی راه حل های اصولی مشترك بر طرف ساخت . معیاری که بکمک آن میتوان این حدود و شعور را معین کرد تئوری مارکسیستی - لنینیستی است . اختلاف نظر ها و مشاجراتی را که در اثر عدول یکی از مواحد ها از جنبش کمونیستی از مواضع مارکسیسم - لنینیسم بروز میکند ، ظاهرا نمیتوان بکمک اسلیمهائی که در مناسبات میان کمونیست های همفکر مورد قبول همگان است ، حل و فصل کرد .

علاوه بر این در شرایط کنونی ضرورت تحکیم وحدت اراده و عمل کمونیستهای تمام کشورهای در مورد مسائل اساسی و عده استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی اهمیت فراوان کسب میکند . از آنجمله اند مسئله مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی و مسائلی که در نتیجه مبارزه توده ها در راه صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم تاثیر اساسی میبخشند و اصولی که با منافع عمومی تمام احزاب کمونیست و کارگری برخورد دارد .

همه میدانند که جنبش جهانی کمونیستی بحکم خصلت و ماهیت خود تمام مقدمات لازم را برای رفع اختلافات پدید شده فراهم دارد . تا همشکل اینست که با اتکا بآن وجود مشترکی که احزاب کمونیست را بایکدیگر متحد میکند طریقه ها و راه حلهائی جستجو شود که اختلافات موجود در نظریات را بیشتر بشد پدید نکند .

تلاش برای حل و فصل اختلاف نظر ها بهیچوجه بمعنای صرف نظر کردن از اصول اساسی تئوری مارکسیستی نیست . چنین تلاشی فقط حد اعلائی دقت در ارزیابی مواضع این یا آن حزب و توجه به نکته اساسی و ماهوی یعنی به مواضع این حزب در مسائل مبارزه برای پیروزی طبقه کارگر و امر سوسیالیسم و کمونیسم در عین حال بد و در ریختن تمام رسمیات زائد و موضوعات فرعی و غیر اساسی را ایجاب میکند .



بنظر ما بسیار اهمیت دارد که هنگام بحث پیرامون بررسی نظریات مورد اختلاف، طرفین همیشه هد فها و منافع عالیه جنبش کمونیستی را، ملاک قرار دهند و هدفها و منافع این جنبش هم ایجاب میکند که ضرورت تحکیم وحدت و همپیوستگی جنبش را از مد نظر دور نشود.

تحریر و پراکنش نشان میدهد که هنگام روشن کردن ماهیت اختلاف نظرها خود داری از یکا بردن شیوه ها و اسلحه های مخالف با روح لنینیسم در مقابله نظریات باید یگرو احتراز از تحریف و خطاه نظریاتی که بیان میشود و مورد بحث قرار گیرد. مهم ترین شرط انجام مباحثه است. بطریق اولی غیر مجاز است که نظریات طرف معارض بعد از خطاه شود و یا نظریات دروغینی بوی نسبت داده شود که هیچگاه نداشته است.

داشتن لحن رفیقانه نیز در رفع اختلاف نظرها شرط حتمی است. مباحثه فقط بایستد بشکل مودب و آرام و با احتراز از هرگونه حملات خشن و بی اساس و خود داری از یکا بردن الفاظ و عبارتی که شایسته کمونیست ها نیست، انجام گیرد.

احزاب برادر پارقی را که بکمک آن میتوان مسائل مورد اختلاف را در جنبش کمونیستی حل کرد در استاد مشترک توافق یافته خود معین کرده اند. در اعلامیه جلسه شماره ۸۱ حزب کمونیست اهمیت فراوان بررسی جمعی مسائلی نظیر طرز مراجعه رهبری یک حزب به رهبری حزب دیگر، ملاقات ها و مصاحبت اندیشی ها و در صورت لزوم جلسات مشاوره و تبادل نظر و آشنائی با مواضع یکدیگر و غیره - خاطر نشان شده است.

ولی وقتی تمام این وسائل بکار رفت انتقاد آشکارا اسلوب اساسی برای بر طرف ساختن اشتباهاتی است که این یا آن حزب مرتکب میشود. در غیر این صورت سکوت بطور عینی معنای ترغیب بعملیات و موضع گیری های نادرست در جنبش کمونیستی است. ضمناً در تمام موارد انتقاد باید لحن رفیقانه و جنبه سازنده داشته باشد و در آن کوشش بر بعضی آید که حزب مربوطه در درجه اول خود با اشتباهات خویش بی ببرد و این اشتباهات را با نیروی خود بر طرف سازد.

این مطالب که احزاب کمونیست مساوی الحقوق و مستقل اند به هیچ وجه بدان معنی نیست که آنها نباید اشتباهات و خطاهای کمونیست های این یا آن کشور را نادیده بگیرند. در مواردی که یک حزب از قرارهای توافق یافته مورد قبول عموم سر باز میزند و سیاست خود را در نقطه مقابل مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی قرار میدهد و با اعمال خود جنبه عمومی را متزلزل و ضعیف میکند مارکسیست - لنینیست ها نمیتوانند و نباید سکوت کنند. انترناسیونالیستهای واقعی نمیتوانند و نباید اشتباهات و خطاهای کمونیستهای دیگر مرتکب میشوند نادیده بگیرند. چنین برخوردی به هیچ وجه مداخله در امور داخلی احزاب برادر، که طبق قرارهای داخلی خود آن حزب انجام نمیکرد، نیست.

چکسی در او عالیه صحت نظریات در جنبش کمونیستی است، جنبشی که هیچگونه اختیارات اداری ندارد و هرگونه نظریه ایرا در باره اینکه یک حزب میتواند مفسر نهائی و قطعی حقیقت باشد مردود میداند؟ چنین نیروی افکار عمومی جهانی کمونیستی است، که نظریات و مشی خود را بر پایه اطلاع علمی از واقعیت مبتنی میسازد. صحت نظریات آن در جریان تبادل نظرهای دقیق از طریق مقابله نظریات مختلف با تجربه جمعی تامین شده است. بنابراین آن در قرارهای جمعی متفاوت تصویب شده به ثبت رسیده و در آثار مبارزه طبقاتی بحدک آزمایش گذارده میشود.

مطلع ساختن عامه مردم از جریان بحث پیرامون مسائل مورد اختلاف و هر اینه این کار در چارچوب تئوری کمونیسم علمی و بالحن آرام و رفیقانه انجام گیرد، با مارکسیسم - لنینیسم و اصول مناسبات

میان احزاب بهیچوجه مغایرت نخواهد داشت • در چنین صورتی بحث میتواند نه فقط بروشن شدن نظریات طرفین ، بلکه به عمقتر شدن وسط احکام مختلف تئوری مارکسیستی نیز کمک کند •

تلاش رهبران چینی برای اثبات اینکه گویا انتقاد آشکار با اقرارهای احزاب کمونیست مصرحه در اسناد مشترک مغایرت دارد از یکسو و گامهایی که آنها در رامنقض پیشنهادهای توافق یافته در باره قطع مباحثات آشکار و تهمت زنی برمیدارند ، بار دیگر نشان میدهد که موضوع گیری رهبری حزب کمونیست چین بهیچوجه با مرتحکیم وحدت و همپیوستگی جنبش کمونیستی کمک نمیکند •



مسئله وحدت صفوف جنبش جهانی کمونیستی هیچگاه چنین اهمیتی را کسب نکرده بود • اختلاف نظرهای موجود و خطر انشعاب صفوف این جنبش رفتنها برای احزاب برادر ، بلکه برای تمام کسانی که صلح و منافع جنبش آزاد یبخش ملی و سوسیالیسم را گرامی میدارند - مایه نگرانی است •

وحدت بزرگترین منبع نیرو و شکست ناپذیری جنبش جهانی کمونیستی است • دشمنان کمونیسم از اختلاف نظرهای موجود بیپهوه شادی میکنند • پیروزی امر وحدت ناگزیر است ، زیرا وحدت از ماهیت و خصلت ارتش بزرگ مارکسیست - لنینیستها منشا میگیرد • وحدت قانون طبیعی تکامل احزاب کمونیست و گارتری است بولی راه ایر و وحدت خود بخود باز نمیشود • این وحدت راه خود را بر اساس مبارزه حاد و پرتشنج علیه هر نوع تحریف تعالیم کمونیسم علمی باز میکند •

امروز پیوسته ترین فرد انقلابی و پیگیرترین مارکسیست - لنینیست کسی است که برای تامین وحدت علیه احزاب کمونیست و گارتری برادر علیه امپریالیسم - دشمن مشترک تمام ملل - و در راه صلح ، استقلال ملی و سوسیالیسم آگاهانه پیوسته مبارزه میکند •



# مرحله کنونی جنبش آزادببخش ملی ملل عرب

تابستان سال ۱۹۶۳ تئورسین های مارکسیست کشورهای الجزیره ، اردن ، عراق ، لبنان ، سوریه و سودان در اداره مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " کنفرانس میزگرد تشکیل دادند و درباره سه مسئله اساسی تبادل نظر نمودند :

۱ - مسائل اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی کشورهای عربی ،

۲ - وحدت ملل عرب ،

۳ - درباره " سوسیالیسم عربی " .

کنفرانس جنبه مقدماتی داشت . شرکت کنندگان تبادل نظر ضرورت ملاقات مجدد را برای بررسی کاملتر و جامعتر مسائل بغرنجی ، که در برابر جنبش آزاد بخش ملل عرب در مرحله کنونی قرار دارد ، خاطر نشان ساختند .  
خلاصه ای از این تبادل نظر در اینجا بچاپ میرسد .

## ۱ - مسائل اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی

### کشورهای عربی

جنبش آزاد بخش ملل عرب به پیروزیهای بزرگ رسیده است . خروج نیروهای استعماری از سوریه ، لبنان ، سودان ، مصر و اردن ، که تحت فشار جنبش وسیع دموکراتیک انجام گرفت ، تقیم مانند تجاوز انگلیس - فرانسه و اسرائیل به مصر ، پیروزی انقلاب ۱۴ ژوئیه در عراق ، انقلاب در یمن ، پیروزی مردم قهرمان الجزیره - اینها فقط قسمتی از کامیابیهای جنبش آزاد بخش ملل کشورهای عربی است . امروز جهان عرب شامل کشورهای است که دیگر در عرصه تسلط بلاواسطه امپریالیسم نیستند در میان آنها فقط شیخ نشین های خلیج فارس و عدن که هنوز تحت ستم استعماری قرار دارند مستثنی هستند . ولی در آنجا نیز جنبش ضد امپریالیستی روز بروز بیشتر نمود می کند . اکنون چند سالیست که مردم عمان علیه استعمارگران انگلیسی بهارزه مسلحانه مشغولند .

در آن کشورهای عربی که از قید استعمار رها شده اند یکسلسله اقدامات مهم اجتماعی و اقتصادی انجام گرفته که مواضع امپریالیسم و فئودالیسم را حد اضعیف کرده است .

از آنجمله است ملی کردن کانال سوئز، برخی موسسات خارجی دیگر و نیز انجام اصلاحات ارضی، توسعه صنایع ملی و مسط بخش (سکتور) دولتی و غیره.

کامیابیهایی که ملل عرب در مبارزه علیه امپریالیسم و نفوذ الیسم بدست آورده اند نتیجه سه عامل اساسی زیرین است که اکنون نیز شرط عده تحکیم استقلال سیاسی و احراز استقلال اقتصاد این کشورها را تشکیل میدهند:

- ۱ - وحدت نیروهای ملی در داخل هر کشور عربی،
- ۲ - همبستگی تمام ملل عرب،
- ۳ - دوستی پایدار و همکاری بانیزروهای سوسیالیسم، دموکراسی و صلح، که اتحاد شوروی در صفا اول آنها قرار دارد.

بطوریکه شرکت کنندگان تبادر نظر خاطر نشان ساختند در سالهای اخیر امپریالیستها باز سرزمین اعراب چشم دوخته اند. بخصوص امپریالیسم امریکا فعالیت خود را تشدید کرده است. پس از تقیم مانند تجاوز مصر نفوذ انگلیس در سرزمین اعراب بشدت کاهش پذیرفت. امپریالیسم امریکه برای استفاده از دشواریهای هم پیمان انگلیسی خود در تلاش بود، در آغاز سال ۱۹۵۷ دکتترین آیزنهاور اعلام کرد باین امید که "خلاء" را پر کنند و کشورهای عربی را بزیر نفوذ خود بکشد. ولی مقاومت قاطع ملل عرب و پشتیبانی نیرومند و کمک های موثر کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بآنها استعمارگران امریکائی را به عقب نشینی مجبور ساخت.

استعمارگران پس از آنکه در بیکار غنی شکست خوردند تاکتیک خود را تغییر دادند.

بطوریکه امید انیم امپریالیسم انگلیس در داخل کشورهای عربی بضررهای ارتجاعی پوسیده یعنی به نفوذ الهای بزرگ و به بورژوازی امپریالیسم پرست اتکا داشت. چنین سیاستی فقط باعث تشدید نفرت ملل عرب از استعمارگران و از رژیمهای پشتیبان آنان بود. در جریان مبارزه علیه دشمنان علنا ارتجاعی خارجی و داخلی جبهه ائتلافی وسیعی از نیروهای ملی تشکیل شد.

امپریالیسم امریکا برای اجرای سیاست نئوکولونیالیستی خود در کشورهای عربی میکوشد تنها به نفوذ الهای بزرگ و بورژوازی امپریالیسم پرست تکیه نکند و عبارت صحیحتر اینست که باین نیروها متکی شود سعی دارد بقشرهای اجتماعی جدیدی از بورژوازی ملی و به بخشی از روشنفکرانی که ناسیونالیسم و وحدت تقرب و حتی سوسیالیسم را شعار خود اعلام میکنند تکیه بزند. استعمارگران نوین چنین وانمود میکنند که گویا از جنبش آزادیبخش ملل عرب هواداری مینمایند، ولی در عمل میکوشند این جنبش را ببحرانی ضد دموکراتیک و در جهت سازش با امپریالیسم سوق دهند.

در عین حال آنها میکوشند این جنبش را شقه کنند، مانع تشکیل جبهه واحد ملی شوند و مبارزه ملل عرب را از متحد طبیعی آنان یعنی سوسیالیسم جهانی مجزا نگاهدارند.

عامل عدد یک همیشه امپریالیستها را بسوی کشورهای عربی کشانده نفت بوده است.

در سال ۱۹۶۲ در کشورهای خاور میانه و نزدیک بیش از ۳۰۰ میلیون تن نفت استخراج شد.

در سال ۱۹۶۲ میزان استخراج نفت در امریکا فقط یک درصد و نیم افزایش یافت و حال آنکه در کشورهای عربی ۹۰ درصد افزایش یافت. کمپانیهای نفتی امریکائی و انگلیسی از محصل استخراج نفت خاور نزدیک هر سال سودی معادل ۶۶ درصد سرمایه ایکه بکار گذاشته اند بدست میآورند. در فاصله میان سالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۶۰ سود سالانه این کمپانیها در عراق

۶۲ درصد میزان سرمایه گذاری آنها ، در قطر ۱۱۴ درصد ، در عربستان سعودی ۶۱ درصد بوده است . تنها در ارف چند سال اخیر سلاطین نفت از نفت کشورهای عربی ۹ میلیارد دلار سود بردند . باسانی دیده میشود که انحصارات نفتی خارجی چهزبان فاحشی با اقتصاد کشورهای عربی وارد میسازند .

در جریان مبارزه ایکه بر سر نفت کشورهای عربی انجام میگردد تضاد های میان امپریالیستهای آشکار میشود . امپریالیستهای انگلیسی میکوشند مواضع استعماری سنتی و مناطق نفوذ و امتیازا نفت را حفظ کنند ولی انحصارات امریکائی با تمام قوا میکوشند نفوذ انگلیسی هارا تضعیف کنند و نفوذ خود را جایگزین آن نمایند . اگر قبل از دو مین حنک جهانی سهم امریکا در استخراج نفت خاور نزدیک سیانه از ۲۰ درصد به ۳۰ درصد برسد در عوض اکنون سهم آنکشور قریب ۶۰ درصد است در حالیکه سهم انگلستان بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است .

امپریالیسم امریکا میکوشد امپراطوری نفتی امریکارا در خاور نزدیک و میانه پایه گذاری کند . انحصارگران امریکائی در موقع خود جنبش ملی کردن نفت را در ایران تشویق میکردند پایین منظور که رقیب انگلیسی را برکنار کنند و کنترل خود را بر نفت ایران برقرار سازند . حالا آنها از رزودارند تمام نفت عرب را در دست خود قبضه نمایند . کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳ که با پشتیبانی و شرکت فعال امپریالیسم امریکا انجام گرفت یکی از حلققات همین سیاست استعمارنویین بود .

تمام شرکت کنندگان در تبادل نظر بالاتفاق خاطر نشان ساختند که در حال حاضر استعمار نویین برای ملل کشورهای عربی خار عمده را تشکیل میدهد و خدای آن در اینستکه اولاً استوار شده است ، ثانیاً از اید ثولوژی ناسیونالیسم عرب استفاد میکند و توده های بزرگ مردم را گمراه میسازد ، ثالثاً طبقات و نیروهای اجتماعی جدید به گروه بندی بهای اید ثولوژیک و سیاسی جدید تکیه میکند . مبارزه علیه استعمار نویین ناگزیر با مبارزه علیه بورژوازی ارتجاعی و فئودالها توأم میشود و جنبه طبقاتی حادث خود میگیرد .

سلاح عمده سیاسی و اید ثولوژیک استعمار نویین آنتی کمونیسم است که این او اخر به بسیاری از کشورهای عربی سرایت کرده است . تبلیغات و فعالیت ضد کمونیستی نتیجه مستقیم تشدید فشار دول امپریالیستی و در درجه اول ایالات متحده امریکا است که کمونیستها و سایر نیروهای دموکراتیک را مانع جدی در راه احراز مقاصد استعماری خود میدانند . از سوی دیگر در خود کشورهای عربی نیز تضاد های اجتماعی حادت میپذیرد . تحریر نشان میدهد که بورژوازی ملی بنا بر طبایعت دوگانه خود قادر نیست مسائل جدیدی را که فردای احراز استقلال سیاسی پدید میشوند ، بدرستی و باور اساسی حل کند . در مبارزه برای انجام رفرمهای اجتماعی اساسی و برساندن انقلاب — دموکراتیک ملی به هدف نهائی آن ایقه کارگرداران اتحاد با تمام زحمتکشان ، پیگیرتر از همه عمل میکند . بولتاریا میکوشد نفوذ امپریالیستی را در کشور خود برای همیشه براندازد ، بازماند های فئودالی را از میان ببرد ، زمین را بکسانی که روی آن کار میکنند بدهد ، پیشرفت مستقل اقتصاد ملی را تأمین کند و سطح زندگی توده مردم را بالا ببرد . بورژوازی ملی پس از روی کار آمدن می کوشد ثمرات استقلال سیاسی را ، که در نتیجه مبارزه تمام مردم بدست آمده است ، خود تصاحب کند . این بورژوازی از رشد جنبش دموکراتیک جلوگیری مینماید و خیره عمده را علیه کمونیستهای متوجه میسازد که باید از ترین مبارزان ضد استعمار و ضد امپریالیسم و استوار ترین مبارزان راه آزاد و استقلال ملل خویش هستند .

باتشديد مبارزه طبقاتی و تشديد فشار امپرياليستهابخش معینی از بورژوازی ملی لوگانه برخی از قشرهای خرده بورژوازی ( تحت تاثیر تبلیغات امپرياليستی قرار میگیرند و امپرياليسم با این تبلیغات میکوشد ملل آزاد شده از قید استعمار را بالولوی ساختگی کمونیسم مرعوب کند و چنین وانمود سازد که گویا کشورهای نواستقلال باید به سازش با امپرياليسم تن در دهند و گویا فقط در چنین صورتیست که حفظ حاکمیت ملی آنان تضمین میشود . و اما در واقعیت امر مسئله ناگزیری انتخاب میان سازش با امپرياليسم و حکومت رسیدن کمونیست ها مطرح نیست ، زیرا کمونیستها در مرحله کنونی مبارزه آزادیبخش ملل عرب برقراری نظام سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا را وظیفه مستقیم خود قرار میدهند . آنها طرفدار جنبه وسیع دموکراتیک ملی هستند که باید تمام نیروهای مترقی و از جمله بورژوازی ملی را در مبارزه برای انجام اصلاحات اساسی اجتماعی و اقتصادی بسود تمام ملت ، متحد سازد .

مبارزه با کمونیسم بمعنای آب ریختن بر آسباب امپرياليسم و تضعیف مبارزه ضد امپرياليستی است . حوادث اخیر ثابت کرده است که شعار " مبارزه با کمونیسم " تنها علیه کمونیستها متوجه نیست بلکه علیه تمام نیروهای مترقی ، که برای تامین استقلال واقعی و دموکراسی مبارزه میکنند ، نیز متوجه است . زمامداران کنونی عراق ، که در نتیجه کودتای فاشیستی روی کار آمدند هزاران تن از پسران و دختران ثابت قدم و وفادار مردم عراق را نابود کردند و علیه خلك كردستان كسه خواستار خود مختاری در داخل كشور عراق است بجنك وحشیانه ای دست زدند . کودتای ضد دموکراتیک در سوریه که بدست جناح راست حزب بعث انجام گرفت پیروزیهای مهمی را که در سوریه در جریان مبارزه طولانی و دشوار بدست آورده بودند دچار تزلزل ساخت .

شرکت کنندگان تبادول نظر ضمن تحلیل اوضاع اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی کشورهای عربی ضرورت مراعات اکید خصوصیات تاریخی ، اقتصادی و سیاسی هر يك از کشورهای عربی و توجه با اوضاع و احوال واقعی هر کشور را تاکید میکردند . هر قضاوت و نظری باید نبرگرفته های این یا آن رجل دولتی بلکه بر اقدامات عملی در رشته سیاست داخلی و خارجی در عین توجه به پیوستگی ناگسستنی این اقدامات ، مبتنی باشد . متأسفانه گاه در جوانب مثبت این یا آن دولت بر این اساس که در مورد این یا آن مسئله بین المللی موضع گیری صحیح دارد مثلاً اعلام میکنند که پیرو سیاست بی طرفی مثبت و عدم الحاق به بلوک های - حائز کار است ، میباشند ، میشود . تردید نیست که از چنین موضعی باید حد اپشتیانی کرد ، زیرا ثمر مبارزه آزادیبخش تمام مردم و نتیجه اشاعه اندیشه های دموکراسی و سوسیالیسم میان توده های بزرگ مردم عرب همالافتن قدر و منزلت کشورهای سوسیالیستی است . کمونیستها از این موضع گیری دولت کشورهای عربی صادقانه پشتیبانی میکنند و تمام مساعی لازم را بکار میبرند برای آنکه بصفهیت این جوانب مشی عمومی سیاسی محافظ حاکمه کشورهای آزاد شده کمک کنند ، زیرا این امر صلح جهانی را تحکیم میبخشد .

ولی در جریان عمل وضع به مراتب بغیر آنچه از این است . باید در نظر داشت که اکنون حتی دولت اردن نمیتوانند خصوصیت خود را با سوسیالیسم ، مثل ادوار سابق ، آشکارا اعلام کنند . مثلاً حتی بخسارت تجاری بورژوازی مصر چگونه نمیتواند با اتحاد شوروی ، پاکستان که هنگام تجاوز امپرياليستی سال ۱۹۵۶ به مصر با قاطعیت تمام جانب مصر را گرفت و خواهر مصر را دوباره کمک بساختن سد آسوان بسرعت اجابت کرد ، آشکارا اظهار مخالفت کند ؟ وانگهی منافع اقتصادی بورژوازی ملی عرب بطور کلی آنها را امیدوار راه همکاری اقتصادی و بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی



رادپیش گیرد . این امرحتی در مورد بورژوازی بزرگ نیز که منافع اقتصادی آن بابا از ارجهایی سرمایه داری ارتباط نزدیک دارد ، صادق است . این بورژوازی غالباً از کمک کشورهای سوسیالیست بعنوان سلاحی برای مانور و اعمال فشار بر دولت امپریالیستی استفاده میکنند تا از آنها کمک و قرصه بیشتری دریافت دارد .

ملاک قضاوت باید این باشد که آیا این دولت سیاستی را تعقیب میکند که تمام وکمال ضد امپریالیستی باشد و مواضع امپریالیستی را تضعیف کند و یا آنکه سیاست طرفداری از امپریالیسم را تعقیب میکند و ضمناً گاهگاه بنا بر ملاحظات سیاسی و منظر ترمیم حیثیت متزلزل خود در انظار مردم در مورد برخی از مسائل بین المللی روش ضد امپریالیستی در پیش میگیرد . مثلاً دولت قاسم با وجود خصومت خود با دموکراسی رویه گرفته سیاست ضد امپریالیستی تعقیب میکرد و از امر صلح جهانی دفاع مینمود . باین جهت دولت او را دولت ضد امپریالیستی مینامیدند . و اما در مورد دولت ژنرال عبود در سودان وضع برعکس است . این دولت گرچه با کشورهای سوسیالیستی برخی روابط برقرار کرده بطور کلی سیاست طرفداری از امپریالیسم را تعقیب میکند و این جهت نمیتوان آنرا ضد امپریالیستی نامید .

همچنین باید در نظر گرفت که آیا سیاست عمومی این یا آن دولت و یا گروهیند . طبقاتی معین به پیشرفت جنبش آزاد بخش در تمام کشورهای عربی کمک میکند و یا آنکه این جنبش را تضعیف مینماید و خلوی آنرا میگیرد . مثلاً سیاست عمومی دور برخی از کشورهای عربی در مقیاس تمام شرق عربی بسیاری جوانب مثبت دارد . ولی با وجود این طی سالهای اخیر این سیاست موجب انشعاب در وحدت نیروهای ملی و تضعیف همبستگی ملل عرب در مبارزه علیه امپریالیسم شده و شرایط مساعدی برای نفوذ اقتصادی ، سیاسی وایدئولوژیک امپریالیسم به کشورهای عربی برای ایراد ضربات شدید به جنبش کمونیستی و دموکراتیک فراهم ساخته است . بنابراین برای ارزیابی صحیح سیاست این یا آن طبقه ، این یا آن گروه بندی سیاسی باید تنها اقداماتی را که در چارچوب یک کشور انجام میگیرد و جنبه صرفی دارد در نظر نگرفت ، بلکه تمام جوانب این سیاست را چه در داخل کشور و چه در مقیاس تمام کشورهای عربی در نظر گرفت .

شرکت کنندگان در تبادل نظریه توصیف اقدامات اساسی اجتماعی و اقتصادی ، که پراز احراز استقلال سیاسی در کشورهای عربی انجام گرفته ، به تحلیل ساختمان طبقاتی و روش طبقات و گروه بندی های سیاسی مختلف در مورد مسئله طرز تکامل انقلاب دموکراتیک ملی توجه فراوان معطوف داشتند .

یکی از رفقای سوریه ای گفت در سوریه و نیز در سایر کشورهای عربی جنبش آزاد بخش ملی به کامیابیهای بزرگ رسیده است . ولی حتی در سوریه نیز که جنبش دموکراتیک بسطح نسبتاً عالی رسیده هنوز الیسم ریشه کن نشده است . بورژوازی ملی تحت فشار بوده و با مجبور شد به اصلاحات ارضی تن در دهد . قوانین اصلاحات ارضی در سوریه ، مصر ، عراق و سایر کشورهای عربی تنها گشت در برابر جنبش انقلابی نیست ، بلکه نتیجه تکامل طبیعی سرمایه داری در این کشورها نیز هست . این قبیل اصلاحات اساسی و همیو نیستند و هدف ریشه کن ساختن مناسبات ارباب - رعیتی درده را در برابر خود قرار نمیدهند . مثلاً بموجب قانون اصلاحات ارضی در سوریه مالک میتواند ۴۰۰ هکتار زمین داشته باشد . علاوه بر آن بهر یک از فرزندان او ۴۰ هکتار میراث رسد . ۴۰ هکتار دیگر تعلق میگیرد . این مربوط است به زمینهای دیم . در مورد زمینهای آب تیز



مالك ميتواند خود ۸۰ هكتار زمين داشته باشد همه هريك از فرزند انس ۱۰ هكتار ميراث هم ۱۰ هكتار تعلق ميگيرد . علاوه بر اين اصلاحات ارضي بكندي پيش ميرود . در دوران اتحاد سوريه و مصر در اقليم سوريه فقط و فقط زمينهاي ۸ ده تقسيم شد .

در مصر كه اصلاحات ارضي ۱۰ سال پيش اعلام شده است بقاياي فئوداليسم درد به شدت بر خاسته است . بهر مالك حق داده شده است ۱۰۰ فدان زمين داشته باشد . ( يك فدان معادل ۰.۴۲ هكتار است ) . علاوه بر اين بهر يك از فرزند ان همه زير هم ۵۰ فدان تعلق ميگيرد . در عرض نيز زمين ميان دهقانان پولد ارتقيسم ميشود . بدين طريق قشر نيرومندي از كولاك ها پديد ميگردد . در سوريه نيز همين جريان صورت ميپذيرد .

حزب كمونيست سوريه طرفدار واگذاري اريگان زمين بد هقانان و كاهش ميزان حد نصاب مالكيت و ايجاد واحدهاي بزرگ زراعتي دولتي در زمينهاي پهنانور بايد گشت و زرع است . قطعه قطعه كردن اين اراضي ممكنست موجب پائين آوردن سطح توليد كشاورزي شود .

حزب كمونيست شعار ايجاد واحدهاي بزرگ زراعتي دولتي را ، كه براي بهره برداري از زمين و نتك كردن عرصه برفئودالها و مالكان بزرگ امكانات فراوان بوجود ميآورد ، اعلام کرده است . بد هقاناني كه زمين دريافت ميكنند بايد ماشين هذروآب داده شود . اين شعار مورد پشتيباني وسيع تود مردم قرار گرفت كه تا كودتاي ۸ مارس ۱۹۶۳ براي تحقق آن با حديت مبارزه ميکردند .

واما در مورد بورژوازي ملي سوريه بايد گفت كه فاصله ميان ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۱ و ۸ مارس ۱۹۶۳ نشان داد كه اين بورژوازي قادر بآنحمام اقدامات عميق اجتماعي و اقتصادي و تحقق خواستهاي حياتي زحمتكشان نيست . بورژوازي ملي سوريه بخاطر تا مين منافع حريصانه خود روز بروز بيشتتر از توده مردم گسست و راه همكاري با نيروهاي افراطی راست را در پيش گرفت . طی دوران اخير دولت سوريه ، كه تقريباً يك دست از عناصر راست تشكيل ميشود ، نخست وزير خالد عظام را سخت تحت فشار قرار داد تا او را به يكسلسله گذشت در قبائل فئودال ها و اوار اسازد .

در عين حال ذابقه كارگر و دهقانان هنوز بآن سطح آگاهي نرسیده اند كه بتوانند در راه جنبش قرار گيرند . در اين اوضاع و احوال خرد بورژوازي و روشنفكران معوق ميشوند يا استفاده از جريانهاي موجود در ارتش و از جنبش توده ها ، در لافه شعارهاي ملي كردن و اصلاحات ارضي وغيره كه در ميان مردم وجهه دارد ، كودتاي ۸ مارس در سوريه بدست نظاميه ها و غيرنظامي ها انجام گرفت . پيش بيني اين مطلب كه حزب خاكه باعث كشور را بگد ام راه سوق خواهد داد ، هنوز دشوار است . حوادث اخير حاكي از آنستكه بعضي ها براي نفوذ شركتهاي نفتي امريكايي و آلمان غربي شرايط بوجود ميآورند . با اين جهت مبارزه عليه فعال مياشائي امپرياليست هاد ركشور مهمترين معضل روز است . وضع موجود سوريه براي تشكيل جبهه ائتلافی وسيع ب شركت كمونيست ها ، سوسياليست هاي مستقل ، ناسيوناليست هاي داراي روحيه دميكراتيك ، جناح اكرم حوراني از حزب بعث و حتى بخش بعضي هاي پيرو ميشل غلق و نيز برخي از گروههاي مترقي بورژوازي ملي - امكان واقعي بوجود ميآورد .

يكي از رفقای سوداني نمن سخنراني خود خادار نشان ساخت كه : دهفهاي اساسي نيروهاي ملي كشور ما طرد انحصارات بيگانه ، برانداختن بقاياي فئوداليسم ، مبارزه عليه استعمار نويسن و پيشرفت همه جانبه اقتصاد ملي است . شرط لازم براي نيل ب اين دهفها مبارزه در راه - امين - دميكراسي است . عوامل عيش بين المللي و از جمله وجود سيستم جبهاني سوسياليستي و نقش روز

افزون آن در تکامل تمام جامعه بشری امکانات مساعدی برای پیروزی نیروهای ملی ، برای براندازی ختن بقایای سیستم استعمار در کشور ما و تأمین پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بوجود میآورد . خطا سر عده برای جنیس آزاد ییختر ملی در مرحله کنونی - استعمار نوین است . استعمارگران نوین از اشکالی ، که برای علی کردن مقاصد آنان در یک کشور معین بیسرازمصناسب است ، استفاده میکنند . در سودان استعمار نوین بصورت کودتای نظامی بروز کرد . نیروهای ملی از همان آغاز احراز استقلال سیاسی علاوه بر مبارزه برای محو استعمار کهنه ، علیه کلیه اشکال استعمار نوین و بیژنه استعمار نوین امریکا نیز مبارزه کرده اند .

در نتیجه اعتلا " بزرگ جنیس کارگری و دموکراتیک تحت رهبری حزب کمونیست دکتربین ایزنهاور عقیم ماند و در مبارزه علیه " کمک " کذائی امریکا پیروزی بدست آمد . دولت قبلی میکوشید قراردادی درباره " کمک " امریکا منعقد کند ، ولی وقتی احساس کرد که مجلس علیه این " کمک " رای خواهد داد و این رای ندادن در حکم ابراز عدم اعتماد بدولت خواهد بود از تشکیل مجلس خودداری کرد و حکومت را بدست رهبری ارتش سپرد . نخستین اقدام دولت نظامی جدید تصویب " کمک " امریکا بود . جنیس ملی در کشور سرکوب شد و آزادیهای دموکراتیک پایمال گردید . مجلس منحل شد ، قانون اساسی بدور انداخته شد ، احزاب سیاسی غیرقانونی اعلام شد و قوانینی صادر گشت که احتصاب و دموستراسیون وغیره را منع میکرد .

در این شرایط وظیفه عده روزگار است از اتحاد تمام نیروهای میهن پرست در مبارزه علیه ارتجاع و در راه پیشرفت های ملی و دموکراتیک سودان .

رفیقی از عراق سخترانی خود را بمسئلمکردها اختصاص داد و گفت : کردستان عراقی بخشی از کردستان میهن کرد ها است که میان ترکیه ، ایران و عراق تقسیم شده است . علاوه بر این در سوریه نیز اقلیت ملی کرد وجود دارد .

کردستان معادن بسیار دارد که از اکثر آنها بهره برداری نمیشود . مهمترین ثروت کردستان نفت است و ذخیره آن در کردستان بسیار زیاد است و بیه ۳ میلیارد تن یا ۸ درصد تمام ذخائر نفت در جهان سرمایه داری بالغ میگردد . مهمترین مراکز نفت خیز آن کرکوک است . در کردستان هر سال قریب ۲۸ میلیون تن نفت استخراج میشود . دیول امپریالیستی که در کردستان عراق موسسات نفتی عظیم دارند همیشه سیاست سرکوب مبارزه آزاد ییختر ملی مردم کردستان را تشویق کرده و از آن پشتیبانی نموده اند .

حزب کمونیست عراق از لحظه تشکیل خود یعنی از سال ۱۹۳۴ توجه فراوان بمسئله کردستان معطوف داشته و در همان زمان حق ملت کرد را در تعیین سرنوست خویش برسمیت شناخته است . پس از انقلاب ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸ که نتیجه مبارزه مشترک کرد ها و عربها بود ، حزب کمونیست باتفاق حزب دموکرات کردستان برای علی ساختن ماده قانون اساسی موقت جمهوری عراق که میگوید :

" عربها و کرد ها در این کشور با هم شریکند و حقوق ملی آنان در چارچوب عراق واحد بموجب قانون اساسی برسمیت شناخته میشود " ، بمبارزه قاطع دست زد .

پس از آنکه قاسم ازدموکراسی روی برتافت مسئله کرد در عراق جداوخیم شد . قاسم پس از ایراد ضربات سنگین بمحزب کمونیست عراق و محقوق و منافع کارگران و دهقانان عراق ، حزب دموکرات کردستان را تحت فشار قرارداد و ماد صریح بمحقوق مردم کرد را از قانون اساسی موقت حذف کرد . قاسم این سیاست شوونیستی را بایک جنک کثیف در کردستان در مرحله اجرا گذاشت .

هواداران ارتجاع و امپریالیسم از روزه ای که سیاست نایخردانه دیکتاتوری قاسم بوجود آورده بود استفاده کردند روز ۸ قمریه ۱۹۶۳ به کودتائی دست زدند که عمل فاشیستی خونینی علیه انقلاب ۱۴ ژوئیه و علیه تمام مرد عراق و نیروهای میهن پرست آن کشور بود . خود قاسم قربانی سیاست ضد دموکراتیک خود شد .

دارودسته بعثیون که حکومت را نصب کرده اند ، گروه شومنیست ضد دموکرات هستند . مطبوعات بعثی در دوران قاسم کشتار کردها را طلب میکردند . بعثی ها از لحاظ تشکیلی حزب خود بران بوده اند که مسئله کرد را باید از بین برد . آنها از همان نخستین هفته های روی کار آمدن پیمانور هائی متوسل شدند برای آنکه جنبش کردستان را منجر کنند و فلج نمایند . این کار برای آن انجام میگرفت که قبل از همه حزب کمونیست و نیروهای دموکراتیک در مناطق عرب نشین نابود شوند و از فرصت برای حمله مسلحانه بعدی علیه کردستان استفاده گردد .

بعثی ها تمام این اعمال را علیرغم قول خود درباره "شناسائی حقوق خلق کرد" و علیرغم آمادگی میهن پرستان کرد برای حل مسالمت آمیز مسئله کرد تحت رهبری مصطقی بارزانی انجام دادند . سران حزب بعث به ترغیب محافل معینی از سلاطین نفت و گردانندگان پیمان سنتومذاکرات با نمایندگان کردها را عقیم گذاشتند و علیه خلق کرد بعملیات نظامی و جنگ نژاد پرستانه پرداختند . این امر خشم محافل اجتماعی دموکراتیک را در تمام جهان برانگیخت .

مرتجعین بعثی ، همانگونه که زمانی نوری سعید و قاسم میگرددند ، میکوشند جنگ تبهکارانه خود را از طریق تخطئه خواستهای دموکراتیک عادلانه کردها توجیه کنند . آنها این خواست ها را " تجزیه طلبانه " مینامند و رهبران ملی کرد را به " خدمتگذاری در آستان امپریالیسم " متهم میسازند . ولی تمام مرد عراق و محافل اجتماعی جهان از غیر عادلانه بودن این حملات آگاهند . میهن پرستان کرد بارها اعلام کرده اند که با جاداشدن از جمهوری عراق مخالفتند .

پس برای تامین خود مختاری در چارچوب جمهوری عراق مبارزه میکنند . و اما در مورد " خدمتگذاری آستان امپریالیسم " باید گفت که چنین خدمتگذاری آسانی سران حزب بعث اند که از همان نخستین روزهای کودتای فاشیستی اعلام کردند که منافع کمپانیهای نفتی را تامین خواهند کرد و تصمیماتی را که پس از انقلاب ژوئیه اتخاذ شده و علیه انحصارات خارجی متوجه است ملغی خواهند نمود .

بعثی ها در نتیجه تشدید انفراد و جدا شدن از مردم و تضعیف مواضع خود بیش از پیش راه پشتیبانی از امپریالیسم انگلیس و امریکارا در پیش خواهند گرفت . اکنون دیگر نمیتوان نقش سنتورا در آغاز جنگ مخرب علیه خلق کرد پنهان کرد . با این عمل عراق و امر صلح در خاور میانه و نزدیک بخطر خواهد افتاد .

مبارزه مسلحانه خلق کرد مبارزه در راه آزادی عراق از قید تسلط بعثی های فاشیست است ، که نقش دست نشاندهان امپریالیسم را بازی میکنند . این مبارزه برای استقرار حکومت دموکراتیک ملی که خود مختاری خلق کرد را تامین کند ، انجام میگردد . مبارزه مخلوق کرد تنها مورد پشتیبانی نیروهای میهن پرست عراق نیست بلکه نیروهای ضد امپریالیستی و مخالف جنگ در سراسر جهان از آن پشتیبانی مینمایند . افکار عمومی جهان کشتار کرد ها را که بعد است بعثی ها انجام میگردد تقبیح کرده اند . در این روزها روش قاطع همبستگی برادرانه اتحاد شوروی از طرف تمام مردم عراق مورد سپاسگزاری قرار گرفت و اطمینان آنها را به پیروزی راسخ نمود . مبارزه توده ای مردم عراق علیه رژیم خونین بعثی ها تشدید میشود . کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق تمام دموکراتهای شریف

اعم از کمونیست و ناسیونالیست و عموم زحمتکشان را بهارزه قاطع در راه نجات میهن، در راه دموکراسی، نان و کار، در راه صلح و استقلال، در راه تأمین حق خود مختاری خلق کرد، در راه تحقق تمام وظائف انقلاب تموز، در راه ایجاد جمهوری دموکراتیک عراق - مظهر اراده خلق آزاده - دعوت کرده است.

رفیقی از الجزیره نطق خود را به تحلیل مشیخ اوضاع کشورهای مغرب اختصاص داد و

گفت:

کشورهای مغرب و نیز تمام کشورهای عربی پس از دوامین جنگ جهانی استقلال سیاسی بدست آورده اند، ولی این آزادی در شرایط گوناگون بدست آمده است. بهمین جهت در هر یک از این کشورها اوضاع و احوال مختلفی پدیدگشته است. الجزیره در نتیجه جنگ طولانی که خود معاد بزرگ مردم در آن شرکت داشتند استقلال خود را بدست آورد. در تونس و مراکش وضع حزاین بود. در آنجا مبارزه مسلحانه تا حدودی سطحی بود و توده های بزرگ مردم در این مبارزه شرکت نداشتند. میتوان گفت که واگذاری استقلال به تونس و مراکش تا حدود زیادی نتیجه جنگ آزاد بیخس الجزیره بود. بهر صورت بورژوازی تونس لزاین امر استفاده کرد برای آنکه حکومت را بدست خود گیرد. ولی تحکیم این حکومت بر پایه دموکراتیک انجام نگرفت. بورژوازی تونس پس از روی کار آمدن علیه آزاد یهای دموکراتیک به مرض پرداخت، و هرگونه اپوزیسیون را از بین برد. چندی غیر حزب کمونیست تونس ممنوع اعلام شد، مطبوعات آن توقیف شدند و تعقیب رهبران حزب کمونیست آغاز شد.

وقتی مراکش استقلال بدست آورد گروههای مختلف بورژوازی با سلطان مراکش متحد شدند با اینمنظور که قدرت سیاسی را بدست آورند. در آن هنگام میان بورژوازی و فئودالها اتحاد خاصی برقرار بود، ولی بعد هادر حزب بورژوائی انشعاب رخ داد و حزبی بنام استقلال تشکیل شد که در درجه اول ایدئولوژی بورژوازی بزرگ را منعکس میکرد و نیز حزب اتحاد ملی نیروهای خلق بوجود آمده بین ایدئولوژی خرد بورژوازی بود. سلطان مراکش از حزب اتحاد ملی نیروهای خلق که در امر حکومت بود برای تحکیم موقعیت خود استفاده کرد ولی وقتی او برایش یقین شد که این دولت مرکب از نمایندگان خرد بورژوازی در اجرای سیاست خاص اموی کمک نمیکند آنها برکنار ساخت و دولت مرکب از نمایندگان حزب استقلال را روی کار آورد. این حزب که از متافع بورژوازی بزرگ دفاع میکرد با فئودالها و اهلالتیحه با خود سلطان مراکش تصادم پیدا کرد. آنگاه حسن دوم این دولت را نیز برکنار ساخت و دولت جدیدی مرکب از نزدیکان خود که با استعمارگران همکاری میکردند روی کار آورد. اکنون در مراکش همضیروهای ملی از ایدئولوژی گرفته تا بورژوازی بزرگ با رژیم سلطان در اپوزیسیون هستند. چندی پیش سلطان مراکش موفق شد از طریق رفتارند قانون اساسی ضد دموکراتیک را بتصویب برساند و امیدوار بود که بر اساس این قانون اساسی اکثریت قریب باتفاق مجلس ملی را در انتخابات ۱۷ مه ۱۹۶۳ بدست آورد. ولی نتیجه انتخابات بشکست سلطان حسن دوم منجر شد. با آنکه تمام وسائل بکاررفته بود معالوصف سلطان فقط ۶۹ کرسی از ۱۴۹ کرسی را بدست آورد. حزب استقلال ۴۱ کرسی و اتحاد ملی نیروهای خلق ۲۸ و منفردین ۶ کرسی بدست آوردند.

پس از بدست آوردن استقلال اصلاحات اجتماعی با تعدادی قابل ملاحظه ای در کشور انجام گرفت. بر اقتصاد یا کشور همچنان امپریالیسم مترانه مسلط بود. مراکش در رشته

سیاست خارجی بطور صریح بیطرفی مثبت را اعلام کرد . محمد پنجم واقعا هم بمتعاقب سیاست خارجی مستقل پرداخت ولی پس از مرگ وی تغییراتی روی داد و در حال حاضر مراکش بیشتتر سمتگیری بطرف امپریالیسم دارد .

در الجزیره وضع غیر منوال دیگری است . الجزیره استقلال خود را در ژوئن سال ۱۹۶۲ بدست آورد ولی بزودی بحران سیاسی جدی در جنبه آزادی ملی پدید آمد زیرا رهبری دولت موقت جمهوری الجزیره راه همکاری با استعمارگران نوین را در پیش گرفت . در خود دولت هم تضاد میان رهبری جنبه آزاد ملی بسیار جدی بود . در داخل دولت و در پویت بعروی جنبه آزادی ملی دو جریان وجود داشت که میتوان آنها را جریان " چپ " بنمایندگی بن بلا و جریان " راست " به نمایندگی م . خیدر نامید . نیروهای دموکراتیک از بن بلا پشتیبانی کردند ، چون جریان اول تصمیم گرفت برنامه تریپولی را اجرا کند و جریان دوم با آن مخالفت میکرد .

دولت بن بلا با اقدامات مهمی در زمینه اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی دست زد که برای تکامل بعدی الجزیره اهمیت فراوان داشت . از آن جمله استغلی کرد نه موسسات خارجی ها ، اصلاحات ارضی ، تصویب نخستین قانون اساسی الجزیره مستقل در تاریخ کشور و تشکیل کمیته های کشوری . در حال حاضر بیش از ۱ میلیون هکتار زمین در دست کارگران کشاورزی و دهقانان عضو کمیته ها در کشور داری است . در رشته بازرگانی و صنایع ۸۰۰ موسسه صنعتی و بازرگانی وجود دارد که آنها هم در اختیار کارگران و کارمندان عضو کمیته های کشور داری است . با وجود وضع اقتصادی شاق کشور این اقدامات و اقدامات دیگر دولت در تود ه های مردم اطمینان ایجاد کرد و موجب شور فراوان تمام مردم گردید .

برای شخم پاییزه و نیز بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید و ایجاد صندوق ملی همبستگی و از جمله جمع آوری طلا ، نقره و جواهرات در کشورهای جنبشهای ملی بوجود آمد . این جنبشها توده های بزرگ مردم را بخود جلب کرد .

در اوایل آوریل سال ۱۹۶۳ " بن بلا " نطق برنامه ای خود را ایراد کرد و در آن برخی از احکام را تدقیق نمود و از جمله گفت که کشور باید راه ساختمان سوسیالیسم در پیش گیرد . ضمنا خاطر نشان شد که برای الجزیره سوسیالیسم عبارتست از انقلاب ارضی یعنی تحقق شعیه ساز " زمین متعلق بعکسی است که روی آن کار میکند " . بن بلا ضرورت بسط دموکراسی و آزادیهای دموکراتیک و غیره را خاطر نشان میسازد .

نظریه دولت در مورد انقلاب ارضی بطور خلاصه اینست که زمین باید در درجه اول میان دهقانانی تقسیم شود که شرکتهای تعاونی روستائی تشکیل میدهند و زمین را بطور جمعی زراعت میکنند . این یک مسئله بسیار مهم است که تا حدودی بشیوه جدید مطرح میشود . واتعا همس تشکیل فوری شرکتهای تعاون روستائی و زراعت جمعی زمین شرایط مساعدتری برای توسعه تولید کشاورزی بوجود میآورد . ولی حل نهائی این مسئله فقط با توجه به نظریات خود دهقانان میتواند انجام گیرد .

در رشته صنایع سیاست دولت متوجه آنستکه بعوازات موسسات ملی شده موسسات دولتی جدید برای توسعه و تحکیم سکورد ولتی و نیز تمام اقتصاد ملی تشکیل شود .

و اما در مورد سازمان سیاسی که همدف آن باید کمک بمتکامل کشور باشد بن بلا از نظریه حزب واحد دفاع میکند و در توضیح عدالتان میگوید که همانطور که در دوران جنگ وحدت تمام نیروهای ملی

موجبات پیروزی را فراهم ساخت اکنون نیز وحدت در چارچوب يك حزب واحد در ساختمان بنای زندگی نوین الجزیره بدولت كمك خواهد كرد . باید گفت که این نظریه حزب واحد هنوز حد کافی روشن نیست . مثلا بن بلا در نطق ماه آوریل ۱۹۶۳ گفت که حزبی که باید تشکیل شود باید حزب پیشاهنگ مرکب از افراد پیشرو و انقلابیون شریف باشد و این افراد باید خد متگزار خلق باشند ولی او نه اصول ایدئولوژیک این حزب را معین کرد و نه اصول سازمانی آنرا . امر آنست که عده افراد چنین حزبی نباید از ۱۰۰ - ۱۵۰ هزار نفر بیشتر باشد . بن بلا با وجود مخالفت با موجودیت مستقل حزب کمونیست میگوید که اعضا\* این حزب میتوانند در حزب جدید - التاسیس وارد شوند . مدینترید مثل اینست که یاب میاحثه و کارمشرک کمونیستها و عناصر پیشرو جبهه آزادی ملی را برای تشکیل حزب پیشاهنگ آینده باز میکنند . کمونیستهای الجزیره از پیش با موجودیت حزب واحد بمخالفت بر نمیخیزند ولی معتقدند که در وضع کنونی هنوز شرایط لازم برای تشکیل آن وجود ندارد . باینجهت آنها برآنند که وحدت نیروهای ملی باید امروز در چارچوب جبهه واحد دموکراتیک علی شود که از داخل آن نیروهای انقلابی قادر بمشکیل حزب پیشاهنگ بیرون خواهند آمد .

در حال حاضر الجزیره هنوز در مرحله ساختمان سوسیالیسم نیست و در آن بانجام رساندن آزادی ملی رامیگذرانند . به نسبت رشد و توسعه سکتور دولتی وحدت بد شدن نفوذ بیورژوازی برای الجزیره ممکن است امکانات واقعی جهت تعقیب راه تکامل سرمایه داری پدید گردد . شکل گذار تدریجی بساختمان سوسیالیسم میتواند دولت دموکراسی ملی باشد . اقداماتی که اکنون از طرف دولت بن بلا انجام میگردد هنوز جنبه سوسیالیستی ندارد ولی به پیشروی در سمت سوسیالیسم كمك میکند .

## ۲- وحدت ملل عرب

وحدت عرب جنبشی است در جهت اتحاد ملل عرب که شرایط تاریخی کشورهای عربی را منعکس میسازد و ناشی از عوامل گذرا یا از تمایلات يك دایقه یابك حزب نیست . شعار وحدت عرب در ارتباط با مبارزه ملل عرب علیه استعمارگران و امپریالیسم و در راه استقلال ملی پدید آمد . قبل از دو مین جنگ جهانی اندیشه وحدت عرب بصورت شعارهای تحریدی که فقط در میان محافل محدود روشنفکران رواج داشت مظاهر میگردد . گاه حتی امپریالیستها نیز از اصطلاح " وحدت عرب " دم میزدند . مثلا در نخستین سالهای پراز جنگ برای احراء نقشه " سوریه بزرگ " و اتحاد کشورهای " هلال خصیب " مرکب از لبنان ، سوریه و اردن و نیز " قدر آسیون اردن و عراق " و غیره تلاهایی بعمل آمد .

جنبه مترقی وحدت عرب در آنست که لبه تیز آن علیه امپریالیسم و نفوذ الیسم متوجه است . تمام نیروهای دموکراتیک کشورهای عربی از این جنبه پشتیبانی میکنند و آنرا بسط میدهند . توده های بزرگ مردم نیز از آن هواداری میکنند و آنرا تائید مینمایند . جنبه ارتجاعی آن بصورت تحایل بیورژوازی عرب برای تابع مساختن جنبه آزاد بیختر بمنافع طبقاتی آزمندان خویتر مظاهر میگردد . —



بورژوازی برای حقوقی استعمار و ریشگی ساختن بقایای فئودالیسم با قاطعیت مبارزه نمیکنند . هدف نهائی آن بدست آوردن قدرت سیاسی است .

ملل عرب این وحدت را شرط لازم تحکیم همبستگی خود در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و علیه رژیمهای دیکتاتوری و در راه انجام اصلاحات اساسی در شئون اجتماعی میدانند . کمونیست ها همواره از صحتوی دموکراتیک شعار وحدت عرب پشتیبانی کرده می کنند و جوانب ارتجاعی آنرا مورد انتقاد قرار میدهند . جنبش وحدت هنوز در برخی از کشورهای خصلت توده ای بخود نگرفته است ، ولی کمونیست ها با اینده میگردند و نمیتوانند نسبت بمسئله وحدت لاقید باشند .

مبارزه میان نظریات بورژوازی و پرولتاریا بر مسئله وحدت عرب بخصوص از سال ۱۹۵۷ شدت یافت . امدانات طرفین در این مبارزه یکسان نیست . بورژوازی بر سر حکومت است ولی نیروهای مترقی غالبانیتوانند نظریات خود را آشکار بیان کنند . با وجود این شعارها و اندیشه های طبقه کارگر در باره وحدت ملل عرب وجهه فراوان یافته است .

۱- اد عرب - بر برای الملل بورژوازی حل مسئله عرب سنگ محکی بود . حتی برخی گروه های بورژوازی عرب که اندیشه اتحاد و کشور عربی را با شوق و ذوق تلقی کرده بودند بتدریج روتر خود را تغییر دادند . امروز بعضی هائیکه در سوریه و عراق روی کار آمدند بیش از پیش روی خصوصیات محلی هر یک از این دو کشور عربی تکیه میکنند .

کمونیست ها نمیتوانند مسئله وحدت عرب را جدا از هدف نهائی مبارزه خویش یعنی برانداختن استثمار انسان از انسان و ساختمان جامعه سوسیالیستی فارغ از طبقات در نظر بگیرند . ولی محافل بورژوازی برخی از کشورهای عربی دارند ثابت کنند که گویا جنبه سراسر آزادیبخشی که تحت شعار وحدت عرب بسط مییابد هم اکنون خصلت سوسیالیستی دارد .

بورژوازی مصر در امر تحقق وحدت عرب حای خاصی را دارد و علت این امر آنستکه مصر از لحاظ صنعتی بزرگترین و رشد یافته ترین کشور عربی است . مصر از نقطه نظر برقراری تسلط خود بر " اخوان کبتر " بمسئله وحدت عرب میگرد . امپریالیست ها از تمایلات توسعه طلبانه بخش ارتجاعی بورژوازی مصر پشتیبانی میکنند و ایجاد هر نوع اتحاد کشورهای عربی را بشرط آنکه چنین اتحادی بر بنیاد دموکراتیک و ضد امپریالیستی استوار نباشد جدا ترغیب میکنند . اگر نقشه اتحاد مصر ، سوریه و عراق یا منافع امپریالیست ها بر خورد پیدا میکرد مشکل از چنین فدراسیونی پشتیبانی میکردند . ولی امپریالیست ها نمیخواهند تشکیل امپراطوری عربی نیرومندی با اثرات نفتی بزرگی را که تحت تسلط نامحدود عبد الناصر باشد اجازه دهند . باینجهت میکوشند رقبای نیرومندی را در داخل این اتحاد برای او پیدا کنند . حوادث اخیر نشان میدهد که یک چنین نیروی رقیب برای ناصر برخشی از ناسیونالیست ها و بعضی های طرفدار غلط هستند . بعضی ها تصادفی نیست که از رهبری جمععی فدراسیون، پیشهاد صحبت میکنند . بدیهی است که رهبری جمععی مفهوم واقعی اش محدود کردن قدرت رهبری ناصر است .

شرکت کنندگان در تبادل نظر خاطر نشان ساختند که اندیشه وحدت عرب افکار بسیاری از نمایندگان روشنفکران ، افسران و دانشجویان را در کشورهای عربی بخود مشغول میدارد و این - قشرها وحدت عرب را با آرمان خود در باره ایجاد کشور عربی نیرومند مربوط میدانند . مخالفین آشکار وحدت عرب فئودالها ، بورژوازی امپریالیسم پرست و سایر نیروها ارتجاعی تجزیه طلب هستند . آنها میترسند دستگاه دولتی مدافع منافع خویش را از دست بدهند . پس از اتحاد سوریه و مصر



این نیروها بیمنک شدند از اینکه بورژوازی مصر که از آنها با نفوذ تراست آنها را تحت تسلط خود قرار دهد و هم از بازار داخلی و هم از بازار خارجی محرومشان سازد . این اواخر تحولاتی هم که در مصر روی میداد آنها را به هم رساند اخته است .

اندیشه وحدت عرب در میان توده های دهقانی بخصوص پس از آنکه توده های اصلاحات ارضی نخست در مصر و سپس در سوریه بتصویب رسید اشاعه وسیع یافت . طبقه کارگر که بنا بر طبیعت خود نیروی انترناسیونالیستی است اندیشه وحدت عرب را بشرطی که بر پایه دموکراتیک مبتنی باشد و گسترش مبارزه تمام خلق را علیه امپریالیسم و استعمار و در راه ترقی سطح زندگی توده های زحمتکش و برقراری مناسبات دستاورد با کشورهای سوسیالیستی و در برابر آنها اتحاد شوروی و نیز در راه ایجاد مقدمات و شرایط عینی برای پیشروی در راه سوسیالیسم تأمین نماید - تأیید میکند .

بر حسب شرایط مشخص تاریخی موجود این یا آن کشور عربی در میان طبقات مختلف در مورد وحدت عرب یا جریان " یونیونیستی " حاکم است و یا جریان تجزیه طلبانه . مثلاً بورژوازی سوریه در سال ۱۹۵۸ - رفد از اتحاد با مصر نمود زیرا بر آن بود که " خ-ار کمونیسم " منافعش را تهدید میکند . ولی همان بورژوازی هنگامیکه بورژوازی مصر که از آن قوی تر بود منافعش را بخاطر انداخت و شروع به نصب بازارهای آن نمود ، خواستار حدائی شد .

در مسئله وحدت عرب و جریان را باید از هم تشخیص داد: جریان ناسیونالیستی بورژوائی و جریان انقلابی دموکراتیک .

جریان اول با وجود اختلاف شعارها و هدفهای خود بر آنست که وحدت عرب را میتوان فقط با رعایت چهار شرط عمده ملی ساخت . از آن جمله است : آنتی کمونیسم و آنتی دموکراتیسم ، تقویت ایدئولوژی ناسیونالیستی - شوونیستی ، محزانگهداشتن ملل عرب از اردوگاه سوسیالیستی و سازش با امپریالیسم . طرفداران این جریان در مسئله وحدت عرب میخواهند با امپریالیسم همکاری کنند ولی از اینکه تحت کنترل مستقیم آن قرار گیرند ترس دارند . در عین حال آنها نمیخواهند با اردوگاه سوسیالیستی نیز بکلی قطع رابطه کنند زیرا این مناسبات بسود آنهاست . ولی وقتی می بینند که همکاری با کشورهای سوسیالیستی جنبه توده ای را تقویت میکند راه اخلاص در این مناسبات را در پیش میگیرند . آنها دائماً میان اردوگاه سوسیالیستی و امپریالیسم مانور میکنند . در داخل جریان ناسیونالیستی بورژوائی میتوان چند جریان فرعی را نیز مشاهده کرد . یکی از آنها مربوط است به بورژوازی مصر که در تلاش خود برای توسعه طلبی برقراری تسلط بر کشورهای دیگر طرفدار اتحاد کامل کشورهای عربی تا حد محو استقلال کشورهای دیگر است . ولی حزب بعث طرفدار آنچنان اتحاد فدرالیستی است که در آن نفوذ ناصر فقط مصر را در برگیرد ولی در سوریه و عراق جناح راست بعثی ها حاکم باشد .

جریان انقلابی دموکراتیک بر آنست که وحدت عرب باید بر پایه دموکراتیک استوار باشد و در آن شرایط عینی هر کشور در نظر گرفته شود . یک چنین تلقی از وحدت عرب موجب برقراری اتحاد محکم میان کشورهای عربی برادر را فراهم میسازد و امکان میدهد که در این اتحاد منافع مردم هر کشور تأمین شود . دولت فدرالی که بر این پایه تشکیل شود برای پیشرفت اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی امکانات فراوان خواهد داشت . از این جریان اکنون کمونیستها ، ناسیونالیستهای دموکرات و سوسیالیست های مستقل پشتیبانی میکنند .

رفیعی از سوریه گفت : بهترین درسی که از اتحاد دولتی سوریه و مصر گرفته شد اینست که

اتحاد مزبور نشان داد که اگر در جریان وحدت يك کشور در حال وابستگی بکشور نیرومند تردید بگردد قرار داده شود وحدت نمیتواند برپا باشد . در سپتامبر سال ۱۹۶۱ که سوریه از جمهوری متحد عرب جدا شد حزب کمونیست اعلام داشت که این جدائی بمفهوم شکست اندیشه وحدت عرب نیست ، بلکه بمفهوم شکست سیاست ضد دموکراتیک تحکیم و تسلط يك کشور بر کشور دیگر است .

دو اتحاد فدالیستی جدید مصر سوریه و عراق بان صورتی که در اعلامیه قاهره مورخ ۱۷ آوریل سال ۱۹۶۳ بیان شده است شرایط عینی هر کشور را در نظر میگیرد و استقلال آنها را در یکسلسله از مسائل محفوظ میدارد . در این دو اتحاد جمله وجود پارلمانهای ملی پیشبینی میشود . قید این مواد در طرح تشکیل فدراسیون یا توحده بدرسهائی حاصله از اتحاد سوریه و مصر انجام گرفت . ولی نباید زیاد محدودیت این مواد شد ، زیرا در مجموع این طرح اصل اساسی یعنی اصل دموکراسی مراعات نشده است . بطوریکه حوادث عراق نشان میدهد این فدراسیون بحای آنکه علیه امریالیسم متوجه باشد علیه دموکراسی ویژه علیه کمونیسم متوجه است . طرح فدراسیون حاوی ماده ایست که باید مورد توجه خاص قرار گیرد . سخن بر سر حفظ باصطلاح " امنیت ملی " است که بنا بر اعلامیه قاهره در صلاحیت دولت فدرال مرکزی است . بدینسان اگر در یکی از کشورهای عضو فدراسیون جنبش توده ای اوج بگیرد بمقتضای " امنیت ملی " نیروهای کشور عربی دیگر را اعم از اینکه پارلمان محلی یا آن موافق باشد یا نباشد ، میتوان برای سرکوب آن جنبش گسیل داشت . این فدراسیون که هنوز تشکیل نشده یا تضادهای داخلی درگیر است . یعنی های سوریه و عراق به اتحاد سوریه و عراق متمایز شده اند .

رفیعی از لبنان بشرح تاریخچه پیدایش شعارناسیونالیم عرب پرداخت و گفت : این شعار در جریان جنبش ملی آزاد یختر عرب در آغاز قرن بیستم اعلام شد . انزلمان مراکز این جنبش در دمشق ، بیروت و بغداد بود . چنین شعاری به اعراب برای مبارزه علیه اشغالگری عثمانی و در راه تأمین حاکمیت ملی الهام میبخشید و خصلت دموکراتیک داشت و شرایط عینی هر کشور عربی را در نظر میگرفت . جنبش مزبور هنگام گذر از عرب که در سال ۱۹۱۳ در پاریس تشکیل شد به اوج خود رسید . ولی آمال و منویات اعراب در انزلمان از یکسو با تمایلات حریصانه عثمانی برخورد میکرد و از سوی دیگر با مقاصد آزمتدانه استعمارگران انگلیس و فرانسه که برای نصب ثروتهای ملی کشورهای عربی تلاش میکردند . ظییرغم اختلاف نظرهای که میان استعمارگران ترکیه و انگلیس و فرانسه وجود داشت در سرکوب جنبش آزاد یختر ملل عرب با هم عمل میکردند .

در تاریخ اعراب دهرانی هست که در آن محمد علی زمامدار مصر ، سوریه و لبنان را به مصر ملحق کرد . اهالی این کشورها و کشورهای دیگر از او با آغوش باز استقبال کردند ، زیرا از غاصبین ترک بیزار بودند . ولی محمد علی پس از الحاق و اشغال این کشورها خود بقارت ثروتهای ملی آنان پرداخت و همش فقط بمتأمین منافع مصر مصروف بود . با اینجهت سرانجام ملل سوریه و لبنان و کشورهای عربی دیگر دست بمسلاح بردند و علیه محمد علی و ابراهیم پاشا با پاها ساختند و بدینسان وحدت عرب که بر پایه تسلط يك ملت بر ملت دیگر استوار شده بود از هم فروپاشید .

وضعی که اکنون در کشورهای عربی ویژه در عراق و سوریه و لبنان وجود دارد بنحویست که جو روانی ملی دیگر نمیتواند وحدت ملل عرب را تنها با نیروی خود علی سازد و با اینجهت پیشتر از پیش بکلمت گرفتن از امپریالیستهای توسل میجوید . مسئله مهم اکنون اینست که هر کشور عربی در شئون اقتصادی و اجتماعی بر اساس دموکراتیک و همکاری نزدیک با اردوگاه سوسیالیستی پیشرفت کند . وقتی این امر

تحقق یابد و این کامیابیم حاصل شود نتیجه چنین تکاملی موجبات وحدت را فراهم خواهد ساخت . بطوریکه یکی از رفقای سودانی خاطر نشان ساخت بورژوازی سودان طی سالیان دراز طرفدار وحدت با مصر بوده است . این شعار ضعف بورژوازی ملی و تمایل آنها به استعداد از بورژوازی مصر در مبارزه علیه امپریالیسم منعکس میساخت . ولی جنبش توده ای علیه استعمار که در آن سابقه کارگر نقش برجسته ای بازی کرد رشد و توسعه یافت . پس از احراز استقلال ملی حزب بورژوائی روی کار آمد ، ولی پس از آنکه در پارلمان اکثریت کرسیها را بدست آورد نتوانست خصمت دموکراتیک جنبش توده ای را تغییر دهد و وحدت با مصر را تحمیل کند . طبقه کارگر شعار حق مردم سودان در تعیین سرنوشت را اعلام کرد و پارلمان با تفاق آراء از آن پشتیبانی کرد و درباره آن قرار تصویب نمود .

در مورد بررسی امکانات تحقق وحدت عرب باید نقش طبقه کارگر را در نظر گرفت ، زیرا بدون تغییر اساسی در خصمت قدرت سیاسی همان وضعی که در مورد اتحاد دولتی سوریه و مصر مشاهده شد ( شاید هم بشکل دیگر ) تکرار خواهد شد ، ولی وحدت واقعی ملل عرب بدست نخواهد آمد .

امکان تحقق شعار وحدت عرب نباید فقط بر زمینه تضادهای موجود میان قشرهای مختلف بورژوازی عرب مورد بررسی قرار گیرد . این شعار باید بر مبنای علمی استوار شود و امکان تحقق آن با اتکال به نیروهای عهد محرکه انقلاب آزاد یختر ملی یعنی طبقه کارگر ، دهقانان و قشرهای غیر پرولتر شهرسودیه بررسی گردد .

یکی از رفقای عراقی گفت ما نیز بر این عقیده ایم که بورژوازی عرب قادر به تحقق امر وحدت ملل عربی بر پایه دموکراتیک نیست . ولی در چارچوب انقلاب دموکراتیک ملی ، قبل از آنکه سوسیالیسم در کشورهای عربی پیروز شود ممکنست اشکال مختلف فدراسیون یا کنفدراسیون دو ، سه و عده به بیشتری از کشورهای عربی پدید گردد . البته بورژوازی نمیتواند وحدت ملل عرب را از طریق واقعات دموکراتیک عملی کند . ولی در جریان تکامل و تعمیق انقلاب دموکراتیک ملی و پیدایش دولت‌های دموکراسی ملی که در آنها طبقه کارگر در اتحاد با دهقانان و تمام زحمتکشان نقش مهم ایفا خواهد کرد - تحقق شعار وحدت عرب امکان پذیر است . اما حتی در این شرایط نیز با احتمال زیاد صحبت وحدت فوری تمام کشورهای از طریق اتحاد خود بخودی آنها در میان نخواهد بود ، زیرا طی زمان نسبتاً طولانی تفاوت‌های اساسی در سطح تکامل اقتصادی و سیاسی آنان باقی خواهد ماند .

سخن بر سر نا زهری انتخاب میان وحدت عرب فقط در شرایط پیروزی سوسیالیسم و یا وحدت در کادر دیکتاتوری بورژوائی که اکنون در اکثر کشورهای عربی وجود دارد ، نیست . در مرحله کنونی انقلاب آزاد یختر موضوع انتخاب میان راه حل انقلابی دموکراتیک و راه حل ناسیونالیستی بورژوائی مسئله وحدت عرب مطرح است . پرولتاریا و احزاب آن در مقابل طرح بورژوائی مسئله وحدت عرب راه حل خود را درباره این مسئله به طرح قرار میدهند و ضمناً چهار شرط حتمی زیر را در نظر میگیرند :

د موکراسی و تکیه بر توده ها ، مبارزه قاطع علیه امپریالیسم ، توسعه و تحکیم مناسبات با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی ، رعایت همه‌انده منافع تمام ملل عرب و برابری حقوق هر یک از کشورهای عربی . این راه حل پرولتری میتواند مبنای خمی برای اتحادی جنبش وسیع توده ای در کشورهای عربی باشد .

رفیقی از اردن گفت مسئله وحدت عرب با اتحادی عمومی جنبش آزاد یختر ملل عرب به تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی ارتباط نزدیکی دارد . این مسئله را نمیتوان بدون در نظر گرفتن تغییر تناسب قوای جهانی که بسود صلح و سوسیالیسم انجام گرفته مورد بررسی قرار داد . تمایلی

بورژوازی بوحدت ملل عربی بتاریکه تجربه نشان میدهد ناشی از تمایذ آن به نصب بازارهای جدید است . مثلاً بورژوازی مصر میکوشد تمام بازار عرب را تصاحب کند بورژوازی سوریه نیز نمونه خود میخوهد بازارهای عراق واردن وغیره را بتصرف خود درآورد .

شعار وحدت شعوب به انحلال جنبش آزاد یخش ملل کمک کرد . پروسه تاریخی تکامل جنبش آزاد یخش عرب بویژه پس از آنکه یکسلسله از کشورهای عربی باستقلال سیاسی نائل آمدند نشان میدهد که بورژوازی عرب قادر باستقرار نظام کلاسیک بورژوازی نیست و این مطلب ثابت میکند که هدفهای وحدت را نمیتوان بتوسعه بازار محدود کرد . مسئله بازار یسرای تود ملکی مردم مسئله عمده نبود . است . تمایل صرف بایجاد بازار یعنی اتحاد بر اساس بازار واحد نه فقط بامنافع تود مهالی مردم ، بلکه بامنافع برخی از کشورهای بورژوازی ملی تصادم پیدا میکند . مسئله وحدت را نیز مثل مسئله اصلاحات ارضی و صنعتی کردن و مسائل مهم دیگری در برابر ملل عرب قرار دارد ، نمیتوان با پیروی از راه سرمایه داری حل کرد .

اتحاد دولتی سوریه و مصر که از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۱ وجود داشت نشان داد که بورژوازی ملی سوریه من حیث العجموع از این اتحاد پشتیبانی نکرد . شاید بتوان گفت که تود مهالی دهقانی و کارگران پیش از بورژوازی ملی نسبت باتحاد شور و شوق نشان دادند . فقط حزب بعث پشتیبان اتحاد با مصر بود مهالی آن میکوشید . رهبری این حزب بطور اساسی از نمایندگان عناصر خرده بورژواکتمایلات ضد کمونیستی دارند تشکیل میشود و تمام جنبه های ارتجاعی را که در طول تاریخ اعواب و در جناح راست جنبش سوسیالیستی غرب وجود داشته در خود جمع دارد . حزب بعث پس از جنگ جهانی دوم در حیطه مخالف جنبش کمونیستی بوجود آمد . این حزب زمانی شعار وحدت عرب بر بنیاد مبارزه برای آزادی از قید استعمار را اعلام میکرد ، ولی حوادث خونین عراقی بیماگی عمارت پردازی های لیدرهای آنرا درباره دموکراسی نشان میدهد . اما این بیان معنی نیست که در حزب بعث در آینده امکان انشعاب وجود ندارد همانطور که پس از اتحاد سوریه و مصر گروه حورانی از گروه غلق جدا شد .

شرکت کنندگان در تبادل نظر تاکید میکردند که وحدت عرب باید بر پایه آزادی ، دموکراسی و برابری حقوق تمام کشورهای مبتنی باشد و ضروریست به تود مردم توضیح داده شود که وحدت ملل عرب باتعقیب امتکامل غیر سرمایه داری و تشکیل دولت دموکراسی ملی ممکنست ، که در آن زحمتکشان و سازمانهای دموکراتیک آنان در زندگی سیاسی و اقتصادی کشور شرکت فعال خواهند داشت و حقوق دموکراتیک وسیع بانان واگذار خواهد شد .

### ۳- در باره «سوسیالیسم عربی»

اندیشه های سوسیالیستی تحت تاثیر کامیابیهای بزرگ سوسیالیسم جهانی در میان توده های بزرگ مردم و جنبه روز افزون کسب میکند و این امر بسیاری از رهبران دولتی و اجتماعی کشورهای عربی را وادار میسازد سوسیالیسم را در نمای پیشرفت ملی و اجتماعی کشورهای نو-استقلال بنامند .

شرکت کنندگان در تبادل نظر خاطر نشان کردند که جریان باصطلاح " سوسیالیستی " که ناصر نمایند ه آنست با آنکه جنبه علمی ندارد مع الوصف حاوی یکسلسله حوالب مثبت است ، زیرا با احرای اقدامات مترقی بسیاری مربوط است که اصلاح ارضی و توسعه سکتور دولتی و ملی کردن بنگاههای بزرگ خارجی همانکها و کمپانیهای بیمه و غیره از انجمله است . البته باید گفت که توده مردم در احرای این رفرم ها شرکت داد نمشدند و این یکی از نزل نقصان پیگیری و کمبود عمق بسیاری از اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و از جمله اصلاحات ارضی است . تحلیل پایسه اقتصادی اصلاحات در مصر نشان میدهد که اصلاحات مزبور هنوز از چارچوب تولید سرمایه داری خارج نیستند . مسلما میتوان گفت که این اقدامات جنبه سرمایه داری دولتی دارند . آینده نشان خواهد داد که تکامل مصر در چه سمت انجام خواهد گرفت .

و اما در مورد اقداماتی که در الجزیره انجام میگردد ، بطوریکه شرکت کنندگان در تبادل نظر خاطر نشان کردند ، این اقدامات خصلت عمیقتر و مترقی تر دارند و علت آن شرایط عینی است ، که در نتیجه جنگ قهرمانانه هفتساله که تمام نیروهای میهن پرست ملت را متحد کرد در الجزیره پدید آمده است . ولی مطلب فقط بر سر آن نیست که اقدامات اجتماعی و اقتصادی در الجزیره دامنه بسیار وسیع و خصلت عمیق دارد ، بلکه این مطالب را هم باید در نظر داشت که در احرای لیبرال اقدامات توده زحمتکش شرکت فعال دارد و این را میتوان عامل عمده نامید . گواه این امر مشابلا تشکیل کمیتهای کشور داری با شرکت وسیع کارگران و دهقانان است . اکنون در الجزیره برای پیشرفت کشور در راه غیر سرمایه داری شرایط مساعد پدید میآید .

باید تصدیق کرد که اندیشههای مربوط باصطلاح " سوسیالیسم عربی " در بعضی محافل دانشجوئی ، روشنفکران و قشرهای قایل ملاحظه ای از دهقانان تاثیر بخشیده است . مثلا در مصر بسیاری از دهقانان رفرم ارضی را صادقانه با سوسیالیسم یکی میدانند . همینطور کارگران زیادی هستند که معتقدند قسمتی از سودی که به صندوق کارگری ریخته میشود ( با آنکه میزان آن بسیار هم اندک است ) نتیجه ساختمان سوسیالیسم در مصر است و غیره .

جنبه مثبت " سوسیالیسم عربی " در عین حال اینست که کلمه " سوسیالیسم " اکنون در کشورهای عربی بمقیاس وسیعی شایع است . زحمتکشان روز بروز بیشتر از سوسیالیسم سخن میگویند ، گرچه بعضی تفکر یسین های " سوسیالیسم عربی " وقتی از سوسیالیسم سخن میگویند ، غالباً ماهیت سوسیالیسم علمی را تحریف میکنند .

رفیقای از لبنان ضمن سخنرانی خود گفت اقداماتی که در مصر انجام گرفت بیشک دارای جنبه های مثبتی هست که ما باید از آنها پشتیبانی کنیم . در عین حال باید کسانی را که زمینه فکری برای چنین ادعائی دارند که مصر در راه ساختمان سوسیالیسم به پیش میرود ، بر حذر داشت . البته اشکال ساختمان سوسیالیسم در هر یک از کشورهای متفاوت است ، اما چنین اشکالی نمیتوان عنوان سوسیالیسم مثلا " الجزیر ای " یا " مصری " اطلاق نمود .

رفیق عراقی گفت مشهور اقداماتی که در سال ۱۹۶۲ در مصر تصویب شد حاوی یکسلسله احکامی است که تحت تاثیر سوسیالیسم نوشته شده است . در عین حال در منشور ازیر انداختن استثمار انسان از انسان سخنی بمیان نیامده است . بسیاری از اقداماتی که در مصر بمرحله احسرا گذارده شده است ، و از انجمله اقدامات مربوط بملی کردن ، رو بهرفته جنبه مترقی دارند ، زیرا اولاً به اعتدالی سریع صنعتی کشور کمک میکند و ثانیاً سکتور دولتی را توسعه میدهد . ولی این



اقدامات بخودی خود پایه استثمار سرمایه داری را ازین نمی برد . بصاحبان موسسات ملی مبلغ هنگفتی بعنوان غرامت پرداخت میشود و این علاوه بر سهام موسسات صنعتی است . صاحبان این موسسات حق تملك اراضی پهناور و مستغلات شهری را دارند و بدین طریق بصاحبان بزرگ مستغلات تبدیل میشوند .

رفیق لبنانی سخنرانی خود را بمسئله سکتور دولتی و نقش آن در پیشرفت کشورهای آزاد شده اختصاص داد و گفت ما همیشه طرفدار توسعه سکتور دولتی بوده ایم . ولی این بان معنی نیست که سکتور دولتی را در تمام موارد باید پایه سوسیالیسم تلقی کرد و خصمیت قدرت سیاسی را از نظر دور داشت . در شرایط معینی بورژوازی در توسعه سکتور دولتی ذینفع است زیرا بملك این سکتور اسانتر میتواند با طبقه کارگر مبارزه کند . در واقع هم در یکسلسله از کشورهای قانونینی وجود دارد که بموجب آنها کلیه کسانی که در موسسات سکتور دولتی مشغول کارند کارمند دولت محسوب میشوند . باینجهت از حق انحصار محروم میگردد و نمیتوانند در راه ارضای خواسته های حیاتی خود مبارزه کنند . در عین حال تمام سودی که بخشی از آن در شرایط دیگر ممکن است بکارگران تعلق گیرد ، در موسسات دولتی به صندوق دولت می رود . علاوه بر آن بورژوازی در یکسلسله از کشورهای عربی بعلت ضعف اقتصادی خود از سکتور دولتی برای شروت اندوزی شخصی استفاد میکنند . بدینسان باید در نظر داشت که سکتور دولتی تحت کنترل کدام قدرت سیاسی است .

همین مطالب را رفیقی از اردن ضمن سخنرانی خود تشریح کرد و گفت که خصمیت دوگانه سکتور دولتی را در کشورهای کم رشد وجوانب مثبت و منفی آنها باید همیشه در خاطر داشت . در مورد " سوسیالیسم عربی " هم نشان دادن اینکه این سوسیالیسم فاقد جنبه عظمی است کافی نیست . باید ماهیت حقیقی " سوسیالیسم عربی " و اینکه این سوسیالیسم در خدمت چه کسانی است وجه دورنمای تکاملی در برابرانستعمورد بررسی قرار گیرد . تئزیه اشی صحیح برای کمونیست ها و تمام دموکرات ها برای برخورد آنها باین مسئله بسیار رنج و مهم بهمین مطالب منسوط میشود .

رفیق سودانی گفت پس از احراز استقلال سیاسی قدرت در اکثر کشورهای عربی باید ست بورژوازی ملی افتاد ، یا بدست خرده بورژوازی و یا بدست بورژوازی امپریالیسم پرست که با فتودالها پیوند محکم دارد . در برابر این کشورها دوره تکامل وجود دارد . راه سرمایه داری و راه غیر سرمایه داری . راه تکامل غیر سرمایه داری را طبقه کارگر و حزب کمونیست آن پیشنهاد میکند . کشورهای نواستقلال بشرطی که چپه ملی واحد بوجود آید که اتحاد طبقه کارگر و دهقانان پایه آنها تشکیل دهد بورژوازی ملی هم در آن شرکت داشته باشد میتواند راه تکامل غیر سرمایه داری را در پیش گیرند . گام مهم در راه تکامل غیر سرمایه داری کشورهای عربی عبارت خواهد بود از بسط دامنه دموکراسی ، زیر باره در راه دموکراسی جزئی است از مبارزه در راه سوسیالیسم . هر اندازه جنبه دموکراتیک عمیق تر باشد آگاهی سیاسی توده ها نیز بیشتر خواهد بود و آنها باروشنی بیشتری درک میکنند که فقط سوسیالیسم آن نظامی است که آثار بمرمزل آزادی واقعی و زندگی سعادت مند میرساند .

بورژوازی به آنتی دموکراتیسم و سازشکاری با امپریالیسم تمایل دارد ، ولی نکته جدید اینست که نمایندگان بورژوازی و ثوریسین های خرده بورژوا در کشورهاییکه از فید استعمار رها شده اند



اکنون از سوسیالیسم سخن میگویند . آنها تحت تاثیر تغییر شرایط خارجی و داخلی ، هنگامیکه اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم بر عقول توده‌های بزرگ مردم مسلط شده اند ، مجبورند این کار را بکنند . آنها از آن جهت این عمل را انجام میدهند که بتوانند نفوذ خود را در میان توده‌ها حفظ کنند . ضمناً آنها سعی دارند منافع طبقاتی بورژوازی را منافع تمام ملت جلوه دهند .

باینجهت وظیفه کمونیست‌ها آنست که پاکیزگی ساخت سوسیالیسم علمی را حفظ کنند و تلاش‌هایی را که بورژوازی بعمل می‌آورد تا سوسیالیسم را در نظر توده مردم تحریف شده جلوه دهد ، افشا کنند .



مبارزه ملل عرب در شرایط ویژه و غیرنرج انجام میگیرد . مارکسیست‌های کشورهای عربی اوضاع و احوال مشخص هر یک از این کشورها را در نظر میگیرند . ولی در برابر جنبش‌های آزادیبخش ملل عرب برخی وظایف مشترک قرار دارد . شرکت کنندگان در تبادل نظر با این نظر متفق رسیدند که این وظایف مشترک عبارتند از :

- ۱ - مبارزه در راه صلح جهانی و پیشگیری جنگ جهانی جدید بصورت پشتیبانی از پیشنهادهای اتحاد شوروی در باره خلع سلاح عمومی کامل ، منع سلاح اتمی ، تعقیب سیاست همزیستی - مسالمت آمیز و تبدیل منطقه دریای مدیترانه به منطقه خالی از سلاح اتمی و نیز بصورت خواست‌های ملل عربی در باره انحلال پایگاه‌های نظامی در کشورهای عربی و علیه شرکت در هرگونه بلوک نظامی و سیاسی تحاویزکاری انعقاد قرارداد‌های نظامی دو جانبه با دول امپریالیستی - متجلی میشود .
- ۲ - مبارزه در راه دموکراسی بعنوان وظیفه اساسی کمونیست‌های عرب و تمام نیروهای مترقی جنبش آزادی ملی . بدون دموکراسی نمیتوان تکامل عادی کشورهای عربی را تأمین نمود و حاکمیت ملی آنانرا حفظ کرد و تحکیم بخشید .
- امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی تحت عنوان \* مبارزه با کمونیسم \* با تمام قوا میکوشند آزادی‌های دموکراتیک را در کشورهای عربی سرکوب کنند . یکی از این بیرون‌دیکتاتوری ارتجاعی فاشیستی برقرار سازند .

۳ - پشتیبانی از مبارزه آن ملل عرب که در راه آزادی خود در عمان و در جنوب شبه جزیره عربستان و در عدن و سایر کشورهای عربی به یکارمشغولند .

- ۴ - کوشش برای احراز استقلال اقتصادی از طریق توسعه محدانته صنایع ملی با استفاده از کمک همصانیه و پشتیبانی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی . هرگونه انحراف از این مشی موجب تضعیف جنبش‌های آزادیبخش ملی در قبال انحصارات امپریالیستی خواهد شد .
- کمک و پشتیبانی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از مبارزه آزادیبخش ملل عرب امکاناً نامحدودی جهت شالوده ریزی اقتصاد ملی مستقل برای کشورهای نواستقلال پدید می‌آورد و آنها امکان میدهد در برابر توطئه‌ها و دسائس امپریالیسم ایستادگی کنند . این پشتیبانی از جمله بصورت همبستگی با مبارزه مردم عراق علیه دیکتاتوری خونین بعثی‌ها بصورت پشتیبانی از خواست‌های حق‌ه خلق کرد بروز میکند .

انجام این وظایف اساسی که در برابر جنبش‌های آزادیبخش عرب قرار دارد شرایط را برای تشکیل

دولت دموکراسی ملی فراهم میسازد و این امر برای کشورهای عربی در حال حاضر راه عملی واقعی اجرای اصلاحات عمیق در شیئون اجتماعی و اقتصادی است که بنهجه خود مقدمات عینی لازم را برای گذار به سوسیالیسم آماده میکند .

وحدت سیستم جهانی سوسیالیستی و همپوستگی جنبش جهانی کمونیستی که حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشاهنگ او بوده و خردمند است عوامل قاطعی هستند برای حفظ صلح جهانی و ریشه کن ساختن سیستم استعمار و پیروزی جنبش آزاد بیخشم ملی و سوسیالیسم جهانی .

کمونیستهای کشورهای عربی که بهمارکسیسم - لنینیسم به اعلامیههای سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ وفادارند، بیاطریکه تمام شرکت کنندگان در تبادلات و توافق خاطر نشان ساختند، جدی اعلامی لازم را بکار خواهند برد برای آنکه وحدت جنبش جهانی کمونیستی را تأمین کنند . آنها مبارزه علیه دگماتیسم و سکتاریسم و در راه تکامل خلاق تعالیم مارکسیسم - لنینیسم را در آینده نیز ادامه خواهند داد .

# ونزوئلا در مبارزه

ادوارد وگونسالس مونوز

Eduardo GONZALEZ MUNOZ

در اواخر سال ۱۹۶۳ در ونزوئلا انتخابات رئیس‌جمهوری و انتخابات پارلمان بعمل خواهد آمد. • بتانکوره امید می‌باشد که حفظ کرسی رئیس‌جمهوری ندارد تمام تلاش خود را بکار میبرد برای آنکه لااقل وراثت را در زمینه سیاست خود حفظ کند یعنی دولتی را بجانشینی خود بگمارد که مثل خود شونکر مایع اربابان و اشننگدن باشد.

ارتجاع یخومی میدانده که اگر در انتخابات مردم واقعا امکان آزادی عمل داده شود نوکران ارتجاع برمسند قدرت باقی نخواهند ماند. • باینجهت ارتجاع وچاکرانش بشیوه خود برای انتخابات آماده میشوند.

یکی از نمودارهای تراژی کمیک این تدارک صحنه ای بود که بتانکوره هنگام گشایش کاخ اسقف در شهر سودا بولیوار بازی کرد. • او در آنجا حزب کمونیست و جنبش انقلابی چپ را به تلاش برای سوء قصد بجان خود متهم ساخت. • بتانکوره هدف دوگانه ایرات حقیب میکرد. • نخست اینکه اهرای بازداشت‌های جمعی افراد بی‌پایه لازم داشت و فرمان آنها بلافاصله صادر کرد. • دوم آنکه او تصمیم گرفت از احساسات مذهبی ونزوئلایی‌ها استفاده کند برای آنکه "افراطیون" را بداشتن نیات کفرآمیز متهم نماید. • ولی حتی متحدین بتانکوره در حزب مسیحیون سوسیالیست "کسوی" (Copei) این اکاذیب را باور نکردند. • با وجود این چند صد تن دیگر بسبب وفاداری به معتقدات انقلابی خود بزند ان تحویل داده شدند.

روشن است که هدف این مانورهای بتانکوره در آوردن آهسته آهسته سیاست سرکوب اراده مردم را هرچه بیشتر ادامه دهند. • ولی پایمال کردن اصول و تضمینات مصرحه در قانون اساسی و وجود هزاران زندانی سیاسی شکنجه‌ها و قتل افراد بدست پلیس - مردم را وادار کرد به اسلحه دست ببرند.

بحران شاقی که ونزوئلا با آن دست بگریبان است و کشور را در سرحد جنگ داخلی نگاه داشته روز بروز عمیقتر میشود. • مردم به تضییقات خونین دولت پاسخ شایسته میدهند. • دسته‌های پارتیزان افزایش مییابد. • چند ماه قبل واحد‌های پارتیزان حلقه محاصره نیروهای دولتی کاملاً مسلح را شکافتند و اکنون با پشتیبانی دهقانان کامیاب‌بهای بزرگ بدست می‌آورند. • در شهرها بخصوص در کاراکاس نیروهای مسلح مقاومت علی زندگی را بر بتانکوره خاشن که یگانه هدف نومیدانه اش باقی‌ماندن برمسند قدرت تا سال حدید است، سیاه کرده‌اند. • امید نسان می‌خواهد مامورتنی را که هواداران "دموکراسی نمونه" در وزارت امور خارجه امریکا با و صحول کرده‌اند باینجام برساند.

در آتش این مبارزه پرتشنج دورنماهای مساعد برای آرمان خلق پاروشنی هر چه بیشتر نمودار میگردد و جبهه پرافتخار آزادی ملی مرکب از حزب کمونیست، جنبش انقلابی چپ و تمام پیکار جو ترین و مترقی ترین نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم کثوثی - توسعه می یابد و ارتباط خود را با مردم تحکیم میبخشد. جبهه آزادی ملی و " مشتعلح " آن یعنی نیروهای مسلح آزادی ملی که در نبرد ها آبدیده شده اند بمظهر قیام عمومی علیه بیعدالتی اجتماعی مده نمودار واقعیه بهترین شعائر ملی مقاومت در برابر مد اخلات خارجی بدل شده اند. نمونه آن تصرف جسورانه اقامتگاه میسیون نظامی یانکی ها است.

ولی نکته ای که باید خاطر نشان کرد اینست که برای نقشهای جبهه آزادی ملی همراهی مشی سیاسی حزب کمونیست و نژوتلا و متحدین آن هیچ چیز غریب تر از این نیست که همهمه چیز تحت الشعاع مبارزه مسلحانه قرار داده شود. و نژوتلا ای امروز بر عکس نمودار درخشانی است از اینکه چگونه میتوان باید در آن واحد از اشکال مختلف مبارزه اعم از پارلمانی و پارتیزانی، مبارزه در سند یکاها و در انتخابات استفاده کرد. نم نادر هر مورد معین آن شکلی از مبارزه در سر لوحه قرار میگیرد که با اوضاع و احوال مشخص متابقت دارد ولی عملیات مسلحانه که ضمانت ایجاد دولت دموکراتیک و نیز وثیقه دفاع بعدی از این دولت در قبال حملات ارتجاع است، همیشه بعنوان سلاح اساسی باقی میماند. نمایندگان مجلس از کمونیستها و اعضای حبهتر انقلابی چپ و نیز از سایر احزاب مترقی که در مورد ایجاد تحولات اساسی پتیادی پایکدیگرا اشتراك هدف دارند، همانطور که لنین توصیه کرده است / از اخبار ناممهای نمایندگی خود برای افشا خصلت غد میهن پرستانه دولت، برای تشدید تضاد های ارد و گاه دشمن، برای تحکیم وحدت نیروهای اپوزیسیون پیرای اثبات حقانیت و ناگزیری پاسخ مسلحانه به تضحیقات خوثین بتانکر استفاده میکنند. آن سناتور ها و نمایندگان مجلس که عضو جبهه آزادی ملی هستند بدینسان عمل میکنند. آنها از مصونیت پارلمانی خود برای منافع شخصی استفاده نکرده بلکه آنها را بعنوان سپر و گریزی که بد دشمن ضربه میزند مورد استفاده قرار میدهند.

رهبران سند یکاها و لیدرهای سازمانهای دانشجویی نیز در عرصه دیگر فعالیت همین هدف هارا تعقیب میکنند. با وجود ترور بی بند مبارکه در کشور حکمفرماست چهارمین کنگره زحمتکشان برگزار شد و سازمان " مرکز واحد زحمتکشان " را بوجود آورد. این سازمان جنبش سند یکائی را در راستای کهنافع طبقه کارگر ایجاد میکند هدایت مینماید. اکنون کارگران و کارمندان و نژوتلائی ارگان رهبری کننده ای دارند که آنها را در عین همکاری نزدیک با فدراسیون دهقانی مبارزه در راه خواستههای خود ارشاد میکند. بدینسان برای جنبش های بزرگی که نمایند مشترک زحمتکشان یعنی بهبود شرایط زندگی از راه اتحاد نیروهای خویش - را منعکس خواهند ساخت مقد مسات لازم بوجود آمده است. این عامل دیگر است در تکامل موقعیت انقلابی که دارای اهمیت قاطع است و مختصات آن عبارتست از تقویت نفوذ قاطعترین گروهها در دانشگاهها و دبیرستانهای کشور و تصرف آن مواضعی در سازمانهای سند یکائی که تا چندی پیش در دست محافل طرفدار دولت بود. دیگر از مختصات موقعیت انقلابی در کشور تلاش روز افزون ائتلاف دولتی و پیدایش شکافهای تازه و هر چه عمیقتر در میان طبقات حاکمه و اعتقاد بیش از پیش الیکارشی بهمناتوانی دولت برای جلوگیری از اعتلا جنبش خلق است که از سال ۱۹۶۰ کشور را منقلب ساخته است.

در عین حال برای انتخابات استراتژی تنظیم میشود، برای معرفی کاندید ای مشترک ریاست

جمهوری از میان نیروهای اپوزیسیون مذکور صورت میگیرد و متینگهای بزرگی تشکیل میشود که در آنها مرفی ترین پیشنهادها مورد بررسی قرار میگیرد . مایخصوصاً این نشان میبخشد که این امر برای درک صحیح مشی عمومی جنبش اهمیت خاص دارد . نیروهای مرفی از فعالیت انتخاباتی که در ماه دسامبر باید به انتخابات عمومی ، با انتخاب رئیس جمهوری وکنگره و مجالس مقننه وانجمن های شهر متحرشود - استفاد میکنند .

مردم را از دچار شدن به پنداره های موهوم انتخاباتی برحذر دشتیم میدان مقدمه چینی اعلام کردیم که حل معضلات اساسی ونزوئلا از طریق انتخابات ممکن نیست ، زیرا این معضلات مستلزم انجام تحولات اساسی است نه تغییر ساده زمانداران . ولی این سخن بدان معنی نیست کهما از انتخابات کنار خواهیم ماند . برعکس هر جا که مردم باشند مانیز آنجا خواهیم بود . برای مبارزه علیه فریب گری ، برای افشا اغراض سوء دولت ، برای اینکه کاندیداهای مختلف وارد شوند برنامه های خود را بروشنی بیان دارند . برای آنکه در ایجاد جبهه متحد تسهیل گردد . ما احتمالاً در انتخابات شرکت کنیم . تحریم شرکت در انتخابات فقط در شرایط تاریخی معین قابل توجیه است . حزب کمونیست ونزوئلا و جنبش انقلابی چپ برای مبارزه در راه انتخابات دموکراتیک آزاد از تمام احزاب اپوزیسیون واز تمام محافل پشتیبان کاندیدای ژوئیتویلا ( Jovito Villalba ) ولفگانگ لارازابال ( Wolfgang Larrazabal ) وراؤل راموس ژیمنس ( Raul - Ramos Jimenez ) دعوت میکنند . پیرامون یکی از این کاندیداهما متحد شده و به برنامه ای که پاسخگوی مصالح ملی ونزوئلا باشد مجهز گردند .

حزب کمونیست و جنبش انقلابی چپ از تمام احزاب اپوزیسیون دعوت کرده اند برای تضمین انتخابات قانونی جبهه واحد بوجود آورند که نه فقط امکان پیروزی را فراهم سازد بلکه این پیروزی را از دستبرد های احتمالی مرتجعین نیز مصون دارد . کمونیستهای ونزوئلا از تمام امکانات علنی ، هر اندازه هم که مانع چیز بنظر برسند ، استفاد میکنند . اگر بعد ها که از تمام امکانات استفاده بعمل آمد توسل به تحریم انتخابات ضرورت پیدا کند ، همانطور که در موقع فرماندم معروف پرس ژیمنس ( Perez Jimenez ) در سال ۱۹۵۷ مشاهده شد ، ما این کار را بنحو فعال انجام خواهیم داد . ما برای عقیم گذاشتن مشحکه ، رشته سخن را برفیق تفنگ واگذار خواهیم کرد .

امریالیسم و متحدین آن امروز در ونزوئلا با اوضاع واحوال جدیدی روبرو هستند که تاکنون در قاره امریکا سابقنداشته است . دولتی که کندی سعی داشت آنرا " نمونه ای " برای کشورهای قاره امریکا قرار دهد امروز حیثیت و اعتبار خود را بکلی از دست داده است . این دولت امروز فقط به قیمت تلاشهای عظیم خود را بر سر کار نگاه میدارد . حزب " اقدام دموکراتیک " که زمانی حزب نیرومند بتانگور بود امروز سرعت از هم پاشیده میشود . این حزب با حزب مسیحیون سوسیالیست " کوپی " تضادهای آشکار گونستی پیدا کرده است . در ارتش میان فرماندهان عالیرتبه اختلاف نظر پیدا کرده و افسران جوان بانديشه های انقلابی دل بسته شده اند . بورژوازی پراکنده است و ایمان بخود را از دست داده است . تضادهای لاینحل آنرا تلاشی میسازد . قشرهای معینی از بورژوازی علیه ستم بیگانه مبارزه میکنند . به تشریک مساعی باقیه نیروهای مرفی و از آن جمله کمونیستها و اعضا جنبش انقلابی چپ . تمایل نشان میدهند . نقشه ای که دولت تحت ارشاد اتحاد بخاطر مرفی کشیده بود بکلی عقیم ماند و ماشین تبلیغاتی عظیمی که ایجاد شده بود تا به کشورهای

دیگر تلقین شود که در ونزوئلا اصلاحات ارضی آغاز شده است بمسروصدای زیاد درهم شکست • بحران اقتصادی ارکان تمام سیستم را بلرزه انداخته است • کنگره ملی که اپوزیسیون ( واز جمله کمونیستها ) بر آن حاکمند باتوجه بحریه مخالفان است • مردم که بامارش ظفر مندیبه پیش میروند بیش از پیش به نیرومندی خود پی میبرند • توده های مردم که حصارهای نژادی و پنداره های خرافاتی آنها را از هم جدا نکرده است از سطح عالی شعور ملی برخوردارند و در احزاب انقلابی که باهم بیعت برادری کرده اند ، متحد هستند • مردم از خود سازمان سیاسی بزرگی دارند که از احترام فراوان برخوردار است • این سازمان جبهه آزادی ملی یا نیروهای مسلح آزادی ملی است که در جریان مبارزه تحریه میاندوزد •

وزارت امور خارجه امریکای این بست واقعا دردناکی رهبر است : توسل به کودتای - گویل ها نظیر آنچه که در آرژانتین مشاهده شد ، و یا به کودتای " سرد " نظیر کودتای اکوادور که چندان آسان نیست • این امر جبهه کمونیستی مقاومت را توسعه خواهد داد و پابندهای ناشی از " قانون اساسی " که مانع وحدت محافل طالب تشکیل دولت جدید است از بین خواهد رفت • گروههای پارتیزان در شهرها و مناطق روستایی دوشید و شرافسران مرفقی بید رنگ با غریب درهم شکن خود به غاصبین جدید پاسخ خواهند داد •

و اما اگر مترجمین بخواهند برای سرکار نگاه داشتن کسانیکه کشور را بفرسودگی کشانده اند در انتخابات به ثقل متوسل شوند جبهه مقاومت وسیعتر خواهد شد و قیام به یگانه چاره ممکن برای محافل هر چه وسیعتر بدل خواهد گشت •

در قبال این بن بست نگرانی آور چکاری میتوان انجام داد ؟ چگونه میتوان سودهای افسانه ای تراست های امریکائی را حفظ کرد ؟ سرمایه گذارهای عظیم امریکائی که بزرگترین سرمایه گذاری ها را در این نیعکره تشکیل میدهند چگونه میتوان نجات داد ؟ آیا میتوان به از دست دادن لقمه نعتی چرب و نرم ونزوئلا و آهن گویان که منبع اساسی تامین مواد خام صنایع فلزگدازی امریکا است تن در داد ؟ بگذار و واشنگتن برای پاسخ باین سئوالات اند و هبامرغز خود فشار آورد • مردم ونزوئلا و از جمله پشاهنگ متعطل آنها پاسخ این سئوالات را میدهند • ما باصراحت تمام اعلام میکنیم که آتشفشان خروشان که ونزوئلا نام دارد برای مسترکندی و وزارت جنگ امریکا شدیدترین درد سرفراهم میکند •

افق فعلا مهالود است • ولی مردم هدف خود را بروشی می بینند ، زیرا به مشعل راهنما مجهزند • این مشعل برنامه جبهه آزادی ملی یعنی مبارزه برای تشکیل دولت واقعا میهن پرست ، ضد فئودالی و ضد امپریالیستی است • هدف نهائی هم که در جلو قرار دارد سوسیالیسم است • راصعین است : وحدت نیروهای خلق • دشمن عمده مکشوف است : امپریالیسم امریکا • ارتجاع داخلی بر خود میسرزد و پره های کاهی که برای نجات خود پاتشج بان تشبث جسته است یکی پس از دیگری از دستش خارج میشود • ولی خطر ضربات چنگالهای ارتجاع را بهنگام احتضار نباید ناچیز گرفت • ما میدانیم که مبارزه طولانی و دشوار خواهد بود • ولی بدون اندک تردید باید گفت که پیروزی حاصل خواهد شد • این پیروزی از ان کسانی خواهد بود که دیالکتیک ماتریالیستی را سلاح عمده خود و ایمان به متوده ها را تکیه گاه تمام اعمال خود کرده اند • برای اینکه این پیروزی هر چه زودتر فرارسد ما به هبستگی دامنه دار و دائم ملل برادری که اکنون در راه سوسیالیسم به پیش میروند و نیز مللی که مثل ما ملخا هنوز برای رهائی قطعی



خود مبارز می‌کنند نیازمندیم • ما در مبارزه علیه مامدار کثونی که برای حفظ قدرت خود بشدیدترین انواع ترور توسل می‌جوید به همبستگی نیازمندیم • از اینهم بیشتر ما فرد اباین همبستگی نیازمند خواهیم بود و این در صورتی است که امپریالیستهای امریکا دست بعداخله بزنند • ما در هر مردی به همبستگی همگان نیازمندیم • ما اطمینان داریم که این همبستگی بتاخیر نخواهد افتاد • ما تنها نیستیم • تمام مردم ترقیخواه جهان با ما هستند •

( نگارش این مقاله در سپتامبر سال ۱۹۶۳ انجام گرفته و حوادث بعدی ونزوئلا در آن منعکس نیست • )



# آمارهائی درباره اقتصاد کشورهای سوسیالیستی

سیستم جهانی سوسیالیستی جوان است و از عمر آن هنوز نیمقرن هم نمیگذرد. ولی این سیستم طی دوران کوتاه موجودیت خود کامیابیهای بزرگی بدست آورده که از آنجمله است کامیابیهای درخشان اقتصادی. این کامیابیها هم در داخل هر يك از این کشورها بدست آمده و هم بویژه در کادرمجموعه سیستم.

سیستم جهانی اقتصاد سوسیالیستی بنیاد اجتماعی مشترك دارد و آن مالکیت اجتماعی بروسائل تولید است.

ولی در حال حاضر این سیستم يك ارگانیم اقتصادی واحد را تشکیل نمیدهد بلکه بصورت مجموعه ای از اقتصادهای ملی جداگانه تكامل مییابد که پیشتر از پیشتر میان آنها روابط نزدیک و همکاری اقتصادی همه جانبه برقرار میگردد. بدین مناسبت كاملا طبیعی است که برای بدست آوردن منظره كاملی از تكامل سیستم جهانی سوسیالیستی باید هم مسائل عمومی مجموعه سیستم را بعنوان يك واحد اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفت و هم مسائل ویژه ای را که در اقتصادهای ملی جداگانه پعلت خصوصیات آنها پدید میگردد (دیرتر یا زودتر وارد شدن به راه سوسیالیسم، اختلاف سطح تكامل نیروهای مولده، اختلاف شرایط تكامل در دوران پس از جنگ و غیره).

ارقام و آمارهائی که در اینجا ذکر شد نتیجه گیریهای است درباره چگونگی تكامل کشورهای سوسیالیستی طی سالهای اخیر.

در این آمارها ارقام مربوط به سال ۱۹۶۲ با ارقام مربوط به سال ۱۹۵۰ مقایسه میشود (تقریبا در این زمان بود که سیستم جهانی سوسیالیسم تشکیل شد و دوران ترمیم واحیاد رکشورهای سوسیالیستی بطور کلی پایان پذیرفت. تحلیل بر اساس آمارهای رسمی کشورهای سوسیالیستی و از جمله اطلاعات ویژه ای که هیئت تحریریه از سازمانهای مرکزی آمار کشورهای بلژارستان، مجارستان، ویتنام، جمهوری دموکراتیک آلمان، کره، مغولستان، لهستان، رومانی و چکوسلواکی دریافت داشته انجام گرفته است. آمارهای مربوط به اقتصاد جمهوری قدرات سوسیالیستی یوگوسلاوی نیز در جدول ها ذکر شده بدون آنکه نکات ایدئولوژیک و سیاسی، که ارزیابی آنها در صلاحیت جنبش جهانی کمونیستی است، بررسی گردد.

## ۱ - برخی آمارهای عمومی

کشورهای سوسیالیسم قریب ۳۵٫۶ درصد جمعیت کرزمین (بیشتر از يك میلیارد نفر) و نزدیک به ۲۶ درصد مساحت زمین (بیشتر از ۳۵ میلیون کیلومتر مربع) را دربرمیگیرند.

کشورهای سوسیالیستی

جدول ۱

جمعیت بیلیون نفر	مساحت هزار کیلومتر مربع	سالیکه آمارها بان مربوط میشود	کشورها
۱/۷	۲۸/۷	۱۹۶۱	جمهوری توده ای آلبانی
۸	۱۱۰/۹	۱۹۶۲	جمهوری توده ای بلغارستان
۱۰/۱	۹۳	۱۹۶۳	جمهوری توده ای مجارستان
۱۶/۶	۱۵۹	۱۹۶۱	جمهوری دموکراتیک ویتنام
۸۷/۱	۱۰۸/۳	۱۹۶۱	جمهوری دموکراتیک آلمان
۶۵۶/۶	۹۵۹۷	۱۹۵۷	جمهوری توده ای چین
۱۰/۸	۱۲۱/۲	۱۹۶۰	جمهوری توده ای دموکراتیک کره
۶/۹	۱۱۴/۵	۱۹۶۱	جمهوری کوبا
۱	۱۵۶۵	۱۹۶۱	جمهوری توده ای مغولستان
۳۰/۵	۳۱۱/۷	۱۹۶۲	جمهوری توده ای لهستان
۱۸/۶	۲۳۷/۵	۱۹۶۱	جمهوری توده ای رومانی
۲۲۳/۱	۲۳۴۰۰	۱۹۶۲	اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
۱۳/۸	۱۲۷/۹	۱۹۶۱	جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی
۱۸/۸	۲۵۵/۸	۱۹۶۲	جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگوسلاوی

طی دو سه سال اخیر در اکثر کشورهای سوسیالیستی تحولات انقلابی اساسی ، که پیرامون  
دومین جنگ جهانی آغاز شده بود ، پایان رسید . اکنون درکادرمجموعه سیستم جهانی  
سوسیالیسم مناسبات تولیدی سوسیالیستی حکمفرماست .

( به جدولهای ۲ و ۳ مراجعه شود )

نسبت بخش (سکتور) سوسیالیستی در اقتصاد ملی (به درصد)

کشورها	درآمد ملی		در محصول کل به‌شایع		در کشاورزی		در خرده‌فروشی	
	۱۹۶۱	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰
جمهوری توده آلبانی	۰۰۰	۰۰۰	۹۷٫۲	۹۷٫۲	۹۹٫۰	۰٫۲	۷۲٫۷	۰٫۰
	۵۲٫۲	۰۰۰	۹۰٫۴	۹۷٫۰	۹۹٫۲	۰٫۲	۹۴٫۳	۰٫۰
بلغارستان	۶۴٫۷	۰۰۰	۹۱٫۰	۹۱٫۰	(۱)۹۷٫۶	۱۱	۹۵٫۲	۰٫۰
مجارستان	(۳)۱۵٫۷	۰۰۰	(۳)۲۵٫۲	(۳)۲۵٫۲	۷۹٫۳	۰٫۳	(۳)۴۰٫۱	۰٫۰
دموکراتیک ویتنام	۵۴٫۲	۰۰۰	۷۴٫۸	۷۴٫۸	(۴)۸۸٫۷	۵٫۷	۴۷٫۲	۰٫۰
آلمان	(۷)۴۴٫۵	۰۰۰	(۷)۹۰٫۷	(۷)۹۰٫۷	۱۰۰	۰٫۲	(۷)۵۶٫۰	۰٫۰
توده ای دیمکراتیک کره	(۲)۲۱٫۳	۰۰۰	(۷)۴۴٫۲	(۷)۴۴٫۲	۱۰۰	۰٫۰	(۲)۱۵٫۰	۰٫۰
چین	-	۰۰۰	-	-	۹۰٫۰	-	-	-
جمهوری توده ای مغولستان	۰۰۰	۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	(۸)۱٫۷	۹۳٫۷	۰٫۰
لیبنستان	۵۴	۰۰۰	۹۱٫۳	۹۱٫۳	۹۹٫۴	۱۰٫۴	۸۲٫۱	۰٫۰
رومانی	۶۱	۰۰۰	۹۲٫۴	۹۲٫۴	۹۹	۲۳٫۶	۸۸٫۰	۰٫۰
اتحاد شوروی	(۹)۹۹٫۱	۰۰۰	(۹)۹۹٫۸	(۹)۹۹٫۸	۱۰۰	۹۸٫۵	۱۰۰	۰٫۰
جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی	۸۱	۰۰۰	۹۱٫۳	۹۱٫۳	۱۰۰	۲۲٫۱	۹۱٫۷	۰٫۰
فدراتیوسوسیالیستی یوگوسلاوی	۰۰۰	۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰	۹۷	۰٫۰

(۱) - مربوط به ۱۹۶۰ (۲) - سال ۱۹۵۲ (۳) - سال ۱۹۵۷ (۴) - سال ۱۹۶۲ (۵) - از لحاظ تعداد خانوار (۶) یا تازه بخش

سرمایه داری (۷) - سال ۱۹۴۹ (۸) - از لحاظ تعداد احشام (۹) - سال ۱۹۳۷ • شاخه کشاورزی مهم • محصول کل است •

(۱۰) - مطابق با سال ۱۹۵۸ و سال ۱۹۶۲

نمیت تولید درآمد ملی در رشته‌های مختلف اقتصاد (بعضی سالهای مربوطه)

رشته‌های دیگر	بازرگانی	حمل و نقل و خدمات	کشاورزی و جنگلداری	ساختن	صنایع	کشورها
۱۹۶۱	۱۹۶۱	۱۹۶۱-۱۹۶۰	۱۹۶۱	۱۹۶۱	۱۹۶۱	۱۹۵۰
۰۷	۷	۲۸	۴۲۸	۹	۳۷۱	جمهوری توده ای آلبانی (۱)
۴	۸	۲	۳۱۲	۷	۴۱۲	بلد ارستان
۰۷	۱۲	۴۳	۲۳۳	۱۰	۵۱۷	مجارستان
۱۰	۲۰	۲	۴۱	۳	۱۸۲	دموکراتیک وینام
۷	۱۶	۶	۱۰۹	۵	۴۱۲	آلمان
۰۰	۱۲	۰	۲۸۲	۴	۵۰۹	توده ای دموکراتیک
۰۰	۲۴	۸	۴۲	۸	۱۲۲	گبره (۴)
۱	۹	۷	۲۲	۸	۴۸۳	توده ایغه ولستان
۳	۱۱	۳	۳۱	۶	۴۰۸	لیبستان
۰۰	۱۱	۵	۲۱۲	۹	۵۱۸	رومانی
۳	۸	۴	۱۵	۱۰	۶۲	اتحاد شوروی
۰۰	۱۷	۶	۲۱۴	۸	۴۱۷	جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	جمهوری فدراتیو سوسیالیستی بازگساروی

۱۹۵۹ و ۱۹۴۹

سال ۱۹۵۷ (۳)

سال ۱۹۶۰ (۲)

۱۹۵۹ و ۱۹۵۵ سالهای

(۱) - مربوط به سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۵۵

(۲) - سال ۱۹۶۰

(۳) - سال ۱۹۵۷

(۴) - مربوط به سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۹

(۵) - از جمله رشته های دیگر

اکنون مجموعه نسبت بخش سوسیالیستی در صنایع کشورهای سوسیالیستی قریب ۹۸ درصد حجم کل تولید و در کشاورزی قریب ۹۰ درصد تمام زمین های زراعتی است .  
 از سال ۱۹۵۸ سهم کشورهای سوسیالیستی در تولید صنعتی جهان از نسبت جمعیت آنها به نسبت جمعیت جهان بیشتر است و این بدان معنی است که در این کشورها تولید سرانه بطور متوسط بیشتر از تولید سرانه در مجموعه جهان غیر سوسیالیستی است .  
 رشد سریع صنایع خصلت اقتصاد بسیاری از کشورهای سوسیالیستی را تغییر داده است .  
 اکنون صنایع این کشورها قریب سه چهارم مجموعه محصول صنایع و کشاورزی کشورهای سوسیالیستی را میدهد .

نسبت صنایع و کشاورزی در مجموعه محصول این کشورها

کشاورزی		صنایع		کشورها
۱۹۶۱	۱۹۵۰	۱۹۶۱	۱۹۵۰	
۳۹٫۱	۹۱٫۲	۶۰٫۹	۸٫۱	جمهوری توده ای آلبانی (۱)
۲۵	۴۵٫۶	۷۵	۵۴٫۶	بلغارستان
۲۸٫۹	۳۲	۷۱٫۱ (۲)	۶۸	مجارستان
۵۶٫۸	۸۳٫۱ (۳)	۴۳٫۲	۱۶٫۹ (۳)	دموکراتیک ویتنام
۱۲٫۳	۱۹٫۱	۸۷٫۷	۸۰٫۹	آلمان
۳۲٫۴	۶۹٫۹	۶۷٫۶	۳۰٫۱	توده ای چین
۲۴	۷۲	۷۶	۲۸	دموکراتیک کره
۵۷	۰۰۰	۴۳ (۵)	۰۰۰	مغولستان
۲۸٫۵	۳۴٫۱ (۳)	۷۱٫۵	۶۵٫۹ (۳)	لهستان
۳۱٫۴	۳۵٫۶	۶۸٫۶	۶۴٫۴	رومانی
۲۰٫۳	۰۰۰	۷۹٫۷	۰۰۰	اتحاد شوروی
۱۸	۳۶٫۱	۸۲	۶۳٫۹	جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی
				فدراتیو سوسیالیستی
۳۸٫۱	۰۰۰	۶۱٫۹	۰۰۰	یوگوسلاوی

(۱) - سال قبل از جنگ و سالهای ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰ (۲) سال ۱۹۶۰

(۳) - سال ۱۹۵۵ (۴) - سال ۱۹۴۹ و سالهای ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰

(۵) - سال ۱۹۶۲



۲- توسعه پایه صنعتی کشورهای سوسیالیستی

صنعت رشته عمده اقتصاد کشورهای سوسیالیستی است • صفت مشخصه صنعت در کشورهای سوسیالیستی مقدم بر هر چیز آهنگ سریع ترقی است که در جدولهای زیر منعکس است •

جدول تغییر تولید صنعتی در کشورهای سوسیالیستی من حیث المجموع

( سال ۱۹۳۷ = ۱۰۰ )

جدول ۵

سال ها	رشد صومی	افزایش سالانه
۱۹۵۰	۱۹۰	—
۱۹۵۸	۵۳۱	۱۷/۱
۱۹۵۹	۶۱۰	۱۷/۰
۱۹۶۰	۶۸۱	۱۱/۶
۱۹۶۱ (۱)	۷۴۱	۹
۱۹۶۲ (۱)	۸۰۰	۸/۵

(۱) - طبق آمار مقدماتی •

جدول تغییر تولید صنعتی هر يك از كشورها

( سال ۱۹۵۰ = ۱۰۰ )

جدول ۱

كشورها	سال ۱۹۵۸	سال ۱۹۶۲	نسبت سال ۱۹۶۲ به ۱۹۵۸
جمهوری توده ای آلبانی	۵۴۳	۶۹۴	۱۵۱
بلغارستان	۲۹۱	۴۹۳	۱۶۹
مجارستان	۲۱۶	۳۱۹	۱۵۰
دموکراتیک یتنام (۱)	۳۲۰	۶۸۳	۲۱۳
آلمان	۲۴۱	۳۲۹	۱۳۷
توده ای چین	۶۸۱	۰۰۰	۰۰۰
دموکراتیک کره	۴۱۳	قریب د برابر	قریب ۲٫۵ برابر
کوبا	۱۰۰	۱۲۲	۱۲۲
جمهوری توده ای مغولستان	۲۳۰	۴۴۸	۱۹۴
لهستان	۲۷۸	۴۰۴	۱۴۵
رومانی	۲۶۷	۴۵۴	۱۷۰
اتحاد شوروی	۲۴۹	۳۶۱	۱۴۶
جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی	۲۲۸	۳۲۶	۱۴۳
فدراتیوسوسیالیستی یوگسلاوی	۲۰۰	۳۰۰	۱۵۰

(۱) - سال ۱۹۵۵ = ۱۰۰ و از جمله تولیدی \*

بظریکه دیده میشود تولید صنعتی در کشورهای سوسیالیستی طی ۵ سال اخیریک برابر و نیم شده است \* تولید صنعتی در جهان سرمایه داری طی همین مدت فقط يك چهارم افزایش یافته است \* میزان سالانه افزایش محصولات صنعتی طی این مدت در جهان سوسیالیسم ۱۳ درصد و در جهان غیر سوسیالیستی ۴٫۳ درصد بوده است \*

اخمید، ارقام مذکور از آنجمله است که رشد تولید را در قیاس با دوران قبل از جنگ که بسیاری از کشورهای سوسیالیستی کنونی هنوز دارای اقتصاد عقب مانده بودند نشان میدهد \* بلکه در قیاس با سال ۱۹۵۰ نشان میدهد که صنایع در مدارج نسبتاً عالی ترقی قرار داشت \* ارقام بالا نشان دهنده آنستکه تمام کشورهای سوسیالیستی با آهنگ سریع ترقی میکنند در همین حال بروشنی دیده میشود که سرعت ترقی آنها متفاوت است \* جدول زیر آهنگ ترقی صنعت هر يك از کشورها را بر اساس ارقام مشخص تر نشان میدهد \*

افزایش سالانه تولید صنعتی  
( همسر سال نسبت به سال قبل )

کشورها	۱۹۵۸	۱۹۵۹	۱۹۶۰	۱۹۶۱	۱۹۶۲
جمهوری توده ای آلمانی	۱۹	۲۰	۱۱	۷٫۲	۶٫۴
• بلژیک	۱۳	۲۴	۱۲	۹٫۹	۱۱٫۱
• مجارستان	۱۱	۱۰	۱۱٫۳	۱۲	۹
• دموکراتیک یونان	۱۷	۳۱	۱۹٫۵	۱۰٫۵	۲۳٫۲
• آلمان	۱۱	۱۲	۸	۶٫۲	۶٫۱
• توده ای چین	۶۶٫۲	۳۹٫۳	۲۹٫۲	۰۰۰	۰۰۰
• دموکراتیک کره	۳۸	۵۲	۱۵	۱۴	۲۰
• مالدوستان	۱۹٫۶	۷٫۳	۲۷٫۶	۲۴٫۳	۱۴٫۲
• رومانی	۱۰	۹	۱۱	۱۰	۸٫۴
• لیبنستان	۱۰	۱۰	۱۶	۱۵٫۶	۱۴٫۷
اتحاد شوروی	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۹٫۷
جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی	۱۱	۱۱	۱۲	۸٫۹	۶٫۲
• فدراتیو سوسیالیستی یوگوسلاوی	۱۱	۱۳	۱۵	۷	۷

آهنگ افزایش سالانه تولید صنعتی در جهان سوسیالیستی سرعت دائم دارد و از آهنگ پیشرفت صنعت در جهان سرمایه داری سریعتر است .

بررسی جدول ۷ در عین حال نشان میدهد که در برخی از کشورهای طی ۲ سال اخیر در سرعت افزایش تولید کاهشی معینی روی داده است . این کاهش عمل گوناگون دارد . در مجارستان نط کاهش حزنی سرعت افزایش سالانه تولید ( در عین اجرای برنامه پیترازمیزان مقرر ) تدارک و انجام تیرات مثبت در ساختمان صنایع ( واز جمله تغییرات در رشته های پیشرو یعنی صنایع شیمیایی و آلات و ادوات سازی ) بوده است . در جمهوری دموکراتیک آلمان ، همانطور که در کنگره ششم حزب متحده سوسیالیست آلمان خادار نشان گردیده علت این کاهش سرعت کببود افزایش میزان ذخیره مخصوص سرمایه گذاری در سالهای ۱۹۵۸ - ۱۹۶۱ بوده است . در لیبنستان علت کاهش معیسن سرعت پیشرفت ( واز جمله در مورد اجرای پیترازمیزان متر برنامه ) همانگونه که رفیق گومولکا خادار نشان ساخته ناساء بدون شرایط کشاورزی و د شواریهای موجود در رشته بازرگانی خارجی پاکستانهای سرمایه داری بوده است . در چکوسلواکی به تریک کنگره ۱۲ حزب کمونیست چکوسلواکی - تخریح کرد تمایل به سورت بندی فوق العاده وسیع محصولات صنعتی وعدم تناسب وناهماهنگی در پیشرفت اقتصادی ( تناد میان منابع موجود و نیازمند بها، میان امکانات تولید و مصرف ) عواقب سو\* بیار میآورد .

در اسناد کنگره گفته می‌شود که این امر بیشتر از هر چیز ناشی از عامل ذهنی یعنی نادرستی فعالیت هدایت کننده و سازمان دهنده و سطح نازل برنامه ریزی پرسیکتیواست . در یوگوسلاوی بطوریکه در پلنوم چهارم کمیته مرکزی اتحاد کمونیست های یوگوسلاوی گفته می‌شود سخن بر سر نواقص معین دارای جنبه ذهنی در رشته برنامه ریزی رهبری اقتصاد ملی و نیز بر سر آنستکه سطح کنونی ترقی اقتصاد تسریع در امر اختصاصی کردن تولید و همکاری تولیدی را ایجاب میکند و شرط لازم تحقق این امر هم تقویت اصل برنامه ریزی است .

در یک سلسله از کشورهای هم‌عزل مواد خام عواقب منفی داشته است . اهمیت این عامل از روی مثال زیر روشن می‌شود .

تودور ژوکوف در جلسه مشاوره مربوط به امور صنایع در ماه مارس سال ۱۹۶۳ ضمن نطقی خود گفت اگر صنایع بلغارستان مواد خام بحرکافی می‌داشت می‌توانست ۲۰ - ۳۰ درصد بیشتر محصول تولید کند . اکنون تمام کشورهای سوسیالیستی این وظیفه را در برابر خود گذاشته اند که پایگاه مواد خام خود را توسعه دهند تا نیازمندیهای صنایع تبدیل کنند به حد کافی ارضاء شود .

در یک سلسله از کشورهای سوسیالیستی خاطر نشان می‌شود که طرز استفاده از سرمایه گذارینها نواقص جدی دارد . باردیگر تأیید می‌شود که حجم سرمایه گذارینها خودی خود نمی‌تواند شاخص کافی باشد . اثربخشی سرمایه گذارینهاست که اهمیت فوق العاده دارد .

بطوریکه در قرارهای کنگره ها و پلنوم های کمیته مرکزی یک سلسله از احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی خاطر نشان می‌شود اکنون سخن بر سر آنستکه عواقب عدم استفاده کافی از برتریهای شیوه تولید سوسیالیستی از میان برود رهبری اقتصاد برنامه ریزی بسط و واقعاً ارتقاء داده شود . احزاب پس از بررسی های دقیق ، برنامه های مشخصی برای کار تصویب کردند که موجبات اعتلای صنایع سوسیالیستی را تامین مینماید .

یکی از نتایج مهمی که احزاب برادر پیمان رسیده اند آنستکه باید از تمام برتریهای عظیم تقسیم کار میان کشورهای سوسیالیستی به میزان به مراتب بیشتری استفاده شود . این مسئله در جلسه مشاوره دبیران اول کمیته های مرکزی احزاب کمونیست و کارگری و سران دول کشورهای عضو شورای تعاون مشترک اقتصادی در ژوئن سال ۱۹۶۲ مورد بررسی قرار گرفت .

### مجموع تولید مهمترین انواع محصولات صنعتی در کشورهای سوسیالیستی ( ۱ )

نوع محصول	واحد اندازه گیری	سال ۱۹۵۰	سال ۱۹۵۸	سال (۲) ۱۹۶۱	سال (۲) ۱۹۶۲	نسبت سال ۱۹۶۲ به سال ۱۹۵۰
نیروی برق	میلیارد کیلووات ساعت	۱۴۸/۲	۲۷۲/۳	۵۲۹/۸	۵۸۲	۳/۹ برابر
نفت	به میلیون تن	۴۴	۱۲۹	۱۸۶	۲۰۸	۴/۷
گاز	بیلیارد مکعب متر	۱۲/۱	۴۲/۵	۷۲/۵	۸۸	۷/۲
زغال	به میلیون تن	۵۴۳	۹۷۰	۱۱۸۳	۱۴۹۰	۳/۳
فولاد	« « «	۳۶/۶	۸۱/۳	۱۱۳/۶	۱۲۲	۳/۳
سیمان	« « «	۲۱/۴	۶۳/۷	۹۷	۱۰۴	۴/۹

- ( ۱ ) - در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۸ در ۱۳ کشور و در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ در ۱۴ کشور .  
 ( ۲ ) - طبق آمارهای مقدماتی . در مورد جمهوری توده ای چین از آخرین آمارهای منتشره ( سال ۱۹۶۰ ) استفاده شده است .

طی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۲ تولید نیروی برق تقریباً ۳۹ برابر شده است • تولید صنعتی طی همین مدت تقریباً ۴۲ برابر شده است • بنابراین سرعت افزایش نیروی برق از سرعت افزایش تولید من حیث المجموع عقب مانده است • اینک حد ولی ارقام مربوط به تولید نیروی برق هریک از کشورهای سوسیالیستی •

## تولید نیروی برق

( به میلیارد کیلووات ساعت )

کشورها	۱۹۵۰	۱۹۶۲	نسبت ۱۹۶۲ به ۱۹۵۰
جمهوری توده ای آلبانی	۰٫۰۲	۰٫۲۳ (۱)	۱۱ برابر
" " بلغارستان	۰٫۸۰	۶٫۰۴	۷٫۴
" " مجارستان	۳	۹٫۱	۳
" " دموکراتیک ویتنام	۰٫۰۰	۰٫۳۵	۰٫۰۰
" " آلمان	۱۹٫۵	۱۴۵٫۷۰ (۱)	۲٫۳
" " توده ای چین	۴٫۵۵	۵۵ (۲)	۱۲ (۳)
" " دموکراتیک کره	۵۹ (۴)	۱۱٫۴۴	۲ (۵)
گیها	۰٫۰۰	۲٫۸۱	۰٫۰۰
جمهوری توده ای مغولستان	۰٫۰۷	۰٫۳۰	۴٫۳
" " لهستان	۹٫۴	۳۵٫۴	۳٫۸
" " رومانی	۲٫۱	۱۰٫۰۷	۴٫۸
اتحاد شوروی	۹۱٫۲	۳۶۹	۴
جمهوری سوسیالیستی چکوسلوواکی	۹٫۳	۲۸٫۷	۳٫۱
" " فدراتیو سوسیالیستی یوگوسلاوی	۲٫۴۱	۱۱٫۲۸	۴٫۷

( ۱ ) - آمار مقدماتی

( ۲ ) - سال ۱۹۶۰

( ۳ ) - نسبت سال ۱۹۶۰ به ۱۹۵۰

( ۴ ) - سال ۱۹۴۹

( ۵ ) - نسبت سال ۱۹۶۲ به سال ۱۹۴۹

در این شماره

لورنر شارکی

( دبیرکل حزب کمونیست استرالیا )

• مارکسیسم خلاق بنیاد پراتیک انقلابی است

ازه کیاس پاپیوانو

( دبیرکل حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس )

• وحدت وثیقه کامیابیهای جنبش کمونیستی است

تیسادل نظر

• مرحله کنونی جنبش آزاد پیکشرملی ملل عرب

۱ - مسائل اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی کشورهای عربی

۲ - وحدت ملل عرب •

۳ - درباره " سوسیالیسم عربی " •

ادوارد وکونسالس مونوز

• ونزوئلا در مبارزه

آمارهای درباره اقتصاد کشورهای سوسیالیستی